

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ————— ❁

نقش و رسالت زن

۲

الگوی زن

برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)
رهبر معظم انقلاب اسلامی

مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی



دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی



دفتر خط و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی‌ فاضل‌نوری

نقش و رسالت زن

۲

الگوی زن

برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله‌العالی)

رهبر معظم انقلاب اسلامی

به کوشش: امیرحسین بانکی‌پور فرد

ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی

(وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۵۱-۷۹-۶

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه‌ی عطارد، شماره‌ی ۷

تلفن: ۶۶۴۱۰۶۴۹ - ۶۶۹۷۷۲۶۸ -- تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲ - ۶۶۴۸۳۹۷۵

پست الکترونیکی: Info@Book-khamenei.ir - سامانه پیامکی: ۱۲۰ ۲۰ ۱۰۰۰ - <http://Book-Khamenei.ir>

پیشگفتار

برقراری نظام جمهوری اسلامی به تعبیررسای بنیانگذار آن، حضرت امام خمینی(ره)، از نعمتهای بزرگ الهی بر مردم این سرزمین و تمامی مستضعفین جهان بوده است. مروری بر تاریخ پرافتخار این نهضت و شکل‌گیری نظام مقدّس جمهوری اسلامی به روشنی نقش و تأثیر اصل مترقی ولایت فقیه و رهبری حکیمانه‌ی حضرت امام(ره) و پس از آن حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، را در هدایت انقلاب در کوران حوادث گوناگون روزگار نشان میدهد. مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی که وظیفه‌ی حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری را بر عهده دارد، در اجرای همین وظیفه اقدام به انتشار کتابهای موضوعی به منظور نشر بیانات، دیدگاهها و رهنمودهای معظم‌له در مقاطع، مناسبتها و موضوعات مختلف می‌نماید.

کتاب حاضر حاوی گزیده‌ای از بیانات معظم‌له درباره‌ی موضوع «الگوی زن» است که مطالب آن در ده بخش تنظیم شده و شامل مباحث مختلفی از جمله «ضرورت و اهمیت وجود الگوی صحیح در حیات انسانها»، «حضرت فاطمه زهرا(س)»، «الگوی جامع و کامل در عرصه‌های زندگی خانوادگی، اجتماعی و سیاسی»، «جایگاه و مقام معرفتی و معنوی حضرت فاطمه(س)» و نیز «الگوهای زنان عاشورایی، زنان قرآنی و زنان مجاهد عرصه‌ی انقلاب اسلامی» می‌باشد و دیدگاه انقلاب و نظام اسلامی و اسلام ناب محمدی(ص)

درباره‌ی موضوع مزبور را ارائه میکند.
 این اثر جلد دوّم از مجموعه‌ی پنج جلدی با عنوان «نقش و رسالت زن»
 درباره‌ی مسائل و مباحث مرتبط با موضوع «زن» در بیانات رهبر معظم انقلاب
 اسلامی است که برای استفاده‌ی محققان و عموم علاقمندان به دیدگاههای
 معظمّ له منتشر میشود.

و من الله التوفیق





فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۵
۱. ضرورت ارائه‌ی الگوی صحیح در حیات انسانی.....	۱۹
درخشش الگوهای جامع در تقابل با طرح‌های کهنه و نو «ضد زن».....	۱۹
احتیاج به الگو برای حفظ موازین اخلاقی، عاطفی و آرمانگرایی.....	۱۹
تأثیر الگو در کمال زن.....	۲۰
تأثیر خیلی زیاد الگو بر ذهن مردم.....	۲۰
تربیت زنان بر اساس الگوی اسلامی.....	۲۱
هویت‌یابی زن به منظور تثبیت پایه‌های تربیت و فضای معنویت.....	۲۱
داشتن الگو؛ شرط اصلی مقاومت زن در هجوم همه جانبه به او.....	۲۱
بدون الگو، صلاح و خوبی امری کمیاب و استثناء.....	۲۳
نبودن الگو؛ عامل نفوذ فرهنگ بیگانه.....	۲۳
خلأهای ذهنی بانوان؛ زمینه‌ساز گسترش الگوهای غربی.....	۲۳
الگوی غربی؛ زن وسیله‌ی التذاذ مرد.....	۲۴
خیانت تجدد به انسانیت با ارائه‌ی الگوهای فاسد.....	۲۴
۲. فاطمه‌ی زهرا(س)؛ الگوی جامع زن و حیات انسانی.....	۲۵
شخصیت فاطمه(س): زیباترین و پرجاذبه‌ترین ترسیم از زن.....	۲۵
بهترین نمونه‌ی ترسیم چهره‌ی زن مسلمان برای جهانیان.....	۲۵
حضرت زهرا(س) بالاترین و کاملترین نمونه‌ی زن.....	۲۶
الگوگیری از بزرگترین زن تاریخ.....	۲۶
رأس قلّه‌ی ارزشهای انسانی زن.....	۲۷





- ۲۷..... فاطمه‌ی زهرا و اهل بیت(ع) الگوهای دسترس در مسیر زندگی
- ۲۸..... صعود به سمت قلّه‌ی حضرت زهرا(س) برای مشاهده‌ی بهتر صفات الهی
- ۲۹..... زیباترین، متعالیترین و مقدّسترین الگو
- ۲۹..... لزوم تبیین ابعاد وجودی فاطمه‌ی زهرا(س) و زینب کبری(س) بعنوان برترین الگو
- ۳۰..... حضرت زهرا (س) جامع امتیازات یک انسان والا
- ۳۰..... انسان کامل و ظرف ملکوتی وجود انسان
- ۳۰..... سیّده نساء العالمین دارای همه‌ی فضایل
- ۳۱..... الگوی همه‌ی مردان و زنان مسلمان و غیرمسلمان
- ۳۱..... فاطمه(س)؛ الگوی مجسم زن امروز در سراسر جهان
- ۳۱..... یگانگی شخصیت فاطمه(س) از لحاظ عظمت و همه‌جانبه بودن
- ۳۲..... سرمشقی در برابر تمام بدآموزیها
- ۳۲..... تقدیر و تأیید کامل پیامبر(ص)
- ۳۳..... حجت الهی در قرار دادن الگوی عالی فاطمه(س) در امت اسلام
- ۳۳..... روش صحیح انتخاب الگو و پیروی از آن
- ۳۴..... جنبه‌های الگویی زندگی ظاهری و ملکوتی حضرت فاطمه(س)
- ۳۵..... سرمشق گرفتن از کلمات و حرکات ملکوتی حضرت فاطمه(س)
- ۳۶..... الگوی فاطمی؛ سرمشق زندگی شخصی، اجتماعی و خانوادگی
- ۳۶..... جمع بین سه وظیفه‌ی خانه‌داری، حضور اجتماعی و عبادت خدا در زندگی فاطمی
- ۳۷..... الگوهای رفتاری و معرفتی در زندگی حضرت زهرا(س)
- ۳۸..... الگویی هوشمند، قدرتمند و با تقوا
- ۳۹..... الگوی زندگی و جهاد
- ۳۹..... آمیزه‌ی علم، تقوا، جهاد و گذشت
- ۳۹..... سخاوت و احسان به مستمندان
- ۳۹..... دختر هجده ساله؛ بزرگترین زن تاریخ بر اثر جهاد، گذشت و معرفت بسیار
- ۴۰..... دختر جوان خانه دار با لباس فقرا و دریای عظیم دانش
- ۴۱..... اقتدا به اعمال شخصی و اجتماعی فاطمه(س) در خودسازی و جهان‌سازی
- ۴۱..... پیدا کردن عناصر معرفتی و اخلاقی مورد نیاز نسل جوان در وجود حضرت فاطمه(س)
- ۴۲..... راه فاطمه(س)؛ راه زنان ایران
- ۴۲..... استفاده از عظمت خورشید حضرت فاطمه(س)

۴۳	بهره‌مندی و جهت‌گیری از مکتب حضرت فاطمه(س)
۴۳	۳. حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) و عرصه‌ی خانوادگی
۴۳	عمر کوتاه؛ ۱۸ تا ۲۳ سال
۴۴	۱-۳ - دوران کودکی
۴۴	دوران کودکی در شرایط سختی، فشار و بایکوت پیامبر(ص)
۴۴	نوازش و زدودن غبار غم از پدر
۴۵	فرشته‌ی نجات و غمگسار پدر در کودکی
۴۵	«ام‌ایبها»؛ احساس مسؤولیت نسبت به پدر
۴۷	دختری کوچک؛ تکیه‌گاه پدر در فقدان مادر
۴۷	احترام فوق‌العاده‌ی پیامبر(ص) به دختر جوان خود
۴۸	محبوبیت فاطمه‌ی زهرا(س) نزد پیامبر(ص)
۴۹	۲-۳ - ازدواج فاطمی
۴۹	ازدواج دختر شخص اول دنیای اسلام
۴۹	جهیزیه‌ی افتخارآمیز
۵۰	جهیزیه‌ی بهترین عروس عالم
۵۰	الگوی ازدواج در خاندان پیامبر(ص)
۵۱	۳-۳ - آئین همسردهی فاطمی
۵۱	زندگی زاهدانه و شوهردهی جهادگونه
۵۲	همسری سرباز اسلام
۵۲	مداومت در یاری همسر
۵۳	همراهی با همسر در راه هدف
۵۳	وفاداری و همدلی با همسر
۵۴	کارهای سخت خانه در کنار عبادت‌های طاقت فرسا
۵۴	تبعیت از شوهر
۵۴	شیرینترین محیط خانوادگی
۵۵	۴-۳ - شأن مادری فاطمه‌ی زهرا(س)
۵۵	نقش تربیتی حضرت زهرا(س) در خانواده
۵۶	رسیدگی به خانواده و کانونی برای مراجعات مردم
۵۷	تربیت بهترین فرزندان عالم
۵۸	نقش مؤثرتر در تربیت فرزند





- ۴- حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) و عرصه‌ی مجاهده‌ی سیاسی و اجتماعی..... ۵۸
- فریادرس پیامبر و خورشید درخشان اظهر..... ۵۹
- جلوه‌ی والای مکارم اخلاق..... ۵۹
- حضور فاطمه‌ی زهرا(س) در حوادث سیاسی اجتماعی..... ۶۰
- قدرت سیاسی- اجتماعی و آینده‌نگری زن جوان..... ۶۰
- افتخارآفرینی در سه عرصه‌ی حضور زن..... ۶۱
- فاطمه‌ی زهرا(س) حکیمی عارف و مجاهد در عرصه‌ی اجتماع..... ۶۲
- ابعاد سیاسی، اجتماعی و جهادی زندگی فاطمه‌ی زهرا(س)..... ۶۳
- دختر مبارز در مکه و مدینه..... ۶۴
- مجاهدت و تلاش در راه خدا..... ۶۴
- چهره‌ی شاخص در تمام صحنه‌های انقلاب اسلامی..... ۶۴
- دقت در اوامر الهی..... ۶۵
- دفاع از اسلام، امامت و ولایت..... ۶۵
- فاطمه‌ی زهرا (س) تسلی‌بخش پیامبر(ص)؛ مدافع حق ولایت..... ۶۵
- در رأس مبارزات بعد از پیامبر(ص)..... ۶۹
- تحمل لطمات و زحمات مبارزه..... ۶۹
- دفاع از حق تا سرحدّ جان..... ۶۹
- شهادت در راه دفاع از حق..... ۷۰
- عبور از حصار کتمان و اخفا..... ۷۰
- روح جهاد فی سبیل الله در توسلّ زیاد فاطمه‌ی زهرا(س)..... ۷۰
- ۵- حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) و عرصه‌ی معرفتی عرفانی..... ۷۱
- قله‌ی توصیف ناپذیر معرفت و آگاهی از حقیقت..... ۷۱
- صحیفه‌ی فاطمیّه؛ حاوی تمام دانشهای معنوی..... ۷۳
- صحیفه‌ی فاطمیّه؛ علم ماکان و مایکون..... ۷۳
- خطبه‌ای از معلّم بزرگ..... ۷۴
- سخنرانی شگفت‌انگیز..... ۷۵
- خطبه‌ای پر مغز مانند نهج البلاغه..... ۷۶
- تعجب بزرگان فصحا و بلغا از خطبه‌ی فاطمه (س)..... ۷۶
- خطبه‌ی فدکیّه؛ خطبه‌ای یکپارچه حکمت و معرفت..... ۷۷
- خزانه‌ی تمام نشدنی از معارف، روحیه و درس برای جوانان..... ۷۷

۶- حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) و عرصه‌ی عبادی	۷۸
عبودیت و بندگی؛ منشاء سایر ارزشها و مقامات الهی	۷۸
خمیره‌ی فاطمه(س) بخاطر سربلندی او در امتحان بندگی	۸۱
تأثیر اعمال فاطمه(س) در احراز مقام معنوی	۸۲
همراهی علمی و معنوی با عفاف و طهارت در الگوی فاطمی(س)	۸۲
عبادت و سلوک طولانی فاطمه‌ی زهرا(س)	۸۲
عبادت مصرانه	۸۳
کثرت در عبادت	۸۳
دعای شبانه در حق دیگران	۸۳
۷- عظمت و کمالات حضرت زهرا(س)	۸۴
شخصیت ناشناخته‌ی حضرت زهرا(س)	۸۴
شخصیت غیرقابل توصیف	۸۴
تعظیم و ستایش ائمه، نشاندهنده‌ی مقام توصیف‌ناشدنی حضرت زهرا(س)	۸۴
کوشش فراوان عقول برجسته و زبانهای فصیح برای درک گوشه‌ای از مناقب فاطمه‌ی زهرا(س)	۸۵
فاطمه‌ی زهرا(س)؛ شخصیتی درک‌ناشدنی و بی‌پایان	۸۵
خشم و غضب فاطمه(سلام‌الله‌علیها)؛ خشم و غضب خدا	۸۶
قرنها تلاش شیعیان برای معرفت نسبت به حضرت زهرا(س)	۸۶
خلاصه نبوت و ولایت	۸۷
گوهر صدف نبوت و ولایت	۸۷
درخشش خورشید امامت و ولایت و نبوت از فجر درخشان فاطمه(س)	۸۷
جلوه‌های ملکوتی حضرت زهرا(س)	۸۸
فاطمه‌ی زهرا(س)؛ اوج قلّه‌ی معنویت و تکامل بشری	۸۸
اعجاب از کمالات معنوی و مادی حضرت فاطمه(س) و مکتب سازنده‌ی او	۸۹
ژرف‌پیمایی در اقیانوس نور و معنویت به کمک احادیث	۸۹
معنای بوسیدن دست حضرت فاطمه(س)	۹۱
علاقه‌ای توأم با تکریم و احترام بخاطر مقام معنوی و اوج پرواز روحانی	۹۱
فاطمه‌ی زهرا(س)؛ مرکز فیوضات الهی	۹۲
فاطمه‌ی زهرا(س)؛ شخصیتی طراز اول در طول تاریخ بشر	۹۳



- ۹۳..... فاطمه‌ی زهرا(س)؛ عدل، همپایه و همسنگ امیرالمؤمنین در ایمان
- ۹۴..... انس و همسخنی با فرشتگان؛ به اعتقاد شیعه و سنی
- ۹۶..... نزدیکی به مرکز نور فاطمه‌ی زهرا(س) با عمل، نه با محبت خالی
- ۹۷..... درک وظیفه در قبال محبت به سیده‌نساء العالمین
- ۹۷..... پیروی از فاطمه‌ی زهرا(س) در عمل
- ۹۹..... کوثر فزاینده‌ی پیامبر
- ۹۹..... حضرت زهرا(س)؛ تأویل کوثر
- ۱۰۰..... دنباله‌ی معنوی و مادی پیامبر(ص) در وجود فاطمه
- ۱۰۱..... حضرت فاطمه(س)؛ عمده‌ترین عامل بقای اسلام
- ۱۰۲..... شطّ خروشان ائمه؛ سرازیر از چشمه‌ی کوثر و چشمه‌ی جوشان فاطمه(س)
- ۱۰۳..... بشریت، مرهون فاطمه‌ی زهرا(س)
- ۱۰۳..... بالاتر بودن شخصیت فاطمه‌ی زهرا(س) از حضرت مریم، هاجر و ساره
- ۱۰۴..... بانوی بزرگ تاریخ بشر
- ۱۰۴..... ۸- الگوی عاشورایی زن
- ۱۰۴..... خصوصیات حضرت زینب(س)؛ الگوی تاریخی زن مسلمان
- ۱۰۵..... الگوی زن مسلمان برای حضور در همه‌ی میدانها
- ۱۰۶..... الگوی رهبران، دانشمندان و قهرمانان تاریخ
- ۱۰۶..... نقش تاریخساز حضرت زینب(س)
- ۱۰۷..... لزوم درک شرایط زمانه و کار حضرت زینب(س) برای فهم عظمت او
- ۱۰۷..... عظمت حضرت زینب(س) بخاطر نوع تصمیم و حرکت او
- ۱۰۸..... معرفت حضرت زینب(س)؛ دلیل عظمت او نسبت به زنان دیگر
- ۱۰۹..... عظمت زینب(س) در ارائه‌ی تحلیل و آسیب‌شناسی جامعه‌ی کوفه
- ۱۱۱..... عظمت و شکوه معنوی زینب در برابر حوادث بزرگ
- ۱۱۲..... اداره‌ی عظیمترین حوادث با حکیمانه‌ترین روش در سخت‌ترین شرایط
- نقش حکیم شجاع و قدرتمند، با ظرفیتی مثل حضرت امیرالمؤمنین(ع) در میدانهای
- ۱۱۳..... پیچیده
- ۱۱۵..... درخشش بی‌نظیر زینب(س) بعنوان یک ولی الهی
- ۱۱۵..... رها کردن خانه، شوهر و زندگی برای حفظ حیات اسلام
- ۱۱۵..... اسارت زینب(س) برای حفظ اسلام



- نقش طاقت فرسای حضرت زینب(س) برای ماندگاری عاشورا..... ۱۱۶
- تأسی به حضرت زینب(س) در انجام تکالیف و وظایف..... ۱۱۸
- زینب عالمه(س)؛ الگوی کبریایی در برابر نامحرم..... ۱۱۹
- برخورد زینب کبری(س) با سلطان ظالم..... ۱۱۹
- نگاه زیبای زینب(س) به سختیها..... ۱۱۹
- شخصیت برجسته‌ی علمی، معنوی و اخلاقی زینب(س)..... ۱۲۰
- انتخاب سالروز میلاد حضرت زینب(س)؛ گوهر درخشنده‌ای بر پیشانی پرستاران..... ۱۲۱
- ایستادگی زینب(س) در دنیای ظلم و بدی و پرستاری از جامعه‌ی اسلامی..... ۱۲۱
- مقایسه‌ی برخورد زینب(س) و نوع مصائبشان با همسر فرعون..... ۱۲۲
- فهمیدگی زنان در حادثه‌ی عاشورا..... ۱۲۳
- شرایط سخت اسارت شریفترین زنان جامعه‌ی اسلامی..... ۱۲۴
- مبارزه‌ی معنوی زنان در عاشورا..... ۱۲۴
- سکینه‌ی کبری(س)؛ مشعل معرفت و دانش..... ۱۲۵
- ۹- الگوهای قرآنی زن..... ۱۲۵
- انتخاب الگوی انسانهای خوب و بد در قرآن از بین زنان..... ۱۲۵
- معرفی نمونه‌های متعالی و منحط زن برای مقابله با نگرش غلط نسبت به او..... ۱۲۶
- خیانت اعتقادی با وجود همه‌ی امکانات..... ۱۲۷
- چهار زن نمونه برای همه‌ی انسانها، از جهت ناسپاسی و وارستگی..... ۱۲۸
- خوبی و بدی زنان در قرآن مربوط به محیط خانواده..... ۱۲۹
- نمونه‌های زنان در قرآن خلاف تفکر مارکسیستی..... ۱۳۰
- نمونه شدن، با دوری از جاذبه‌های دنیوی و پاکدامنی..... ۱۳۱
- زن فرعون؛ سمبل مرفهین صدیق..... ۱۳۲
- مریم؛ مظهر پاکی، طهارت و مقاومت در برابر وسوسه‌ها..... ۱۳۲
- ۱۰- الگو شدن زن مسلمان ایرانی..... ۱۳۳
- الگوی سوم زن؛ «نه شرقی نه غربی» زن مسلمان ایرانی..... ۱۳۳
- ارائه‌ی تعریف جدید از زن و حضور او در ساختهای مختلف..... ۱۳۴
- زن مجاهد ایرانی؛ معلم ثانی زنان جهان..... ۱۳۴
- موج فزاینده‌ی الگو شناختن زن ایرانی..... ۱۳۴
- جلوه کردن زن ایرانی در چشم ناظران جهانی..... ۱۳۵



- ۱۳۶ حفظ رتبه و آوازه‌ی جهانی زن مسلمان ایرانی
- ۱۳۶ ارائه‌ی پیام متعالی در عرصه‌های مختلف به دنیا
- ۱۳۶ زنده کردن هویت اسلامی زن در دنیا
- ۱۳۶ جلوه‌ی ناشناخته‌ی شخصیت زن
- ۱۳۷ وظیفه‌ی نشان دادن رشد فرهنگی اسلامی زنان در محیط‌های گوناگون
- ۱۳۷ گرداننده‌ی تاریخ؛ مشخصه زن ایرانی
- ۱۳۷ مجاهدت زنان ایران با حفظ حدود، الگوی نسل جوان آگاه کشورهای اسلامی
- ۱۳۸ اقتباس از چادر زنان ایرانی در کشورهای اسلامی دوردست
- ۱۳۹ تقلید زنان افریقا از حجاب زن ایرانی
- ۱۳۹ اقتباس از نحوه‌ی حجاب و تظاهرات زنان ایرانی
- ۱۴۰ زن ایرانی؛ الگوی زنان در حجاب و حرکت‌های اجتماعی
- ۱۴۰ الگوگیری مادران فلسطینی در صف‌آرایی معنوی از زنان ایران
- ۱۴۱ تربیت زنان مسلمان نمونه، در جنجال غوغاگرانه غرب
- ۱۴۱ همسران ایثارگران؛ اسوه در استقامت و حفظ خانواده
- ۱۴۲ مادر شهید؛ نخبه‌ی حقیقی فکری و روحی
- ۱۴۲ سپیده کاشانی؛ نمونه‌ی زن مسلمان فرهنگی و هنری
- ۱۴۳ فهرست آیات قرآن کریم
- ۱۴۴ فهرست روایات
- ۱۴۶ فهرست اسامی اشخاص
- ۱۴۹ فهرست مکانها



مقدمه

بی‌شک یکی از قویترین روشهای تربیتی، ارائه‌ی الگوی صحیح و مناسب و اقتدای به آن است. موضوعی که در دین اسلام به خصوص درباره‌ی زنان به آن اهتمام ویژه‌ای شده است. اسلام تنها به دفاع از شخصیت زن نپرداخته بلکه با مطرح کردن الگوهای مختلف تاریخی و قرآنی و در رأس آنها ارائه‌ی شخصیت جامع و کلی همچون حضرت زهرا (سلام الله علیها) از بین معصومین و حضرت زینب (سلام الله علیها) از بین غیر معصومین (چهارده معصوم) بر تمامی کج‌اندیشیهای تاریخی نسبت به زن خط بطلان کشیده است.

یکی از موضوعاتی که در طول تاریخ در معرض آراء و تفسیرهای گوناگون قرار گرفته و همواره دچار افراط و تفریط شده است، شخصیت و جایگاه فردی، خانوادگی، اجتماعی و تاریخی زن است. امروزه نیز کج‌اندیشیها و عدم تعادل در این باب، در جوامع مختلف فراوان به چشم میخورد. در این میان، تنها چشمه‌ی زلال، مکتب انبیاء و اوصیای الهی است که به دور از هرگونه افراط و تفریط و با تکیه بر وحی و استمداد از خالق هستی، به ترسیم جایگاه حقیقی زنان، متناسب با آفرینش آنان پرداخته است.

با پیروزی انقلاب اسلامی و شعار بازگشت به اسلام ناب محمدی (صلی الله

علیه وآله) از سوی امام خمینی (ره)، احیای شخصیت زن مسلمان نیز چه در نظر و چه در عمل جلوه‌ای دیگر یافت. از جنبه‌ی نظری، دیدگاهی جدید در باب زن و ارزشهای او در جهان امروز پدید آمد و در صحنه‌ی عمل، زنان در مسائل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی پا به پای مردان و گاه مقدم بر آنان، در سرنوشت جامعه نقش آفرین شدند.

این موج فرهنگی حضور و تعالی زن، نه تنها در سالهای پس از انقلاب اسلامی افول نکرد بلکه در عرصه‌ی دفاع مقدّس، شکل کاملتری به خود گرفت و پس از آن نیز رشد فزاینده‌ای یافت. در حقیقت، میتوان دوران کنونی را دوران شکوفایی نهالی دانست که به دست امام خمینی (ره) پدید آمد و با خون هزاران شهید آبیاری گردید. با این همه، آفات و بلیات همواره در قالب طرح دیدگاه‌های متأثر از غرب و تفکرات فمینیستی از یک سو و نظرات متحجرانه از سوی دیگر، این نهال نوپا را تهدید کرده و گاه آنچنان فضا را مسموم ساخته است که دیدگاه‌های اصیل اسلامی، برای عموم جامعه بویژه زنان مؤمن و انقلابی و حتی فرهیختگان و متولیان فرهنگی و اجرایی کشور نیز مشتبه شده است. در چنین شرایطی، ارائه‌ی سیمای جامع زن در اسلام مبتنی بر ساختار آفرینشی او و متناسب با مقتضیات زمان و مکان، ضرورت خویش را باز مینمایاند.

بدین منظور، باید به دنبال کسانی رفت که با نگاه عمیق به مبانی دینی و مبتنی بر زمان‌شناسی و تدبیر لازم و آشنایی با مسائل و مشکلات و نیازهای جامعه، خطوط اصلی و کلان نظام اسلامی را در باب شخصیت و جایگاه زن مسلمان ترسیم نمایند؛ و این مهم به لطف خداوند متعال با وجود رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدّ ظلّه‌العالی) دست‌یافتنی است. بی‌تردید از جمله عنایات الهی به جامعه‌ی اسلامی ایران، وجود رهبری فرزانه، مجتهد و ربّانی است که بحق کمتر کسی در میان فقها و غیرفقها میتوان یافت که همچون ایشان در زمینه ارائه‌ی سیمای زن از منظر اسلام کوشیده باشد. اما این حقیقت، همچون دیگر عطایای الهی به ایشان، در ورای چهره‌ی سیاسی و حقوقی این رهبر الهی، پنهان مانده است.



یکی از موضوعاتی که در بیانات مقام معظم رهبری بعنوان زعیم جامعه‌ی اسلامی بر آن تأکید شده، ارائه‌ی الگو برای زنان در ابعاد مختلف و متناسب با نیاز روز می‌باشد.

ایشان انعکاس این الگو در رفتار زنان ایرانی را عاملی برای الگو شدن آنها در بین زنان جهان دانسته‌اند. ارائه‌ی این الگوها از بیان رهبری با توجّه به نگاه نظام‌مند ایشان به مسائل زنان می‌تواند برای زنان جامعه‌ی ما بسیار سودمند باشد. به همین دلیل، در این کتاب سعی شده است با دقت تمامی سخنان ایشان در این زمینه استخراج و در سیزده بخش و با عناوین: ضرورت ارائه‌ی الگوی صحیح در حیات انسانی، فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) الگوی جامع زن و حیات انسانی، حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) و عرصه‌ی خانوادگی، حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) و عرصه‌ی مجاهده‌ی سیاسی و اجتماعی، حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) و عرصه‌ی معرفتی عرفانی، حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) و عرصه‌ی عبادی، عظمت و کمالات حضرت زهرا (سلام‌الله علیها)، الگوی عاشورایی زن، الگوهای قرآنی زن، الگو شدن زن مسلمان ایرانی دسته‌بندی و ارائه گردد.

در استخراج، گردآوری و دسته‌بندی سخنان معظم‌له و ارائه‌ی آن در قالب اثر حاضر، تمامی سخنرانیها و پیامهای ایشان درباره‌ی زنان، از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۲ حتی سخنانی که رسانه‌ای نشده است - مانند توصیه‌هایی که هنگام خواندن خطبه‌ی عقد به جوانان داشته‌اند - اما در مخزن اسناد دفتر معظم‌له موجود بوده، مورد بررسی قرار گرفته است که حجم گسترده‌ی آنها، توجّه و اهتمام رهبر معظم انقلاب را نسبت به مسائل زنان نشان می‌دهد.

در پایان، با سپاس فراوان از حمایت‌های دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، لازم است از زحمات جناب دکتر تقی اجیه در ویراستاری عناوین تشکر نمایم. همچنین از خواهران گرامی: ملیحه نقش‌زن، فاطمه حقیقی، مائده کیوانی، نسیم کریمی، اشرف‌السادات فتحی، اکرم امینی، آسیه مهجوری، مهرناز سطوت، سعیده شریعت، زهرا نقش‌زن و فاطمه دهقانی



که در جمع‌آوری و انطباق فیشها و اصلاح نهایی تلاش فراوان داشته‌اند، بالاخص خواهر مرضیه شاه‌سنایی که مسؤلیت گروه خواهران محقق را برعهده داشتند، سپاسگزارم. امیدوارم این اثر مقبول افتد و مورد لطف و عنایت خداوند قرار گیرد.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

امیرحسین بانکی‌پور فرد^۱



۱. استادیار دانشکده‌ی اهل‌البیت (ع) دانشگاه اصفهان (A.Bankipoor@ltr.ui.ac.ir)

۱. ضرورت ارائه‌ی الگوی صحیح در حیات انسانی

درخشش الگوهای جامع در تقابل با طرحهای کهنه و نو «ضد زن» تا آفتاب درخشان خدیجه‌ی کبری (علیها السلام) و فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) و زینب کبری (علیها السلام) می‌درخشد، طرحهای کهنه و نو «ضد زن» به نتیجه نخواهد رسید و هزاران زن کربلایی ما نه تنها خطوط سیاه ستمهای ظاهری را در هم شکسته‌اند، بلکه ستمهای مدرن به زن را نیز رسوا و بی‌آبرو کرده و نشان داده‌اند که حق کرامت الهی زن، بالاترین حقوق زن است که در جهان به اصطلاح مدرن، هرگز شناخته نشده و امروز وقت شناخته شدن آن است.^۱

احتیاج به الگو برای حفظ موازین اخلاقی، عاطفی و آرمانگرایی

همه‌ی انسانها احتیاج دارند به اینکه در رفتارهای معمولی خود، یک شاخص و یک الگو در مقابل چشمشان باشد. زینب کبری (سلام الله علیها) هم زن بوده است. زن مسلمان، به یک الگو و یک نمونه‌ی برجسته احتیاج دارد. زن مسلمان اگر بخواهد موازین اخلاقی، موازین عاطفی و انسانی، موضوع جنسیت زن بودن - که محور خانواده است - و موضوع آرمانگرایی را با

۱. در پیام به کنگره‌ی «هفت هزار زن شهید کشور» (۹۱/۱۲/۱۶)

هم ملاحظه کند و همه‌ی اینها را با دیدگاه اسلامی مورد توجه قرار دهد، احتیاج به یک الگو و نمونه‌ی مجسم و شاخص دارد که به او نگاه کند و در مجموع رفتارها، خود را با او تطبیق دهد و به او نزدیک کند.^۱

تأثیر الگو در کمال زن

زن امروز دنیا الگو میخواهد. اگر الگوی او زینب (سلام الله علیها) و فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) باشند، کارش عبارت است از فهم درست، هوشیاری در درک موقعیتها و انتخاب بهترین کارها ولو با فداکاری و ایستادن پای همه چیز برای انجام تکلیف بزرگی که خدا بر دوش انسانها گذاشته است، همراه باشد. زن مسلمانی که الگوش فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) یا زینب کبری (سلام الله علیها) باشد، این است. اگر زن به فکر تجملات و خوشگذرانیها و هوسهای زودگذر و تسلیم شدن به احساسات بی‌بنیاد و بی‌ریشه باشد، نمیتواند آن راه را برود. باید این وابستگیها را که مثل تار عنکبوت، بر پای یک انسان رهنه‌روست، از خود دور کند، تا بتواند آن راه را برود؛ کما اینکه زن ایرانی در دوران انقلاب و در دوران جنگ همین کار را کرد، و انتظار این است که در همه‌ی دوران انقلاب همین کار را بکند. اما الگوی زن ایرانی در این راه، همان است که گفته شد؛ زینب الگوست. زینب زنی نبود که از علم و معرفت بی‌بهره باشد؛ بالاترین علمها و برترین و صافی‌ترین معرفتها در دست او بود.^۲

تأثیر خیلی زیاد الگو بر ذهن مردم

تأثیر الگو روی ذهن مردم خیلی بالاست. در مورد همین خانواده‌ی شهدا که شما مثلاً گاهی نوشتید، از همین بعد تأثیر این مادری که درباره‌ی شما کلمات او شما یک شرح مختصری نوشتید یا یک ساعت صحبتتان با او را بیان کردید، خیلی اثر میگذارد روی هر کسی که گوش کند، از یک بعد

۱. در دیدار با جمعی از پرستاران (۷۴/۷/۱۲)

۲. در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت روز پرستار (۷۰/۸/۲۲)

است البته. اگر شما همین را فرضاً در این یک شخصیتی بتوانید باز کنید و یک الگویی ارائه بدهید، این خیلی اثر میگذارد روی ذهن مردم و جامعه‌ی ما هم چرا با الگوها مأنوسند. منتها این البته تنها راه نیست.^۱

تربیت زنان بر اساس الگوی اسلامی

اگر جامعه‌ی اسلامی بتواند زنان را با الگوی اسلامی تربیت کند؛ یعنی الگوی زهرایی، الگوی زینبی، زنان بزرگ، زنان با عظمت، زنانی که میتوانند دنیا و تاریخی را تحت تأثیر خود قرار دهند، آن وقت زن به مقام شامخ حقیقی خود نائل آمده است.^۲

هویتیابی زن به منظور تثبیت پایه‌های تربیت و فضای معنویّت

امروز در جامعه‌ی ما خوشبختانه از این نعمت بزرگ، سهم وافر باقی است؛ اگرچه دشمنان سعی میکنند آن را تاراج کنند و از بین ببرند. اما در کشورها و جوامعی که زن چنین هویتی ندارد، میبینید پایه‌های تربیت مردم می‌لنگد و فضای اخلاقی و معنوی جامعه هم دچار مشکل میشود. همه‌ی ارزشهای معنوی را میتوان از درون کانون گرم خانواده که محور آن، زن خانواده است؛ کدخدای این مجموعه، آن مجسمه‌ی عاطفه است بیرون کشید و معنویات را در سطح جامعه گستراند. امیدواریم دختران جوان و زنان جامعه‌ی ما در الگوی زینب کبری (سلام الله علیها) دقت کنند و هویت و شخصیت خود را در آن ببینند؛ بقیه‌ی چیزها فرعی است.^۳

داشتن الگو؛ شرط اصلی مقاومت زن در هجوم همه جانبه به او

وقتی که هجوم به حصار حجاب که حصار عفت زن و طهارت زن

۱. در مصاحبه با مجله‌ی شاهد بانوان (۶۷/۹/۱۳)

۲. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

۳. در دیدار با اقتشار مختلف مردم (۸۴/۳/۲۵)

است، آغاز شد و فقط کار جنبه‌ی فیزیکی، فشار و خشونت نداشت، بلکه جنبه‌ی فرهنگی، فکری و تزریق ذهنیات هم بود، چه در زمان رضاخان، چه در زمان اعقاب رضاخان و دنباله‌های او، زن اینجا لازم بود تصمیم بگیرد، نسل زن لازم بود که یک تصمیمگیری جدی بکند. این تصمیمگیری به اتکای چه چیزی می‌توانست انجام بگیرد؟ تصمیم بگیرد که چه بشود؟ تصمیم بگیرد مقاومت بکند، مقاومت میکرد همچنانی که یک عده زنهای خیلی مؤمن و خالص مقاومت کردند تا آخر، عده‌ای هم در همان اوایل هم مقاومت کردند اما این مقاومت به چه قصدی؟ به چه نیتی؟ که چه بشود؟ تا چه اتفاقی بیفتد؟ تا زن به کجا برسد با این مقاومت؟ به چه امیدی، به چه دلخوشی مقاومت کند؟ این آنجایی است که یک خلأ را ما احساس میکنیم. یعنی شرط اصلی مقاومت زن در مقابل این سیلی که بطور دائم و بدون انقطاع در طول پنجاه سال همینطور به پای این حصار عفاف خورد، شرط اینکه زن بتواند در مقابل این سیل بنیانکن مقاومت کند؛ این بود که در ذهن خود یک الگوی روشن و واضح از زن را میداشت و این را نداشت. شما میدیدید زن مسلمان، اعتقاد اسلامی دارد اما حجاب ندارد، نماز هم میخواند، روزه هم میگیرد، زیارت هم میرود، گاهی کارهای خیلی عوامانه‌ی دینی و مذهبی هم انجام میدهد، مثلاً شمع روشن میکند، پای فلان امامزاده یا سقاخانه، اما حجاب ندارد، پس این متدین است، این دلش میخواست دینی باشد اما یک الگوی روشن و یک الگوی زنده و مجسم نمیتوانستیم به این نشان بدهیم؛ اگر نشان میدادیم خودش را به او نزدیک میکرد. سعی میکرد خودش را تطبیق بدهد و این همان مقاومتی بود که لازم بود انجام بگیرد، این را ما نداشتیم برای او مشخص کنیم و نشان بدهیم.

یک چنین الگویی ما در مقابل زن مسلمان نداشتیم که نشان بدهیم بگوییم الگوی شما این است خودت را باید مثل این بکنی، به این شکل در بیاوری. اگر ما این را مشخص میکردیم، نشان میدادیم احتمال فراوانی داشت که فقط کسانی در مقابل آن موج فرهنگی تسلیم بشوند و از پا درآیند

که واقعاً دین نداشته باشند، اصلاً بی اعتقاد باشند. اما آنهایی که معتقد بودند یقیناً باقی میماندند و ما امروز همچنان احتیاج هست که آن خلأ را پر کنیم.^۱

بدون الگو، صلاح و خوبی امری کمیاب و استثناء

در یک نظام فاسد، صلاح و خوبی استثناست، بدی و فساد قاعده است. در یک نظام صالح، بدی استثناست و خوبی قاعده است. در دوران ستمشاهی پرستار خوب بود، خواهران مؤمن در بین جامعه‌ی پرستاری بودند، آن کسانی که می‌خواستند شغلشان را با سلامت و طهارت و وظیفه‌شناسی و احساس عمیق دردآشنایی انجام بدهند بودند، اما فرهنگ فاسد غربی که سیل آسا به طرف جامعه‌ی ما سرازیر میشد، اجازه نمیداد که خواهران پرستار در آن روز بتوانند زن مسلمان باشند، الگوی زن مسلمان یک الگوی ویژه است.



وقتی الگوی زن مسلمان نبود آن وقت صالح بودن، مفید بودن، خوب بودن، میشود یک استثناء، اگر جایی پیدا شد.^۲

نبودن الگو؛ عامل نفوذ فرهنگ بیگانه

یکی از کمبودهای مهم در جامعه‌ی ما مشخص نبودن الگوی زن مسلمان بوده است که بخاطر همین کمبود، فرهنگهای اجنبی مدتها در جامعه‌ی ما مجال تاخت و تاز یافتند.^۳

خلأهای ذهنی بانوان؛ زمینه‌ساز گسترش الگوهای غربی

طرح شخصیت دختر پیامبر بعنوان الگوی زن امروز از آن جهت برای

۱. در سمینار نقش زن در جامعه در دانشگاه تربیت معلم (۶۴/۱۲/۱۰)

۲. در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت روز پرستار (۶۵/۱۰/۱۵)

۳. در جلسه‌ی هیأت دولت در سالروز تولد حضرت زهرا(س) (۶۴/۱۲/۱۰)



جامعه‌ی انقلابی ما مهمّ است که در طول نیم قرن اخیر خلأهای ذهنی در مردم و بخصوص در میان بانوان فرصت مناسبی برای بداندیشان فراهم آورد تا الگوهای مورد نظر خود را به صورت ذهنی و واقعی در جامعه مطرح کنند و زن ایرانی را مانند همه‌ی زنان کشورهای اسلامی به سمت الگوهای فرهنگ صنعتی غرب سوق دهند. هر چند عامل مباشر اولی در اجرای این توطئه‌ی شوم، رضاخان و ایادی او بودند؛ اما ساده‌نگری است اگر دست پنهان سیاستهای مسلط جهان را که به شکلی خاص با اسلام بعنوان بزرگترین عامل بیداری ملت‌های مسلمان خصومتی آشتی‌ناپذیر داشتند، در پشت این صحنه‌ی غم‌انگیز و اسارت‌بار مشاهده نکنیم. از آن پس دهها سال همه‌ی دستگامهای فرهنگی جامعه‌ی ایرانی با تمام نیرو و توان ابزاری شدند برای پر کردن فضای جامعه از هر چیزی که به سوق دادن زن به سمت سر منزلی که برایش در نظر گرفته بودند به نحوی میتوانست کمک کند.^۱

الگوی غربی؛ زن وسیله‌ی التذاذ مرد

الگوی غربی امروز اروپایی، برخاسته و زائیده از الگوی باستانی رومی و یونانی آنهاست. آن روز هم اینطور بود که زن وسیله‌ای برای تکلیف و التذاذ مرد بود و همه چیز تحت الشعاع این بود، امروز هم این را میخواهند؛ حرف اصلی غربیها این است.^۲

خیانت تجدد به انسانیت با ارائه‌ی الگوهای فاسد

آنان که با نام ایجاد تحوّل اجتماعی و اقتصادی، الگوهای فاسد و پلید خویش را با نقابی از پیشرفت و تمدن بر زنان جهان تحمیل میکنند، نه تنها به بانوان بلکه به انسان و انسانیت خیانت میکنند. آلودگانی که به دروغ شعار

۱. در سمینار نقش زن در جامعه (۶۴/۱۲/۱۰)

۲. در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت روز پرستار (۷۰/۸/۲۲)

آزادی زن را دادند، میخواستند او را به اسارت فرهنگ مصرفی و مصرف فرهنگ منحنّ مخرب بکشند؛ تا آسانتر بتوانند فرزندان و تربیت‌یافتگان سست‌عنصر چنین مادرانی را چون ابزاری بی‌اراده استثمار کنند. مردم ما که روزی بر اثر تسلط دست‌نشانندگان استعمار از این توطئه در امان نبودند، بحمدالله به برکت انقلاب و خونهای مطهر شهیدان بیدار شدند و ترفندهای شیاطین بزرگ و کوچک را یکی پس از دیگری خشتی کردند.^۱

۲. فاطمه‌ی زهرا(س)؛ الگوی جامع زن و حیات انسانی

شخصیت فاطمه(س): زیباترین و پرجاذبه‌ترین ترسیم از زن

امروز با بیداری زن مسلمان که از برکات بزرگ انقلاب عظیم اسلامی است و با حضور فعال زن ایرانی در همه‌ی صحنه‌های این انقلاب شکوهمند با رشد فکری فزاینده در میان زنان، سدّ بلندی در برابر سیل بنیانکن این فرهنگ خائنه پدید آمده است. اما برای رسوخ و استواری این سد، نیازی مبرم به ارائه‌ی الگوی زن مسلمان وجود دارد. شخصیت زهرا(س) اطهر که مجموعه ارزشهای بانوی مسلمان است، میتواند زیباترین و پرجاذبه‌ترین ترسیم از زن را در دیدگاه همه‌ی زنان، مخصوصاً زنان مسلمان قرار دهد.^۲

بهترین نمونه‌ی ترسیم چهره‌ی زن مسلمان برای جهانیان

درباره‌ی فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) حرفهای زیادی است که شرح همه‌ی آنها از عهده‌ی یک کتاب حتی، خارج است. اما امروز که روز یک تلاقی بزرگ میان فرهنگ اسلامی و فرهنگ منحنّ غربی در همه‌ی مسائل از جمله در مسائل مهمّ زن در جامعه و در زندگی است، احتیاج داریم که بیشتر راجع به چهره‌ی فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) که زن نمونه و بانوی بزرگ اسلام

۱. در پیام به سمینار کوثر شیراز (۶۶/۱۱/۲۰)

۲. در سمینار نقش زن در جامعه (۶۴/۱۲/۱۰)

است بحث کنیم.

اما از دستهای غرض ورز و آلوده که بگذریم بسیاری هم هستند که هنوز بدرستی مطلع نیستند که اسلام درباره‌ی زن چه شأن والایی را در نظر گرفته است ما برای اینکه این مطلب را به جهان نشان بدهیم و فرهنگ مترقی و پیشرفته‌ی اسلامی را در این زمینه تشویق کنیم، بهترین نمونه، ترسیم چهره‌ی زنان برجسته اسلام است؛ چون شخصیت و زندگی آنها خود نشاندهنده تفکر اسلام درباره‌ی زن است و در رأس تمام زنان برجسته‌ی عالم در طول تاریخ، فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) دختر پیامبر است و لذا اگر ما بخواهیم در این باره کار و بحث کنیم، کار زیادی لازم است.^۱

حضرت زهرا(س) بالاترین و کاملترین نمونه‌ی زن

در میان زنان، نمونه‌هایی را از زن قرآن برای ما معرفی کرده؛ «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ»^۲ برای مؤمن چهره‌ی مؤمن مثالی که خدای متعال در قرآن میزند زن فرعون را مثال میزند، یعنی یک زن را مثال میزند؛ یک زنی که بر خلاف تمام علایق و تمام وابستگیها یک حرکتی میکند که درست نقطه‌ی مقابل خواهشهای نفسانی اوست، این ببینید، این جهت حرکت را برای زن، برای زنها، برای زنها و مردها حالا برای زنها معین میسازد. در این نمونه‌گیریها و مدل‌گیریها انسان گاهی میرسد به آن بهترین نمونه، بالاترین نمونه. یک نمونه‌ی زن وجود دارد که تمام زنها و تمام شخصیتهای زن از او باید درس بگیرند، چرا؟ چون او نمونه‌ی کامل کامل است و او فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است.^۳

الگوگیری از بزرگترین زن تاریخ

دختر پیامبر و رسول خدا در عمر کوتاه خود، اثر بزرگی به جا گذاشت

۱. در خطبه‌های نماز جمعه (۶۴/۱۱/۴)

۲. سوره‌ی تحریم، آیه ی ۱۱

۳. در دیدار با گروهی از بانوان کشور (۶۳/۱۲/۲۱)

و ایشان بزرگترین زن تاریخ است و زنان تاریخ هیچ یک به منزلت دختر پیامبر نمی‌رسند. دختری که فقط ۱۸ سال عمر کرد، و بنابراین دخترهای جوان هم می‌توانند عظمت بیافرینند و دخترها باید از حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) الگو و درس بگیرند.^۱

رأس قلّه‌ی ارزشهای انسانی زن

روز زن باید روزی باشد که زنان جامعه‌ی ما الگو بگیرند از شخصیت والای فاطمه (سلام‌الله‌علیها). ما وقتی که روز ولادت زهرا (سلام‌الله‌علیها) را روز زن اعلام می‌کنیم، این معنایش این است که ارزشهای انسانی زن و هدف والای زندگی زن، آن قلّه‌ای است که در رأس آن قلّه، زهرا (سلام‌الله‌علیها) قرار گرفته است. ما زن را دارای آن ارزشها، استعدادها، درخشاندها و زیباییها میدانیم که اگر از مرحله‌ی استعداد به فعلیت برسد، شبیه فاطمه (سلام‌الله‌علیها) خواهد شد. چه خوب است که زندگی آن بزرگوار از ابعاد مختلف در مجامع بانوان مسلمان به‌خصوص ایرانی مورد توجه قرار گیرد و مطالعه و بررسی شود.^۲

فاطمه‌ی زهرا و اهل بیت (ع) الگوهای دسترس در مسیر زندگی

این بزرگوار^۳ الگوست؛ نکته این است. ائمه‌ی ما (علیهم‌السلام) که بدون تردید رتبه و مقامشان از ملک و فرشتگان مقرب خدا بالاتر است، جوری زندگی نکردند، جوری حرف نزدند، جوری مشی نکردند که از دسترس ما خارج باشند؛ نه. به فرموده‌ی مرحوم علامه‌ی طباطبائی، مثل آن کسی است که روی قلّه‌ی کوه ایستاده است، به مردم می‌گوید بیاید اینجا؛ به سمت خود، به سمت قلّه، به سمت اوج فرا میخواند. اینجوری نیست که اینها مثل برجستگان دروغین دنیای مادی و دارای معنویتهای قلبی، بروند توی برج عاج و اتاق شیشه‌ای بنشینند، کسی به اینها دسترسی نداشته باشد؛ نه، می‌گویند بیاید،

۱. در دیدار با دانش‌آموزان مدارس شاهد (۶۵/۱۱/۱۳)

۲. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۶۷/۱۱/۷)

۳. فاطمه‌ی زهرا (س)

بیاید. راه همین است؛ ما باید دنبال ائمه راه بیفتیم؛ زندگی آنها الگوی ماست. بله، «أَلَا وَ أَنْكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ»^۱؛ ما مثل آنها نمیتوانیم حرکت کنیم؛ ما لیاقت این را نداریم، طاقت این را نداریم؛ اما میتوانیم آن راهی را که آنها رفتند، مسیر زندگی مان قرار بدهیم؛ این را جهت قرار بدهیم، در این جهت حرکت کنیم.^۲

صعود به سمت قلّه‌ی حضرت زهرا(س) برای مشاهده‌ی بهتر صفات

الهی

خانمهای ایران! شما همه‌تان حضرت زینب و حضرت زهرا را بر بلندی یک قلّه در نظر بگیرید، شما دارید از این کوه میروید بالا، از این دامنه که برسید به آن قلّه. این زن ایرانی است، همه چیز برایتان باید آسان باشد، باید شما این دامنه را با هر زحمتی هست تحمل کنید، سیر کنید تا خودتان را به آنجا برسانید؛ هم‌تتان را اینقدر بدانید. آن وقت آن چهره‌ی برجسته‌ی منوری که ما این را الگو و نمونه قرار دادیم و بر روی آن قلّه است او برای ما هر لحظه نزدیکتر خواهد شد، هر چه بروید نزدیک، خصوصیات بیشتری از آن چهره را مشاهده خواهید کرد.^۳

علوّ مقام زن با حرکت در صراط فاطمه (س)

امام (رضوان الله علیه) در یک بیانی خطاب به زنها میفرمودند: اینکه شما قبول کردید روز ولادت فاطمه‌ی زهرا(سلام الله علیها) روز زن باشد، این برای شما مسئولیت و تکلیف به وجود می‌آورد. روز شما، روز زن، روز مادر، روز فاطمه‌ی زهرا(سلام الله علیها) است؛ معنای این چیست؟ این یک حرکت نمادین است؛ این کار، سمبلیک است. معنایش این است که زن باید در این صراط حرکت کند؛ عظمت و جلالت و علوّ مقام و مقدار برای زنان در

۱. نهج البلاغه، نامه‌ی ۴۵

۲. در دیدار با مدّاحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه(س) (۲۳/۲/۹۱)

۳. در دیدار با خواهران پرستار واحد بسیج (۳۰/۱۱/۶۱)

این راه است؛ راهی که در آن تقوا هست، عفاف هست، دانش هست، نطق هست، ایستادگی در میدانهای گوناگونِ محتاج ایستادگی هست، تربیت فرزند هست، زندگی خانوادگی هست؛ همه‌ی زینتها و فضیلتهای معنوی در آن هست؛ زنان باید در این جهت حرکت کنند. خوشبختانه زنان جامعه‌ی ما حقاً و انصافاً نه فقط در انقلاب ما، بلکه از گذشته هم همین جور بوده است.^۱

زیباترین، متعالیترین و مقدّسترین الگو

انتخاب چنین روزی بعنوان روز زن به معنی انتخاب زیباترین، متعالیترین و مقدّسترین الگو برای زنان مسلمان، بلکه زنان همه‌ی جهان است.^۲

لزوم تبیین ابعاد وجودی فاطمه‌ی زهرا(س) و زینب کبری(س)

بعنوان برترین الگو

فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) برترین نمونه‌ی مجسم برای زنان مسلمان است. متفکرین و گویندگان مذهبی و دانشمندان باید با بیان و قلم خود، ابعاد وجودی و شخصیت این بانوی بزرگ آفرینش را هر چه بهتر و بیشتر ترسیم و تبیین کنند. دختر حضرت فاطمه (سلام‌الله علیها) یعنی حضرت زینب کبری (سلام‌الله علیها) نیز الگوی دیگری است که در ابعادی جدید نقش یک زن ممتاز را در خاندان پیامبر به بهترین وجه ایفا کرده است. شخصیت آن بزرگوار قبل از حادثه‌ی کربلا و در مدینه بسیار برجسته و معروف و ممتاز بود و به لحاظ علمی، معنوی، اخلاقی، تقوایی، پاکدامنی و طهارت برای زنان مسلمان قابل تبعیت و پیروی محسوب میشود.^۳

۱. در دیدار با مدّاحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه(س) (۲۳/۲/۹۱)

۲. پیام به سمینار کوثر در شیراز (۶۶/۱۱/۲۰)

۳. در دیدار با جمعی از پرستاران (۷۴/۷/۱۲)

حضرت زهرا (س) جامع امتیازات یک انسان والا

این دختر بزرگوار - فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) - بعنوان الگوی معرفت، دانش، عبادت، زهد، خانه‌داری، جهاد، شهادت و تمام امتیازات و خصوصیات یک انسان والا و معصوم را با خود دارد. ما افتخار میکنیم که دنباله‌رو آن حضرت باشیم. افتخار میکنیم که فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) را اسوه و الگوی خود قرار بدهیم. زنها، دخترهای جوان و نسل انقلابی کوشش کنند خودشان را به آن ترسیم‌ی که فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) از زن مسلمان برای ما به وجود آورده هر چه ممکن است نزدیکتر کنند.^۱

انسان کامل و ظرف ملکوتی وجود انسان

از اینکه دیدم بحمدالله جهت فکری زنان زبده و برگزیده کشور ما در سَمَتی است که آینده آن - ان‌شاءالله - نویدبخش و خوشحال‌کننده است، خرسند شدم. من هم متقابلاً ولادت زهرا (سلام‌الله‌علیها) را، که الگوی زنان در طول تاریخ و برای همه‌ی نسلهاست و نمونه‌ی انسان کامل و ظرف ملکوتی وجود انسان در ایشان متجلی است، به شما خواهران عزیز و به همه‌ی زنان کشورمان و به همه‌ی زنان مسلمان و به همه‌ی مسلمین جهان تبریک عرض میکنم.^۲

سَيِّدَة نَسَاء الْعَالَمِينَ دارای همه‌ی فضایل

فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) همه‌ی این فضایل را با هم داراست. چون «و اصطفاك على نساء العالمين»^۳ درباره‌ی مریم در قرآن هست و سَيِّدَة نَسَاءِ الْعَالَمِينَ، در روایت هم دارد که او سرور زنان عالم در زمان خودش بود، ولی فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) سرور زنان عالم در همه‌ی ادوار تاریخ است؛ این الگوست. برادران عزیز! ما امروز به این الگو احتیاج داریم.^۴

۱. در خطبه‌های نماز جمعه (۶۳/۱۱/۱۲)

۲. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان (۷۰/۱۰/۴)

۳. سوره‌ی آل عمران آیه‌ی ۲۴

۴. در دیدار با مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) (۸۳/۵/۱۷)

الگوی همه‌ی مردان و زنان مسلمان و غیرمسلمان

آن زن نمونه‌ای که حیاتش با همه‌ی کوتاهی عمر او در عین جوانی، الگویی برای همه مردان و زنان غیور و مؤمن و مسلمانان و حتی مردم غیرمسلمانی که با مقام آن بزرگوار آشنا باشند، است و ما باید از زندگانی آن بزرگوار درس بگیریم.^۱

فاطمه(س)؛ الگوی مجسم زن امروز در سراسر جهان

امروز جامعه‌ی زن در جهان در خلأ به سر میبرد و دست او را گمراهان تاریخ گرفته‌اند و حرفهای تمجیدآمیزی هم برای فریب زنان میزنند. شما مدآحان باید ابعاد زندگی حضرت زهرا(سلام‌الله‌علیها) را یادآوری کنید. ما سالها پیرامون فضایل معنوی و خصلتهای انسانی حضرت فاطمه(سلام‌الله‌علیها) صحبت کرده‌ایم، اما به این نکته که الگوی مجسمی از زن امروز را نشان دهیم و به ابعاد سازنده‌ی شخصیت انسانی که بتواند دنیا را اداره کند کمتر توجه داشته‌ایم و امروز باید این خلأ را جبران بکنیم؛ زیرا زندگی حضرت زهرا(سلام‌الله‌علیها) نه تنها الگویی برای زنان مسلمان و انقلابی کشورمان است بلکه زندگی این بانوی معصوم میتواند الگویی برای تمامی زنان جهان باشد. مردم دنیا باید پیام حضرت زهرا(سلام‌الله‌علیها) را بدانند و این انقلاب با برکت حضرت زهرا(سلام‌الله‌علیها) میتواند به دنیا صادر شود.^۲

یگانگی شخصیت فاطمه(س) از لحاظ عظمت و همه‌جانبه بودن

شخصیت فاطمه(سلام‌الله‌علیها) شبیه سایر بزرگان نیست، یک شخصیت یکتا و یگانه است. یعنی شما هیچ شخصیت دیگری را نمیتوانید پیدا کنید که مجسم‌کننده‌ی هویت حقیقی و همه‌جانبه‌ی یک مسلمان باشد، آنچنانکه حضرت زهرا بوده است. زنان برجسته‌ی دیگری ما میتوانیم پیدا کنیم - اما

۱. در دیدار با هیأت نظارت و هیأت اجرایی انتخابات (۶۸/۹/۲۲)

۲. در دیدار با جامعه‌ی مدآحان (۶۴/۱۲/۱۰)

اولاً نه از جهت اوج عظمت و برجستگی به پای زهرا (سلام الله علیها) می‌رسند، نه از جهت همه جانبه بودن زندگی آنها و حضور در تمام ابعاد زندگی آنها. خب ما حضرت زینب را میشناسیم، اما زینب را در کربلا میشناسید، در هنگام خروج از مکه میشناسید، در شام میشناسید، اما در زندگی خصوصی او با عبدالله جعفر شوهرش هم میشناسید؟ در حالیکه این یکی از ابعاد مهم زندگی زن است. زن مسلمان نمیتواند یک زن کامل و یک مسلمان کامل باشد در حالیکه آن بعد خانه‌آرایی و اداره‌ی کانون خانواده را ما در او نادیده بگیریم. اصلاً ظرافت قضیه در همین است. ظرافت قضیه در مورد زن همین است که در او خصلتها و ویژگیهایی وجود دارد که همه‌ی آنها باید رشد خودشان را در جهت تکامل بکنند و این جز در انسان مسلمان امکانپذیر نیست.^۱

سرمشقی در برابر تمام بدآموزیها

منزلت حضرت زهرا برای ما مسلمانان امروز، فراتر از منزلت یکی از برجستگان خاندان پیامبر و دارای یک خصوصیت مضاعفی است و آن این است که این بانوی بزرگوار و عزیز، سرمشقی است برای زن ایرانی که میخواهد علیرغم تمام بدآموزیها و علیرغم تمام سیاستهایی که میخواهند زن را در لجنزار اخلاقی بغلتانند، موجودی باشد دنباله‌رو حضرت زهرا (سلام الله علیها)؛ یعنی با دین، طیب و طاهر، شجاع، مبارز، وفادار و در عین حال در میدانهای دشوار زندگی با تمام وجود سرمایه‌گذاری کند. فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) یک چنین عنصر عزیز و بزرگواریست.^۲

تقدیر و تأیید کامل پیامبر(ص)

توجه به زندگی دخت گرامی پیامبر دارای اهمیتی ویژه است؛ به این خاطر که ایشان نه فقط شخصیتی والاتر از دیگر زنان برجسته‌ی صدر اسلام

۱. در سمینار نقش زن در جامعه در دانشگاه تربیت معلّم (۶۴/۱۲/۱۰)

۲. در خطبه‌ی نماز جمعه (۶۳/۱۱/۱۲)

داشته‌اند، بلکه توجّه به زوایای گوناگون زندگی این شخصیت عظیم‌الشان روشن می‌سازد که هر آنچه در زندگی این بانوی بزرگوار میگذشته است، حضرت رسول اکرم مورد تقدیر و تایید قرار داده‌اند. زندگی و شخصیت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) در زمینه‌ی دستیابی به الگوی زن مسلمان از اهمیتی ویژه برخوردار است.^۱

حجّت الهی در قرار دادن الگوی عالی فاطمه(س) در امت اسلام

در بین مسلمین و در فرهنگ اسلامی، زنی با این عظمت وجود دارد. خدای متعال میتواند بزرگترین و رفیعترین زن را در میان ملت‌های دیگر و امت‌های سلف قرار بدهد اشکالی هم نداشت؛ این کار میشد اما در امت اسلام قرار داده است. این هم برای ما حجّت و تنبّهی است که میتوان این الگوی عالی و والا را در مقابل چشم قرار داد و آن را دنبال کرد. ان شاءالله شما خواهران عزیز هم موفق باشید که این راه مهمّ را با قدرت و با صلابت بپیمایید و خداوند به شما هم توفیق عنایت کند.^۲

روش صحیح انتخاب الگو و پیروی از آن

سؤال^۳ خوبی است، اولاً من به شما بگویم که الگو را نباید برای ما معرفی کنند و بگویند که این الگوی شما است. این الگوی قراردادی و تحمیلی، الگوی جالبی نمیشود. الگو را باید خودمان پیدا کنیم؛ یعنی در افق دیدمان نگاه کنیم و ببینیم از این همه چهره‌ای که در جلوی چشممان می‌آید، کدام را بیشتر می‌پسندیم؛ طبعاً این الگوی ما میشود. من معتقدم که برای جوان مسلمان، به‌خصوص مسلمانی که با زندگی ائمه و خاندان پیامبر و مسلمانان صدر اسلام آشنایی داشته باشد، پیدا کردن الگو مشکل نیست

۱. در جلسه‌ی هیأت دولت در سالروز تولّد حضرت زهرا(س) (۶۴/۱۲/۱۱)

۲. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان (۶۹/۱۰/۱۶)

۳. سؤال: بعنوان یک دختر دانشجو چگونه میتوانیم از زندگانی حضرت زهرا(سلام‌الله‌علیها) الگو بگیریم؟

و الگو هم کم نیست. حالا خود شما خوشبختانه از حضرت زهرا (سلام الله علیها) اسم آوردید. من در خصوص وجود مقدس فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) چند جمله‌ای بگویم؛ شاید این سر رشته‌ای در زمینه‌ی بقیه‌ی ائمه و بزرگان شود و بتوانید فکر کنید شما خانمی که در دوره‌ی پیشرفت علمی و صنعتی و تکنولوژی و دنیای بزرگ و تمدن مادی و این همه پدیده‌های جدید زندگی میکنید، از الگوی خودتان در مثلاً هزار و چهارصد سال پیش توقع دارید که در کدام بخش، مشابه وضع کنونی شما را داشته باشد؛ تا از آن بهره بگیرید. مثلاً فرض کنید میخواهید ببینید چگونه دانشگاه میرفته است؟ یا وقتی که مثلاً در مسائل سیاست جهانی فکر میکرده چگونه فکر میکرده است؟ اینها که نیست.

یک خصوصیات اصلی در شخصیت هر انسانی هست؛ آنها را بایستی مشخص کنید و الگو را در آنها جستجو نمایید. مثلاً فرض بفرمایید در برخورد با مسائل مربوط به حوادث پیرامونی، انسان چگونه باید برخورد بکند؟ حالا حوادث پیرامونی، یک وقت مربوط به دوره‌ای است که مترو هست و قطار هست و جت هست و کامپیوتر هست؛ یک وقت مربوط به دوره‌ای است که نه، این چیزها نیست، اما حوادث پیرامونی بالاخره چیزی است که انسان را همیشه احاطه میکند.

انسان دو گونه میتواند با این قضیه برخورد کند: یکی مسؤولانه، یکی بی تفاوت. مسؤولانه هم انواع و اقسام دارد؛ با چه روحیه‌ای، با چه نوع نگرشی به آینده. آدم باید این خطوط اصلی را در آن شخصی که فکر میکند الگوی او میتواند باشد، جستجو کند و از آنها پیروی نماید.^۱

جنبه‌های الگویی زندگی ظاهری و ملکوتی حضرت فاطمه (س)

اسلام، فاطمه (سلام الله علیها) آن عنصر برجسته و ممتاز ملکوتی را بعنوان نمونه و اسوه‌ی زن معرفی میکند. آن زندگی ظاهری و جهاد و مبارزه‌ای و

۱. در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان (۷/۲/۷۷)

دانش و سخنوری و فداکاری و شوهرداری و مادری و همسری و مهاجرت و حضور در همه‌ی میدانهای سیاسی و نظامی و انقلابی و برجستگی همه‌جانبه‌ی او که مردهای بزرگ را در مقابلش به خضوع وادار میکرد، این هم مقام معنوی و رکوع و سجود و محراب عبادت و دعا و صحیفه و تضرع و ذات ملکوتی و درخشندگی و عنصر معنوی همپایه و هموزن و همسنگ امیرالمؤمنین و پیغمبر بودن اوست. زن این است. الگوی زنی که اسلام میخواهد بسازد این است.^۱

سر مشق گرفتن از کلمات و حرکات ملکوتی حضرت فاطمه (س)

در مقام تنزل وجود، آنجایی که عظمت‌های ملکوتی به واقعیت‌های عالم جسم و ملک میپیوندد و این قالب‌های بشری، حامل آن معنویت‌ها و روح‌ها میشود؛ آن وقت، هر حرکت و هر اشاره و هر حرف از زبان آنها، برای ماها که عقب هستیم، یک سر مشق نورانی میشود. این کافی نیست که ما بدانیم فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) در چه اوجی و با چه عظمتی در این عالم بوده و در عالم معنا و ملکوت خواهد بود. البته دانستنش برای ما یک معرفت است و اگر معرفت روشنی گیر کسی بیاید که آن هم جز در سایه‌ی عمل به دست نمی‌آید خیلی قیمت دارد. معرفت خالص روشن گویای آن معنویت‌ها، گیر همه نمی‌آید. اولیای بزرگ خدا هستند که میتوانند گوشه‌هایی از آن را درک کنند و ببینند. آن مقداری که ما درک میکنیم و میفهمیم، باید برای ما سر مشق حرکت و عمل باشد. شیعیان، این نکته را باید فراموش نکنند. البته همه مسلمین سهیمند؛ منتها شاید اینطور معرفتی، در غیر از شیعه کمتر هست؛ نه اینکه هیچ نیست. بعضی از کسانی که شیعه هم نیستند، در مقام معرفت نسبت به اهل بیت خیلی جلو هستند؛ اما در این حد غالباً و عموماً متعلق به شیعه است.^۲

۱. در دیدار با جمع کثیری از زنان کشور (۶۸/۱۰/۲۶)

۲. در دیدار با مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) (۶۹/۱۰/۱۷)

الگوی فاطمی؛ سرمشق زندگی شخصی، اجتماعی و خانوادگی

زنان مسلمان در زندگی شخصی، اجتماعی و خانوادگی خود باید زندگی فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) را از جهت خردمندی، فرزاندگی، عقل و معرفت الگو و سرمشق قرار دهند و از بعد عبادت، مجاهدت، حضور در صحنه، تصمیم‌گیریهای عظیم اجتماعی، خانه‌داری، همسرداری و تربیت فرزندان صالح از زهرای اطهر (سلام‌الله‌علیها) پیروی کنند؛ زیرا زندگی آن بانوی بزرگ اسلام نشان می‌دهد که زن مسلمان برای ورود در صحنه سیاست و میدان کار و تلاش و نیز ایفای نقش فعال در جامعه، همراه با تحصیل، عبادت، همسرداری و تربیت فرزندان میتواند پیرو فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) باشد و دخت گرامی پیامبر عظیم‌الشأن الهی را الگوی خود قرار دهد.^۱

جمع بین سه وظیفه‌ی خانه‌داری، حضور اجتماعی و عبادت خدا در

زندگی فاطمی

در زندگی معمولی این بزرگوار یک نکته‌ی مهم است و آن جمع بین زندگی یک زن مسلمان در رفتارش با شوهر و فرزندان و انجام وظایفش در خانه از یک طرف و بین وظایف یک انسان مجاهد غیور خستگی‌ناپذیر در برخوردش با حوادث سیاسی مهم بعد از رحلت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) که به مسجد می‌آید و سخنرانی و موضع‌گیری و دفاع میکند و حرف می‌زند و یک جهادگر به تمام معنا و خستگی‌ناپذیر و محنت‌پذیر و سختی‌تحمل‌کن است، از طرف دیگر. همچنین از جهت سوّم، یک عبادتگر و به پادارنده‌ی نماز در شبهای تار و قیام‌کننده‌ی لله و خاضع و خاشع برای پروردگار است و در محراب عبادت، این زن جوان مانند الیای کهن الهی، با خدا راز و نیاز و عبادت میکند. این سه بعد را با هم جمع کردن، نقطه‌ی درخشان زندگی فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) است. آن حضرت، این سه جهت را از هم جدا نکرد.

۱. در دیدار عمومی خواهران در هفته‌ی زن (۷۲/۹/۱۷)

شما باید در محیط کار و زندگی، با همسر و فرزندان و همسایه و دوستانتان، به وظایف شخصی خود عمل کنید و پیوندهای معمولی اجتماعی را بصورت سالم برقرار نمایید. درعین حال، باید در میدان سیاست و صحنه‌ی انقلاب و کارهایی که نظام اجتماعی از شما میطلبد و انتخابات و میدان جنگ و عرضه کردن خواست انقلابی و ملی خود در سطح کشور و جهان و بیان اراده‌ی سیاسی خود در میدانهای سیاست و انقلاب، حضور داشته باشید. شما باید در راهپیمایی و سازندگی و میدان جنگ و انتخابات و بیان عقیده‌ی سیاسی خود - آنجایی که اظهار عقیده واجب است - حضورتان را حفظ کنید و در تعیین سرنوشت کشور و انقلاب مؤثر باشید. درعین حال، رابطه‌ی معنوی و قلبی خودتان با خدا را از طریق عبادت و توجه و ذکر و حضور و معنویت و استمداد از خدا و توکل به او و انجام نوافل و فرایض خوب کنید. این سه بعد، انسان مسلمان را میسازد. اسلام، این را از ما خواسته است و اگر بپرسند: چگونه میسر است؟ پاسخ می‌دهیم که ما الگوهایی از جمله فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) داریم.^۱

الگوهای رفتاری و معرفتی در زندگی حضرت زهرا(س)

زندگی حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) الگوی زندگی یک زن مسلمان است؛ زیرا ساده زیستن دختر پیغمبر و قناعت و عدم روحیه‌ی مصرفگرایی او میتواند بهترین نمونه برای زنهای جامعه‌ی امروز ما باشد. حضرت فاطمه (سلام الله علیها) از نظر اندیشه‌ی اسلامی و معرفت، یکی از پیشروان فکر اسلامی است و او برای فرزندان خود یک آموزگار و برای پدر یک شاگرد بود. او فرزندان خود را در محیطی اسلامی، همراه با اندیشه‌های اسلامی تربیت کرد و فضای خانه‌ی او آکنده از معنویت اسلامی بود. این شخصیت برجسته و محترم در مواقع لازم حتی در اجتماع مردم، شرکت

۱. در دیدار با هیأت نظارت و هیأت اجرایی انتخابات (۶۸/۹/۲۲)

میکردند و ضمن سخنرانی برای مردم، مسائل را از دیدگاه خود برای آنها تشریح میکردند. او یک زن مبارز، پیگیر، آگاه، دانشمند و در عین حال یک زن خانه‌دار و با توقع کم بود و یک الگو برای زنان مسلمان جهان است؛ زیرا فکر بلند او، تربیت فرزندان، حضور همه‌جانبه در میدان و سخن او برای دیگران، میتواند درس خوبی محسوب شود. قناعت او در زندگی زناشویی، میتواند درس خوبی باشد. زنان با پارسایی، تقوا، پرهیزکاری، عبادت، شجاعت و تربیت فرزندان با ایمان و خانه‌داری و گرم کردن محیط زندگی، میتوانند حضرت فاطمه (سلام الله علیها) را الگو قرار دهند.^۱

الگویی هوشمند، قدرتمند و با تقوا

حضرت زهرا (سلام الله علیها) از لحاظ هوشمندی و دانایی کارهایی کرده که امروز تحلیل سیاسی که انسان میکند میبیند عجب هوشمندانه است، عجب قدرتمندانه است. چقدر زیرک بوده این زن، حالا غیر از ایمان و تقوا. آن وقت از لحاظ تقوا، از لحاظ پاکدامنی، از لحاظ تربیتهای اولیه‌ی کودکان، از لحاظ محبت به شوهر، از لحاظ بی‌اعتنایی به دنیا و پارسایی. آن شب عروسی اش است، آن میدانم زندگی اش است. از لحاظ مقاومت و صراحت، از لحاظ رنج‌پذیری، رنج، درد، بیماری، ضربت، ناراحتی را تحمل کردن؛ تمام این چیزها در وجود حضرت زینب هم منعکس شده؛ آن هم همینطور، آن هم دختر همین زن است. قدرت، قاطعیت، صلابت، دل شجاع، روح بلند، ذهن هوشیار، سخن زبده و بجا، تمام خصلتهای یک انسان بزرگ را دارا بودن، پختگی، خم نشدن و افسرده نشدن در زیر بار مصیبتها و تحمل این بارها. بله، این زینب کبری (سلام الله علیها) است. اینها الگوهای شمایند.^۲

۱. در خطبه‌ی نماز جمعه (۶۴/۱۱/۴)

۲. در دیدار با خواهران پرستار واحد بسیج (۶۱/۱۱/۳۰)

الگوی زندگی و جهاد

زنان ما الگوی زندگی خودشان و همچنین الگوی مبارزه و جهاد خودشان را از این بانوی نمونه‌ی اسلام و صدر بانوان بشریت اخذ کنند و درس بگیرند.^۱

آمیزه‌ی علم، تقوا، جهاد و گذشت

اسلام در مورد شخصیت زن، تبیین بسیار شرافتمندانه و والا و پرارزشی دارد و لازم است این کنگره شخصیت فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) را بعنوان آمیزه‌ای از علم، تقوا، جهاد، پارسایی و گذشت به جهانیان معرفی نماید تا الگوی زن مسلمان قرار گیرد.^۲

سخاوت و احسان به مستمندان

آن احسانش به مستمندان، که وقتی پیرمرد مستمندی را پیغمبر به در خانه امیرالمؤمنین فرستاد و گفت که برو حاجت را از آنها بخواه، فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) یک پوستی را که حسن و حسین (علیهما السلام) بر روی آن میخوابیدند و بعنوان زیرانداز فرزندان خود در خانه داشت و چیزی جز آن نداشت، برداشت و داد به این سائل و گفت: این را ببر بفروش و از پول آن استفاده کن. این شخصیت جامع الاطراف فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) است. این الگو است. الگوی زن مسلمان این است.^۳

دختر هجده ساله؛ بزرگترین زن تاریخ بر اثر جهاد، گذشت و معرفت

بسیار

پرستاران ما روز ولادت حضرت زینب (سلام‌الله علیها) را روز پرستار نام

۱. در خطبه‌های نماز جمعه (۶۵/۱۲/۱)

۲. در کنگره‌ی بین‌المللی زن و انقلاب جهانی اسلام (۶۶/۱۱/۱۷)

۳. در دیدار جمعی از زنان (۷۱/۹/۲۵)

نهادند؛ روز ولادت مادرش زهرا (سلام الله علیها) روز زن نام گرفته؛ هر دو هم متناسب است، هر دو هم خوب است. این به چه معناست؟ به معنای الگوسازی و نمونه‌سازی زن ایرانی است. زن ایرانی الگوش زهرا و زینب (سلام الله علیها) هستند. ببینید زهرا (سلام الله علیها) چگونه بود. حضرت زهرایی که اسمش دنیای اسلام را پر کرده و میان دوست، بی‌تفاوت و دشمن، جای یک زن بزرگ تاریخ را پر کرده. اگر او را از زنان برجسته مثل حضرت مریم (سلام الله علیها) و حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بالاتر ندانیم، بالاتر ندانند - ما که بالاتر میدانیم این بزرگوار را، از همه‌ی زنان عالم، از همه‌ی زنان تاریخ ما حضرت زهرا (سلام الله علیها) را بالاتر میدانیم، ثابت هم میکنیم - آنهایی که بالاتر نمیدانند، حداقل معادل آن‌ها میدانند، حداقل تالی‌تلو آن‌ها میدانند. این زن با این عظمت هجده سال عمر کرده؛ هجده سال. یک دختر هجده ساله شما تصور کنید، چقدر باید حجم جهاد، مبارزه، گذشت، معرفت و درک برای یک دختر هجده ساله زیاد باشد، حجم بزرگی باشد که بتواند او را سیدة نساء العالمین بکند؟ چهره‌ی برجسته‌ی منوری بکند که تا دنیا دنیاست این چهره‌ی منور خواهد ماند و منورتر هم خواهد شد. ابرها از مقابل این چهره برطرف خواهد شد، ابهامها برطرف خواهد شد، مردم می‌فهمند که اسلام چگونه آبیاری شده، ببینید چقدر جهاد شده. این الگوی زن ایرانی است.^۱

دختر جوان خانه دار با لباس فقرا و دریای عظیم دانش

ما این بزرگوار را خواسته‌ایم بعنوان الگو میان خودمان مطرح کنیم. یک زن جوان، یک دختر جوان، که زندگی‌اش، زندگی معمولی؛ لباسش، لباس فقرا؛ کارش در خانه جمع و جور کردن بچه‌ها و مدیریت خانه و کدبانویی این خانه‌ی کوچک و دستاس کردن است و آن کوه معرفت و دریای عظیم علم و دانش در وجود اوست.^۲

۱. در دیدار با خواهران پرستار واحد بسیج (۶۱/۱۱/۳۰)

۲. در دیدار با مدآحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) (۸۳/۵/۱۷)

اقتدا به اعمال شخصی و اجتماعی فاطمه(س) در خودسازی و جهان‌سازی

این محبت و علقه‌ای که وجود دارد، وظیفه‌ای را بر دوش ما میگذارد. وظیفه این است که ما باید به روش آن بزرگوار عمل کنیم؛ هم در عمل شخصی و هم در عمل اجتماعی و عمومی. راه، همین راهی است که امروز به فضل الهی، انقلاب جلو پای مردم ما گذاشته است. این، همان راه حضرت فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) است: خودسازی و جهان‌سازی. خودسازی به معنای پرداختن به عمران و آبادی جانی که جسم ما محترم به اوست. فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) «كَانَتْ تَقُومُ فِي مِحْرَابٍ عِبَادَتَهَا حَتَّى تَوْرَمَتْ قَدَمَاهَا»^۱ این دختر جوان، این بانویی که به هنگام شهادت هجده سال داشت، آنقدر عبادت میکرد و به نماز می‌ایستاد که ساقهای پاهای مبارکش ورم میکرد! این خانم، با این منزلت، با این مقام، کار منزل را هم خودش میکرد. پذیرایی از شوهر و فرزندان هم برعهده‌ی خود او بود. روایاتی که درباره‌ی «دستاس» فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) است، فراوان و متعدد است.^۲

پیدا کردن عناصر معرفتی و اخلاقی مورد نیاز نسل جوان در وجود حضرت فاطمه(س)

شما ببینید امروز نسل جوان شما - چه دخترهاتان، چه پسرهاتان - و جامعه‌ی شما از خلأ کدام معرفت رنج میبرند و آسیب میبینند؛ از کمبود کدام عنصر سازنده‌ی اخلاقی رنج میبرند، آن عنصر اخلاقی را در وجود فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) و در فضایل آن بزرگوار و این وجودهای مقدس پیدا کنید و به زبان شعر - که زبان هنر هست - آن را القا و بیان کنید.^۳

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴۱

۲. در دیدار با مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه(س) (۸۳/۵/۱۷)

۳. در دیدار جمعی از زنان (۷۱/۹/۲۵)

راه فاطمه (س): راه زنان ایران

زنان کشور ما، با آشنایی با زندگی فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) و معرفت و مبارزات و سخنان حکمت‌آمیز آن بزرگوار، راهی را مقابل خود ترسیم کرده‌اند، در راه حرکت هم کرده‌اند و بیشتر بایستی پیش بروند.^۱

استفاده از عظمت خورشید حضرت فاطمه (س)

ما دستمان پُر است، ما زنان بزرگی داریم؛ اگر حالا بخواهیم وارد وادی مسأله‌ی زن بشویم. زنان باعظمتی در تاریخ اسلام هستند که اوج و قلّه‌ی این عظمت‌ها، فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها)، صدیقّه‌ی کبری (سلام‌الله‌علیها) است. حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) و حضرت سکینه (سلام‌الله‌علیها) هم ماجراهایشان ماجراهای شگفت‌آور برای انسانهای متفکر و باهوش و خردمند و اهل فکر است.

حرف من با شما برادران عزیز مدّاح و ذاکر این است که شماها در این زمینه خیلی وظیفه دارید. من گاهی اوقات توصیه‌هایی میکنم. اینجور نیست که ما برای عظمت فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) درمانده باشیم که چه جور این عظمت را بیان کنیم و متوسّل بشویم به شعر، نثر و یا کلامی؛ نه، بلکه ما به آن عظمت احتیاج داریم. این خورشید متلألئ و درخشان به همه‌ی موجودات عالم سود میبخشد و حالا گوشه‌ی آفتابش هم داخل خانه‌ی ما افتاده است؛ ما باید ببینیم از این چه جوری میتوانیم استفاده کنیم. آن خورشید که خیلی بالاتر است؛ حالا ما ساعتهای متمادی بنشینیم و راجع به توصیف این خورشید - که درست هم نمیدانیم چه هست و ذهن ما به آن نمیرسد - حرف بزنیم، شعر بگوییم، بخوانیم؛ اما نرویم زیر این آفتاب بنشینیم، تا بدنمان را گرم کنیم، جسممان را رشد بدهیم و حیات خودمان را تقویت و تأمین کنیم؛ اینکه عاقلانه نیست؛ شأن این بزرگوار و این

۱. در اجتماع خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

بزرگوارها خیلی بالاست.^۱

بهره‌مندی و جهتگیری از مکتب حضرت فاطمه(س)

خواهران محترم آیا میتوانیم اسم زن مسلمان بر خود نهیم و حال آنکه از مکتب حضرت فاطمه(سلام‌الله‌علیها) بهره‌ای نداشته باشیم. زن مسلمان واقعی الگو و اسوه‌ی زندگی‌اش، شخصیت‌والای دخت گرامی پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) میباشد و زندگانی زنان برجسته و نامدار اسلام همیشه و در همه حال برای ما رهروان مکتب اسلام عبرت‌انگیز و در تمام مراحل جهت‌دهنده‌ی خط زندگی زن مسلمان میباشد.^۲

۳. حضرت فاطمه‌ی زهرا(س)

و عرصه‌ی خانوادگی

عمر کوتاه؛ ۱۸ تا ۲۳ سال

تولد دختر بزرگوار پیغمبر بنا بر قول مشهور در سال پنجم بعثت است که با این حساب، حضرت فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) در هنگام شهادت ۱۸ سال داشته است. بعضی هم گفته‌اند ولادت این بزرگوار در سال دوم یا سال اول بعثت بوده است که بنا بر این قول حداکثر سن این بزرگوار، ۲۲ یا ۲۳ سال میشود. شما یک زن را با همه‌ی محدودیتهایی که از جهات مختلف ممکن است برای او وجود داشته باشد (به‌خصوص در آن دوران که محدودیتهای بیشتر بوده است) در نظر بگیرید، آن وقت ببینید که این بانوی مکرم چه عظمتی را در آن شرایط و در طول این عمر کوتاه نشان داده است.^۳

۱. در دیدار با مداحان اهل بیت (ع) (۸۳/۵/۱۷)

۲. در دیدار گروهی از بانوان (۶۳/۱۲/۲۱)

۳. در دیدار جمعی از زنان (۷۱/۹/۲۵)

۱-۳ دوران کودکی

دوران کودکی در شرایط سختی، فشار و بایکوت پیامبر(ص)

این بزرگوار، یک زن خانه‌دار بود. شوهردار بود. یک مادر تربیت‌کننده‌ی فرزندان بود. این مخدّره‌ی بزرگوار، در میدانهای سختی که داشتند، مایه‌ی دلگرمی شوهر و پدرش بود. این بزرگوار، در سال پنجم بعثت متولّد شده است. یعنی در اوج و شدّت دعوت پیغمبر؛ عین شدّت و سختی و فشار. اینکه شنیده‌اید در ولادت آن بزرگوار، زنها نیامدند، خیلی معنی دارد! یعنی پیغمبر در حال مبارزه بود؛ آنچنان مبارزه‌ای که مردم مگه او را بایکوت کرده بودند. به کلّ، رابطه‌هاشان را بریده بودند، برای اینکه او را زیر فشار قرار دهند. و آن زن فداکار - خدیجه‌ی کبری (سلام الله علیها) - استقامت کرد و به پیغمبر دلگرمی داد. بعد هم این دختر رسید.^۱

نوازش و زدودن غبار غم از پدر

این دختر، در حالی که بزرگ میشد و به پنج، شش سالگی میرسید، ماجرای شعب‌ایطالب پیش آمد. در آن گرسنگیها، سختیها، فشارها، غربتها؛ در آن روزهای داغ از آفتاب و شبهای سرد از هوای آن منطقه. در حالی که بچه‌ها با شکمهای گرسنه و لبهای تشنه، جلو چشمشان پرپر میزدند. سه سال پیغمبر، در بیابانهای اطراف مکه اینطور زندگی میکرد و این دختر، در این دوران سخت، فرشته‌ی نجات پیغمبر بود. در همین دوران بود که خدیجه (سلام الله علیها) از دنیا رفت. در همین دوران بود که ابوطالب از دنیا رفت و پیغمبر، تک و تنها ماند. در این حال، این دختر بود که نوازشش میکرد، از او پذیرایی میکرد، دلداری‌اش میداد و غبار غم و کدورت را از چهره‌ی او میزدود.^۲

۱. در دیدار جمعی از زنان (۷۱/۹/۲۵)

۲. همان

فرشته‌ی نجات و غمگسار پدر در کودکی

دختری که در کوره‌ی گداخته‌ی مبارزات سخت پیغمبر در مکه متولد شد و در شعب ابیطالب یار و غمگسار پدر بود، دختری بود که حدود ۸-۷ سال یا یکی، دو، سه سال (بنابر اختلاف روایات، کمتر یا بیشتر) سن داشت و در عین حال آن شرایط دشوار را تحمل کرد. در شرایطی که خدیجه از دنیا رفت، ابوطالب از دنیا رفت و پیغمبر تنها و بی‌غمگسار است و همه به او پناه می‌آورند، کیست که غبار غم را از چهره‌ی او بزداید؟ یک وقتی خدیجه بود که الان نیست، ابوطالب بود که الان نیست، در چنین شرایط دشواری، در عین آن گرسنگیها و تشنگیها و سرما و گرمای دوران سه ساله‌ی شعب ابیطالب (که از دورانهای سخت زندگی پیغمبر است) که در یک شکاف کوه با همه‌ی مسلمانان معدود در حال تبعید اجباری زندگی میکردند، در این شرایط این دختر مثل فرشته‌ی نجاتی برای پیغمبر، مثل مادری برای پدر خود و مثل پرستار بزرگی برای آن انسان بزرگ مشکلات را تحمل کرد. غمگسار پیغمبر شد، بارها را بر دوش گرفت، عبادت خدا را کرد، ایمان خود را تقویت کرد، خودسازی کرد و راه معرفت و نور الهی را به قلب خود باز کرد. اینجاست آن چیزهایی که یک آدم را به کمال میرساند.^۱

«امّ ابیها»: احساس مسؤولیت نسبت به پدر

جناب ابیطالب یک بازه یا یک شعبی داشت؛ گفتند به آنجا برویم. حالا شما فکرش را بکنید، در مکه مکرّمه، روزها هوای گرم؛ شبها بی‌نهایت سرد بود؛ یعنی وضعیتی غیرقابل تحمل. اینها سه سال در بیابانها زندگی کردند. چقدر گرسنگی کشیدند، چقدر سختی کشیدند، چقدر محنت بردند، خدا میداند. یکی از دوره‌های سخت پیامبر، آنجا بود. پیامبر اکرم در این دوران، مسؤولیتش فقط مسؤولیت رهبری به معنای اداره‌ی یک جمعیت نبود؛ باید میتوانست از کار خودش پیش اینهایی که دچار محنت شده‌اند، دفاع کند.

۱. در دیدار جمعی از زنان (۷۱/۹/۲۵)

میدانید وقتی که اوضاع خوب است، کسانی که دور محور یک رهبری جمع شده‌اند، همه از اوضاع راضی‌اند؛ میگویند خدا پدرش را بیامرزد، ما را به این وضع خوب آورد. یه وقتی سختی پیدا میشود، همه دچار تردید میشوند، میگویند ایشان ما را آوردند؛ ما که نمیخواستیم به این وضع دچار بشویم! البتّه ایمانهای قوی می‌ایستند؛ اما بالاخره همه‌ی سختیها به دوش پیامبر فشار می‌آورد. در همین اثنا، وقتی که نهایت شدت روحی برای پیامبر بود، جناب ایطالب که پشتیبان پیامبر و امید او بود، و خدیجه کبری (سلام‌الله‌علیها) که او هم بزرگترین کمک روحی برای پیامبر بود، در ظرف یک هفته از دنیا رفتند؛ حادثه‌ی خیلی عجیبی است؛ یعنی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، تنهای تنها شد. من میدانم شما هیچ وقت رئیس یک مجموعه کاری بوده‌اید، تا بتوانید بفهمید معنای مسؤولیت یک مجموعه چیست؟ در چنین شرایطی، انسان واقعاً بیچاره میشود. در این شرایط، نقش فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) را ببینید. آدم تاریخ را که نگاه میکند، اینگونه موارد را در گوشه کنارها هم باید پیدا کند؛ متأسفانه هیچ فصلی برای اینطور چیزها باز نکرده‌اند. فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) مثل یک مادر، مثل یک مشاور، مثل یک پرستار برای پیامبر بوده است. آنجا بوده که فاطمه (سلام‌الله‌علیها) «ام‌ایها» مادر پدرش است. این مربوط به آن وقت است؛ یعنی وقتی که یک دختر شش ساله، هفت ساله اینطوری بوده است البتّه در محیطهای عربی و در محیطهای گرم، دختران زودتر رشد جسمی و روحی میکنند؛ مثلاً به اندازه‌ی رشد یک دختر ده، دوازده ساله‌ی حالای ما. این، احساس مسؤولیت است. آیا این نمیتواند برای یک جوان الگو باشد، که نسبت به مسائل پیرامونی خودش زود احساس مسؤولیت کند، زود احساس نشاط کند؟ آن سرمایه‌ی عظیم نشاطی که در وجود او هست، اینها را خرج کند، برای اینکه غبار کدورت و غم را از چهره‌ی پدری که حالا حدود مثلاً پنجاه سال از سنش میگذشته و تقریباً پیرمردی شده است، پاک کند.^۱

۱. در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان (۷/۲/۷۷)

دختری کوچک؛ تکیه‌گاه پدر در فقدان مادر

این بزرگوار در دوران کودکی، آن وقتی که در شعب ابیطالب همه‌ی راه‌های عافیت بر مسلمانان و وجود مقدس نبی اسلام بسته شده بود؛ نه امکانات زیستی، نه امکانات رفاهی، نه آسودگی خاطر، دائم دغدغه‌ی تهاجم دشمنان، دائم خبرهای بد، صدای گریه‌ی کودکان از گرسنگی بلند، انواع ناراحتیهایی که در آن دره‌ی خشک وجود داشت و این عده خانوادگی مسلمان برای مدت سه سال مجبور به اقامت شده بودند، چه سختیها کشیدند و همه‌ی این سختیها هم از مبدأ یکایک این انسانها از کوچک و بزرگ حرکت میکرد و روی دوش پیامبر اسلام مینشست؛ چون رهبر بود. چون همه به او متکی بودند. همه‌ی دردها را پیش او می‌آوردند، همه‌ی فشارها را او حس میکرد. در یک چنین وضعیّت سرشار از سختی و محنت و فشار و ناراحتی ناشی از دعوت در راه خدا و صبر در راه خدا، اتفاقاً در همین ایام جناب ابیطالب هم از دنیا میرود، جناب خدیجه کبری (سلام الله علیها) هم در مدت کوتاهی به رضوان الهی و لقاءالله میپیوندد و پیامبر تنهای تنهاست. آن وقت این دختر چند ساله حالا بنا به اختلاف روایات، پنج ساله، شش ساله، هفت ساله، ده ساله تنها کسی است که پیامبر با این عظمت به او تکیه میکند. او مثل مادر از پدر بزرگوار خود پذیرایی میکند که این قضیه فاطمه‌ی «امّ ابیها» (سلام الله علیها) مربوط به اینجاست.^۱

احترام فوق العاده‌ی پیامبر(ص) به دختر جوان خود

احترام شگفت‌انگیز پیغمبر(صلی الله علیه وآله) به این بانوی جوان که دختر خود او است، نشاندهنده‌ی عمق عظمت شخصیت این بزرگوار است. در روایات آمده است که پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) در هر سفری که میخواستند بروند، اول از حضرت فاطمه(سلام الله علیها) وداع میکردند و بعد از برگشتن از سفر با اولین کسی که دیدار میکردند با حضرت فاطمه(سلام الله علیها) بود. رسول

۱. در دیدار با فرماندهان و مسؤولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۷۶/۶/۲۶)

خدا (صلی الله علیه و آله) برای دختر خود که بانوی جوانی بود احترام خاصی قائل بود که در نظر بینندگان یک امر فوق العاده‌ای تلقی میشد.^۱

محبوبیت فاطمه‌ی زهرا (س) نزد پیامبر (ص)

محبوبیتش در مقابل پیغمبر، آنقدر محبوب پیش رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) هست که پیغمبر اکرم در هر یک از سفرها هنگامی که میخواست خارج بشود آخرین کسی که با او وداع میکرد، ربوسی میکرد فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) بود؛ از سفر که برمیگشت اولین کسی که با او ربوسی میکرد و دیدار میکرد فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است. یعنی از همه‌ی موجودات عالم فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) را بیشتر دوست میداشت پیغمبر اکرم. وقتی این آیه‌ی شریفه‌ی «یا ایها الذین آمنوا لا تجعلوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضاً» نازل شد، که معنایش این است که ای مسلمانها پیغمبر را که صدا میزنید مثل صدا زدن افراد معمولی صدا نزنید، همدیگر را صدا میزنید مثلاً احمد، تقی، حسن، به پیغمبر اینجوری حرف نزنید، بگویند یا رسول الله؛ عنوان پیغمبر و رسالت الهی را ذکر کنید. که از آنجا مسلمانها موظف شدند گاهی میگفتند یا ابالقاسم، گاهی میگفتند یا محمد، اسمها و کنیه‌های حضرت را می‌آوردند. از آن به بعد موظف شدند که بگویند یا رسول الله. پیغمبر وقتی که این آیه نازل شد و خواندند و مسلمانها توی مسجد شنیدند، بعد آمدند مثلاً منزل، حضرت زهرا آمدند گفتند که یا رسول الله سلام علیکم، پیغمبر اکرم [ایشان را] در آغوش گرفتند گفتند این مال تو نیست، تو به من بگو ای پدر، این دل من را آرام میکند، این به من لذت میدهد؛ این محبوبیت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است پیش پیغمبر.^۲

۱. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۴/۱۱/۶۴)

۲. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۶۳

۳. در دیدار با گروهی از بانوان کشور (۲۱/۱۲/۶۳)

۲-۳- ازدواج فاطمی

ازدواج دختر شخص اول دنیای اسلام

در دوران بعد از هجرت و در آغاز سنین تکلیف، فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) با علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) ازدواج میکند. آن مهریه‌ی فاطمه (سلام‌الله‌علیها) است. آن جهیزیّه‌ی فاطمه (سلام‌الله‌علیها) است. شاید همه‌ی شما بدانید که فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) که دختر شخص اول دنیای اسلام بود و پدرش بر آن مردم حاکم بود با چه سادگی و وضع فقیرانه‌ای ازدواج خود را میگذراند.^۱

جهیزیّه‌ی افتخارآمیز

جهیزیّه‌ی فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها)، بقدری بود که شاید دو نفر آدم با دست میتوانستند از این خانه بردارند ببرند آن خانه. ببینید افتخار اینهاست. ارزش اینهاست. آیا پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نمیتوانستند یک جهیزیّه‌ی مفصل تشکیل دهند؟ اگر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اشاره‌ای می‌کردند، این مسلمانانی که در اطراف ایشان بودند، بعضیهایشان هم آدمهای متمکنی بودند، پول هم داشتند، از خدا میخواستند که بیایند یک هدیه‌ای بدهند، کمکی بکنند. نکردند. چرا نکردند؟ این برای این است که من و شما یاد بگیریم. و الا بنشینیم و تعریف کنیم و خوشمان بیاید و بعد هم یاد نگیریم، چه فایده‌ای دارد؟ استفاده‌اش را نمیبیریم. نسخه‌ی طیب را که انسان نباید بگذارد روی تاقچه تماشا کند. باید عمل کنیم تا بهره‌اش را ببریم. رژیم غذایی صحت جامعه است. صحت خانواده است. باید عمل شود. ساده برگزار کنید.^۲

۱. در دیدار جمعی از زنان (۷۱/۹/۲۵)

۲. در مراسم خطبه‌ی عقد (۷۵/۸/۵)

جهیزیّه‌ی بهترین عروس عالم

شما نگاه کنید به دختر پیغمبر اکرم، بهترین دخترهای عالم، فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) بود. بهترین زنهای اولین و آخرین، فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) بود. هرگز دختری و زنی به آن خوبی، به آن شرافت و به آن عظمت نیامده است. همه‌ی زنهای عالم از اوّل تا آخر در مقابل او مثل خدمتکارهایی هستند. مثل ذراتی هستند در مقابل خورشید جهان افروز. شوهرش هم امیرالمؤمنین (علیه السلام)، بهترین مردان عالم. اگر چنانچه همه فضایل و مکارمشان را جمع کنیم. همه‌ی مردان عالم به یک ناخن او هم نمیرسند؛ دو مظهر عظمت، مظهر زیبایی و فضیلت، با همدیگر ازدواج کردند. جهیزیّه‌شان همان چند قلم ارزان قیمتی بود که در کتابها نوشته‌اند و ضبط کرده‌اند: یک تکه حصیر، یک تکه لیف خرما، یک دست رختخواب و یک دستاس، یک کوزه، یک کاسه. همه‌اش را اگر چنانچه به پول امروز روی همدیگر بگذارند، معلوم نیست که چند هزار تومان مختصری بیشتر بشود. همان مهریه را از امیرالمؤمنین گرفتند و پولش را دادند جهیزیّه‌ی مختصری را فراهم کردند و بردند خانه‌ی شوهر. حالا ما نمیگوییم دخترهای ما مثل فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) جهیزیّه بگیرند. نه دخترهای ما مثل فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) هستند و نه خود ماها مثل پدر ایشان هستیم و نه پسرهای ما مثل امیرمؤمنان، شوهر فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) یند. ما کجا و آنها کجا؟! زمین تا آسمان با هم فرق داریم. اما معلوم میشود راه، آن راه است. جهت، آن جهت است. جهیزیّه را مختصر بگیرید. به این و آن نگاه نکنید، خرج زیادی نکنید. کار را برای کسانی که ندارند مشکل نکنید.^۱

الگوی ازدواج در خاندان پیامبر (ص)

بهترین دخترهای عالم، حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) بود. بهترین پسرهای عالم و بهترین دامادها هم، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود. ببینید اینها

۱. در مراسم خطبه‌ی عقد (۷۸/۹/۲)

چگونه ازدواج کردند؟ هزاران جوان زیبا و با اصل و نسب و قدرتمند و محبوب به یک تار موی علی بن ابیطالب (علیه السلام) نمی‌ارزند. هزاران دختر زیبا و با اصل و نسب هم به یک تار موی حضرت زهرا نمی‌ارزند. آنهایی که هم از لحاظ معنوی و الهی آن مقامات را داشتند، هم بزرگان زمان خودشان بودند. ایشان دختر پیامبر (صلی الله علیه وآله) بود؛ رئیس جامعه‌ی اسلامی؛ حاکم مطلق. او هم که سردار درجه‌ی یک اسلام بود. ببینید چطوری ازدواج کردند؟ چه جور مهریه‌ی کم، چه جور جهیزی‌ی کم. همه چیز با نام خدا و با یاد او. اینها برای ما الگو هستند. همان زمان هم جاهلانی بودند که مهریه‌ی دخترانشان بسیار زیاد بود، مثلاً هزار شتر. آیا اینها از دختر پیامبر (صلی الله علیه وآله) بالاتر بودند؟ از آنها تقلید نکنید. از دختر پیامبر (صلی الله علیه وآله) تقلید کنید، از امیرالمؤمنین (علیه السلام) تقلید کنید.^۱

۳-۳- آئین همسررداری فاطمی

زندگی زاهدانه و شوهررداری جهادگونه

این وضع زندگی حضرت زهرا است از لحاظ سادگی مراسم ازدواج و بعد هم زندگی آن بزرگوار، آن زندگی فقیرانه و زاهدانه، آن اتاق آنچنانی، آن فرشی که لابد همه شما شنیده‌اید. کار توی خانه، در مقابل تلاشهای فراوان و صبر بر شوهری مثل حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) که در تمام مدت زندگیشان، حضرت مشغول کار و فعالیت بودند. یعنی هر چه جنگ بود، علی بن ابیطالب (علیه السلام) جلوتر از همه بود. هر چه کار مهم بود اول از همه علی بن ابیطالب (علیه السلام) جلو دار بود. حدود ۱۰ سال هم با یکدیگر زندگی کردند. توجه میکنید؟ در ظرف این ۱۰ سال شما ببینید که این شوهر جوان چقدر توانسته به زن و بچه‌اش، به معنای بشری و معمولی برسد؟ بر یک چنین زندگی، صبر کردن، بر آن فقر و سختی صبر کردن، آن جهاد بزرگ را انجام دادن و آنچنان فرزندان تربیت کردن و آن فداکاریهای

۱. در مراسم خطبه‌ی عقد (۷۶/۸/۲۲)

عظیمی که حضرت زهرا انجام دادند و شما هم مقداری از آنها را شنیده‌اید، همگی الگوست. حالا، دختران ما باید فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) را الگو قرار دهند، پسرهای ما هم باید حضرت زهرا و امیرالمؤمنین را الگو قرار دهند.^۱

همسری سرباز اسلام

اخلاق فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) با زنان دیگر، اخلاق فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) با زیردستان خودش و حتی با خادمه‌ی خودش، در عالم زن خانه بودن و همسر بودن بعنوان یک زن جوانی که ازدواج کرده و خانواده دارد، شوهر او یکی از سربازهای همیشه مسلح همیشه پا در رکاب است.

در حدود ۳۰ معرکه‌ی جنگ را امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در آنها حاضر بوده تقسیم کنید به ۱۰ سال هر سالی سه بار، سربازی که هر سالی اقلاً سه مرتبه در عملیات شرکت میکند و مجروح میشود و تا دم مرگ میرود، این خانم همسر یک چنین سربازی است. یک بار ما در تاریخ سراغ نداریم و در حالات فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) نخواندیم و نشنیدیم که او از این حالت مشمئز باشد بلکه به هیچ وجه در زندگی او اصلاً محسوس نیست که شوهرش پهلویش نیست، شوهرش در سفر است، شوهرش در سفر خطیر جنگ است که ممکن است هر آن جنازه‌ی او را بیاورند، خبر کشته شدنش را بیاورند.^۲

مداومت در یاری همسر

این بانوی بزرگوار در دوران تقریباً ۹ سال زندگی زناشویی خود شاید یک روز با آسایش خیال معمولی زنانه نگذراند. در طول این مدت شوهر محبوب جوان او یعنی علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) دائماً در صحنه‌های خطر، در میدانهای جنگ، در صفوف مقدّم و مواجه با خطرات بزرگ بود. یک بار

۱. در مراسم خطبه‌ی عقد (۷۶/۹/۲۴)

۲. در سمینار نقش زن در جامعه در دانشگاه تربیت معلّم (۶۴/۱۲/۱۰)

فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) به شوهر محبوب و عزیز خود نگفت که به خانه و زندگی چرا نمیرسی. همیشه او را کمک کرد، همیشه به او روحیه داد، همیشه در کنار او قرار گرفت.^۱

همراهی با همسر در راه هدف

ارزش فداکاری و ایثارگری در راه خدا، جهادگری، شوهر جوان او - که بسیار هم برایش محبوب بود - در طول این ده سالی تقریباً که با هم - ۹ سال، ۱۰ سال - زن و شوهر بودند تا آخر عمر حضرت زهرا، در طول این ۱۰ سال بارها به جنگ رفت، شاید بشود گفت در صدی نود جنگهای پیغمبر - که شصت، هفتاد تا پیغمبر جنگ کرده در این چند ساله - این مرد جوان شمشیرش به دست، پیشاپیش همه در همه‌ی این جنگها تقریباً - مگر چندتایش - شرکت داشت. یعنی دائماً در جبهه بود دیگر به قول امروزیها این شوهر جوان همیشه غالباً در جبهه بود. برمی‌گشت یک جنگ دیگر شروع میشد باز اول کسی که میرفت او بود، اول داوطلب او بود. یکبار نشد که این خانم به شوهرش بگوید آخر حالا ایندفعه را شما خوب است نروید یا یک چهره‌ای در هم بکشید، اظهار انزجاری بکند، اتفاق نیفتاد. یعنی این شوهر، شوهر اوست اما شوهر او و بچه‌ها و پدر و همه‌ی دنیا برای این هدفند. چون شوهر او هست که نایستی از هدفش باز بماند، او هم باید دنبال این هدف حرکت کند؛ این ایثارگری‌اش است.^۲

وفاداری و همدلی با همسر

حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) یکی از دختران مبارز مکه بود و بعد بعنوان دختر پیامبر، رفتار ایشان با زنان دیگر، با زیردستان و حتی با خادم خود درس‌آموز است. از بُعد یک زن خانه‌دار و بعنوان زن جوانی که ازدواج

۱. در خطبه‌های نماز جمعه (۶۴/۱۱/۴)

۲. در دیدار با گروهی از بانوان کشور (۶۳/۱۲/۲۱)

کرده و شوهر او یکی از سربازان همیشه مسلح است که در حدود ۳۰ غزوه شرکت داشته و در این راه مجروح شده و تا نزدیکی مرگ هم پیش رفته است، میبینیم حتی برای یک بار ایشان از این حالت نگران یا ناراحت نشده‌اند.^۱

کارهای سخت خانه در کنار عبادت‌های طاقت فرسا

این دختر جوان، این بانویی که به هنگام شهادت هجده سال داشت، آنقدر عبادت میکرد و به نماز می‌ایستاد که ساقهای پاهای مبارکش ورم میکرد! این خانم، با این منزلت، با این مقام، کار منزل را هم خودش میکرد. پذیرایی از شوهر و فرزندان هم برعهده‌ی خود او بود. روایاتی که درباره‌ی «دستاس» فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) است، فراوان و متعدد است.^۲

تبعیت از شوهر

امیرالمؤمنین یک وقتی درباره‌ی فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) فرمود: «ما اغْضَبْتَنِي وَلَا خَرَجْتَ مِنْ أَمْرِي»^۳. یک‌بار این زن در طول دوران زناشویی مرا به خشم نیاورد، یک‌بار از دستور من سرپیچی نکرد. فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) با آن عظمت و جلالت، در محیط خانه یک همسر است.^۴

شیرینترین محیط خانوادگی

همسری است که هیچ وقت مایه‌ی پریشانی و ناراحتی خاطر شوهرش را فراهم نکرد. محیط خانوادگی‌شان از شیرینترین محیط‌های خانوادگی است. محبتشان این زن و شوهر در حدّ اعلاست.^۵

۱. در دیدار جمعی از زنان (۷۱/۹/۲۵)

۲. همان

۳. بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۱۳۴

۴. در دیدار جمعی از زنان (۷۱/۹/۲۵)

۵. در دیدار با گروهی از بانوان کشور (۶۳/۱۲/۲۱)

۴-۳- شأن مادری فاطمه‌ی زهرا(س)

نقش تربیتی حضرت زهرا(س) در خانواده

یک وقت انسان فکر میکند که شوهرداری، یعنی انسان در خانه و در آشپزخانه غذا را آماده کند و اتاق را تر و تمیز کند و پتو را پهن کند و مثل قدیمیها تشکچه را بگذارد که آقا از اداره یا از دکان بیاید. شوهرداری که فقط این نیست. شما ببینید شوهرداری فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) چگونه بود. در طول ۱۰ سالی که پیامبر در مدینه بودند، حدود ۹ سالش حضرت زهرا و حضرت امیرالمؤمنین(علیهما‌السلام) با همدیگر زن و شوهر بودند. در این ۹ سال، جنگهای کوچک و بزرگی ذکر کرده‌اند حدود شصت جنگ اتفاق افتاده در اغلب آنها هم امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) بوده است. حالا شما ببینید، او خانمی است که در خانه نشسته و شوهرش مرتب در جبهه است و اگر در جبهه نباشد، جبهه لنگ میماند اینقدر جبهه وابسته به اوست از لحاظ زندگی هم وضع روبه‌راهی ندارند؛ همان چیزهایی که شنیده‌ایم: «وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ»؛ یعنی حقیقتاً زندگی فقیرانه محض داشتند؛ در حالی که دختر رهبری هم هست، دختر پیامبر هم هست، یک نوع احساس مسؤولیت هم میکند. ببینید انسان چقدر روحیه‌ی قوی میخواهد داشته باشد، تا بتواند این شوهر را تجهیز کند؛ دل او را از وسوسه‌ی اهل و عیال و گرفتاریهای زندگی خالی کند؛ به او دلگرمی بدهد؛ بچه‌ها را به آن خوبی که او تربیت کرده، تربیت کند. حالا شما بگویید امام حسن و امام حسین(علیهما‌السلام) امام بودند و طینت امامت داشتند؛ زینب(سلام‌الله‌علیها) که امام نبود. فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) او را در همین مدت ۹ سال تربیت کرده بود. بعد از پیامبر هم که ایشان مدت زیادی زنده نماندند. اینطور خانه‌داری، اینطور شوهرداری و اینطور کدبانویی کردند و اینطور محور زندگی فامیل ماندگار در تاریخ قرار گرفتند. آیا اینها نمیتواند

برای یک دختر جوان، یک خانم خانه‌دار یا مشرف به خانه‌داری الگو باشد؟ اینها خیلی مهم است.^۱

رسیدگی به خانواده و کانونی برای مراجعات مردم

زندگی فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) در همه‌ی ابعاد پر از کار و تلاش و تکامل و تعالی روحی یک انسان است. شوهر جوان او دائماً در جبهه و میدانهای جنگ است. مشکلات محیط و زندگی، فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) را کانونی برای مراجعات مردم و مسلمانها قرار میدهد. دختر کارگشای پیغمبر در این شرایط، زندگی را با کمال سرافرازی پیش میبرد. فرزندان او مثل حسن، حسین و زینب (علیهم‌السلام) تربیت یکند و شوهری مثل علی را نگهداری میکند. رضایت پدری مثل پیغمبر را جلب میکند. در دورانی هم که راه فتوحات و غنائم باز شده است، دختر پیغمبر ذره‌ای از لذتهای دنیا و تشریفات و تجملات و چیزهایی که دل دخترهای جوان و زنها متوجه آنهاست را به خود راه نمیدهد.^۲

زنی بی‌نظیر در مقام همسر و مادر

از لحاظ وظایف زنانگی، وظیفه‌ی همسری، وظیفه‌ی مادری، تربیت فرزند، پذیرایی و مهربانی با شوهر، یک زن نمونه است. آنچه که در خطاب به امیرالمؤمنین از این بزرگوار نقل میشود، تعبیری که میکند، خشوع و خضوعی که نشان میدهد، اطاعت و تسلیمی که در مقابل امیرالمؤمنین دارد، بعد تربیت این فرزندان، فرزندانی مثل امام حسن، فرزندانی مثل امام حسین، فرزندانی مثل زینب، آیت عظمی و اعلای یک زن نمونه است در وظایف زنانه، تربیت زنانه، محبت زنانه؛ و همه‌ی این مجموعه‌ی ذقیمت و بی‌نظیر، در یک عمر هجده ساله. یک دختر جوان هجده نوزده ساله، با این همه مقامات معنوی و اخلاقی و سجایای رفتاری، وجود یک چنین عنصری،

۱. در دیدار با جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان (۷۷/۲/۷)

۲. در دیدار جمعی از زنان (۷۱/۹/۲۵)

یک چنین موجودی در هر جامعه‌ای، در هر تاریخی، در هر ملتی که باشد، مایه‌ی افتخار است؛ و دیگر نداریم نظیر این بزرگوار را^۱.

مادر بی نظیر و نمونه

جنبه‌ی مادری این خانم، بی نظیر و نمونه است. تربیت دو پسر ایشان که دو معصوم و دو بزرگوار هستند یعنی امام حسن و امام حسین (علیهما السلام)، جدا از شخصیت مادر نمیتواند باشد و در مورد دخترشان مثلاً عظمت شخصیت حضرت زینب (سلام الله علیها) را میتوانیم از مادرشان بگیریم و شخصیت زن ایرانی باید اینچنین باشد و همه‌ی مسلمانان دنیا باید به سوی چنین ارزشهایی حرکت کنند.^۲

تربیت بهترین فرزندان عالم

چند تا فرزند تربیت کردند، دو پسرشان - که امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) اند - که سید الشباب اهل الجنة، سرور جوانان بهشت، دو امام بزرگوار، دو معصوم تربیت شده‌ی دامان این خانمند. صبر امام حسن (علیه السلام) و حلم و دوراندیشی امام حسن (علیه السلام) و ایثار و فداکاری امام حسین (علیه السلام) منفصل و جدای از روحیات و تربیتها و خصلتهای این مادر نمیتواند باشد؛ اینها از مادر آموختند، از او یاد گرفتند، از او درس گرفتند، آنها هم شاگردان فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) هستند و آن هم دخترانش، حالا یک دختر، دو دختر یا بیشتر آنچه که در تاریخ حالا به اختلاف نظر ذکر شده حدّ اقلش حضرت زینب (سلام الله علیها) است دیگر. حالا بعضی گفتند دو دختر داشتند ایشان زینب (سلام الله علیها) و امّ کلثوم (سلام الله علیها)، بعضیها گفتند امّ کلثوم (سلام الله علیها) همان زینب (سلام الله علیها) است، بعضی جور دیگر گفتند، به هر حال حالا آن زینبی که شما میشناسید آن چهره، آن تیپ، آن شخصیتی که شما از زینب (سلام الله علیها) سراغ دارید شما ببینید این شخصیت چقدر با عظمت است،

۱. در دیدار با مدّاحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) (۱۳/۳/۸۹)

۲. در دیدار با گروهی از بانوان (۲۱/۱۲/۶۳)

از همه‌ی جهات، این شخصیت پروریده‌ی این مادر است. یعنی خانمی با آن همه امتیازات درعین حال یک همسر خوب و یک مادر خوب، این زن مسلمان است، یعنی شما زنها و همه‌ی زنهای مسلمان دنیا باید به سمت یک چنین شخصیتی و یک چنین ارزشهایی حرکت کنید.^۱

نقش مؤثرتر در تربیت فرزند

در همین خانواده‌ی پرخطر پرزحمت، فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) فرزنددار میشود و این فرزندان را به بهترین وجهی تربیت میکند و میشود فهمید که تأثیر تربیت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) تا زنده بوده، روی این دو پسر و یک یا دو دختر که اختلاف روایات هست، بیشتر بوده از تأثیر تربیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) چون دائماً با این بچه‌ها بوده و امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سفر بود، بیرون بود، مشغول کار بود، فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) روی این بچه‌ها اثر گذاشته و حسین (علیه السلام) کربلا را و زینب (سلام الله علیها) کربلا را فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) پروریده و آفریده، آن قهرمانها و آن شخصیتها را آغوش فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) به وجود آورده و درست کرده این نشان میدهد خصلتها و خلقیات او را.^۲

۴- حضرت فاطمه‌ی زهرا (س)

و عرصه‌ی مجاهده‌ی سیاسی و اجتماعی

فاطمه (س) سنگ الماسی برای گرد دشوارترین چرخهای تاریخ

در بین همه‌ی انسانهای طول تاریخ، خدای متعال انتخاب میکند: «امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً»^۳. میدان، میدان امتحان است. میدان کار تصادفی نیست. میدان امتیاز دادن بیخودی نیست.

۱. در دیدار با گروهی از بانوان کشور (۶۳/۱۲/۲۱)

۲. در سمینار نقش زن در جامعه در دانشگاه تربیت معلّم (۶۴/۱۲/۱۰)

۳. التّهذیب، ج ۶، ص ۱۰

خدای متعال بیخودی به کسی امتیاز نمیدهد. این جوهر، این اراده قوی، این عزم راسخ، این گذشت و فداکاری در فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) کار را به آنجا میرساند که او سنگ الماسی میشود که همه‌ی این چرخها بر روی آن میچرخد. دشوارترین چرخها را باید بر روی سختترین پایه‌ها و قاعده‌ها بچرخانند. این چرخ عظیم تاریخ اسلام و امتحانهای دشوار، در همان دوران کوتاه، بر روی دوش فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) بود. خدا او را انتخاب کرد و او توانست بشریت را نجات دهد. فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) فرشته‌ی نجات انسانها در طول تاریخ است. برای همین هم هست که ائمه (علیه‌السلام) اینقدر برای آن بزرگوار تکریم و حرمت قائلند و نسبت به او اظهار خشوع میکنند. هیچ مقامی از این بالاتر وجود دارد؟^۱

فریادرس پیامبر و خورشید درخشان اطهر

این عظمت را ببینید یک دختر بچه کم‌سال در دوران سختترین محنتها به فریاد بزرگترین انسانها میشتابد؛ شوخی نیست. همان عنصر است که در طول زمان، در دوران جوانی تا پانزده سالگی و شانزده سالگی و هجده سالگی، بالاخره تا آخر عمر کوتاه، این همه مقامات معنوی را تجربه میکند و این همه کار بزرگ انجام میدهد و این همه در تاریخ تشیع و اسلام اثر میگذارد و خورشید درخشانی میشود که تا دنیا دنیاست، خورشید درخشان اطهر زهرای اطهر خواهد درخشید. همه‌ی این آثار، از حیات و زندگی و خصوصیات یک جوان نشأت گرفته است.^۲

جلوه‌ی والای مکارم اخلاق

تجلیل از مقام فاطمه (سلام‌الله‌علیها) تکریم ایمان، تقوا، علم، ادب، شجاعت، ایثار، جهاد، شهادت و در یک کلمه مکارم اخلاق است که پدر بزرگوارش

۱. در دیدار مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) (۷۷/۷/۱۹)

۲. در دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۷۶/۶/۲۶)

برای اتمام آن مبعوث شد. آنگاه که رسول اکرم، فاطمه (سلام الله علیها) را پاره‌ی تن خویش معرفی میکنند، به جهانیان می‌آموزد که جلوه‌ی والای کرامت انسانی و اخلاق اسلام را در این چهره‌ی مقدّس جستجو کنند و مادران جهان شعاعی از این خورشید درخشان بگیرند و کانون حیات انسانها را گرم و روشن سازند.^۱

حضور فاطمه‌ی زهرا(س) در حوادث سیاسی اجتماعی

خود الگوی فاطمه‌ی زهرا(سلام الله علیها) چه در دوران کودکی، چه بعد از هجرت پیغمبر به مدینه در داخل مدینه، در همه‌ی قضایای عمومی آن روز پدرش که مرکز همه‌ی حوادث سیاسی اجتماعی بود حضور داشت، نشاندهنده‌ی نقش زن در نظام اسلامی است، البتّه فاطمه‌ی زهرا(سلام الله علیها) قلّه‌ی این مسائل است، زنان برجسته‌ی دیگری هم در صدر اسلام بودند، با معرفت، با خرد، با علم، حاضر در میدانها، حتّی حاضر در میدانهای جنگ، حتّی تعدادی که نیروی بدنی داشتند، حاضر در میدان دلاوری در جنگ، شمشیرزنی و سربازی؛ البتّه این را اسلام برای بانوان واجب نکرده و از دوش آنها برداشته است؛ چون با طبیعت جسمی و نیز با عواطف آنها سازگار نیست.^۲

قدرت سیاسی-اجتماعی و آینده‌نگری زن جوان

وجود حضرت زهرا با آن حکمت، گویندگی، قدرت سیاسی و اجتماعی و آینده‌نگری و نیز قدرت برخورد با عظیمترین مسائل زمان خود، نشاندهنده‌ی این واقعیت است که یک زن مسلمان میتواند در سنین جوانی هم به مقامات عالی و معنوی و عرفانی دست یابد.^۳

۱. در پیام به سمینار کوثر در شیراز (۶۶/۱۱/۲۰)

۲. در دیدار با گروه کثیری از بانوان (۷۹/۶/۳۰)

۳. در دیدار با جمعی از خواهران متخصص رشته‌ی پزشکی و مامایی (۷۲/۹/۸)

افتخار آفرینی در سه عرصه‌ی حضور زن

در سه صحنه فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) را ما بایستی ببینیم و نقش این بانوی بزرگ و استثنائی خلقت را در این سه صحنه درست بسنجیم، اینها را درست تشریح کنیم برای دیگران. یکی در صحنه‌ی زندگی بعنوان یک مسلمان، مثل بقیّه‌ی مسلمانها، فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) بعنوان یک مسلمان چه میکرده؟ عبادت فاطمه (سلام الله علیها)، اخلاق فاطمه (سلام الله علیها) معاشرت فاطمه (سلام الله علیها)، که شما ببینید در روایات ما چقدر هم به این خصوصیات، علم این مخدّره (سلام الله علیها) و عبادتش و معرفتش تعرّض شده و درباره‌اش بحث شده است.

دوم: بعنوان یک زن در صحنه‌ی جامعه، آیا در محیط اجتماع و در صحنه‌ی مبارزات اجتماعی و حرکت اجتماعی و تضامن اجتماعی فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) نقشی داشته یا نه؟ آنوقت اینجاست که میرسیم به جهاد فاطمه (سلام الله علیها)، به مبارزات فاطمه (سلام الله علیها)، به تبلیغ فاطمه (سلام الله علیها)، به آن خطبه‌ی شگفت‌آور فاطمه (سلام الله علیها)، به استقبالش از خطرات و از مسائلی که در یک جامعه‌ی انقلابی وجود دارد. یک زن در جامعه چه میکند؟ خیلیها خیال میکنند که زن از نظر اسلام در صحنه‌ی جامعه کاری ندارد در حالیکه ما نگاه میکنیم میبینیم نخیر فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) در متن جامعه، آن هم در خطرناکترین بخشهای جامعه حضور دارد. آنوقتی که صحبت از خلافت است، مبارزات سیاسی در اسلام مطرح میشود. آن قهرمانی که وسط می‌ایستد و سلمان و ابوذر و مقداد و عمّار و حذیفه و حتی خود علی بن ابیطالب دور او جمع میشوند، او فاطمه‌ی زهراست. علم مبارزه اوست. فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) بعد از رحلت پیغمبر برای خلافت علی بن ابیطالب به یک مبارزه‌ی مستمر، شبانه‌روزی، خستگی‌ناپذیر دست زده، این را که کسی نمیتواند منکر بشود که، کی کرد این مبارزه را؟ خود فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) و او محور مبارزه بود. ببینید در صحنه‌ی مبارزات اجتماعی، زن یک چنین حضور فعالی میتواند داشته باشد و باید داشته باشد. این الگوست برای ما، نمیشود بگوییم که او فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) بود،



به زنهای ما چه؟ نه چون فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) بود، زنهای ما بایستی از آن‌الگو پیروی کنند و اتباع کنند. اگر دختر پیغمبر نبود، اگر معصوم نبود، اگر مورد عشق و محبت رسول خدا نبود، اگر کارش و عملش بوسیله‌ی معصوم تقریر نشده بود که خود او هم معصوم است، که ما نمیگفتیم باید پیروی کنند.

صحنه‌ی سوّم بعنوان یک زن در زندگی خصوصی، در زندگی خانوادگی یعنی بعنوان یک مادر، بعنوان یک همسر، بعنوان یک زن صبور بر مشکلات، بعنوان زنی که شوهرش در طول این ۸، ۹ سال همسریشان بیش از سی بار به جنگ رفته، در عملیات شرکت کرده و این بانوی مخدّره اینها را تحمل کرده. شما ببینید این ابعاد را اگر ما بنخواهیم امروز بشکافیم، این فقط مسأله‌ی سازندگی زن ایرانی نیست، این یک پیام عظیم به دنیاست.

خوشبختانه ما در زمینه‌های فرهنگی عجیب غنا و خودکفایی دادیم. این دیگر مسائل صنعتی و فنی نیست که ما دستمان به طرف دیگران دراز باشد، خودمان داریم آن‌الگوها را و ما باید صادر کنیم برای دنیا.^۱

فاطمه‌ی زهرا(س) حکیمی عارف و مجاهد در عرصه‌ی اجتماع

زندگی آن بزرگوار مشحون است به مجاهدت؛ مثل یک سرباز فداکار در عرصه‌های مختلف، این بزرگوار حضور فعّال و مؤثر دارد. از دوران کودکی در مکه، در شعب ابیطالب، در کمک‌رسانی و روحیه‌دهی به پدر بزرگوارش، تا همراهی با امیرالمؤمنین در مراحل دشوار زندگی در مدینه، در آن جنگها، در آن غربتها، در میان آن تهدیدها، در آن سختی زندگی مادّی و فشارهای گوناگون، و همچنین در دوران محنت آن بزرگوار - یعنی بعد از رحلت پیغمبر - چه در مسجد مدینه، چه در بستر بیماری، در همه‌ی این

۱. در دیدار با جامعه‌ی مدّاحان (۱۰/۱۲/۶۴)

مراحل، این بزرگوار مشغول فعالیت است، مشغول تلاش است؛ یک حکیم مجاهد، یک عارف مجاهد.^۱

ابعاد سیاسی، اجتماعی و جهادی زندگی فاطمه‌ی زهرا(س)

شخصیت زهراى اطهر در ابعاد سیاسى و اجتماعى و جهادى، شخصیت ممتاز و برجسته‌ای است؛ بطوری که همه‌ی زنان مبارز و انقلابی برجسته و سیاسى عالم میتوانند از زندگی کوتاه و پرمغز او درس بگیرند. زنی که در بیت انقلاب متولد شد و تمام دوران کودکی را در آغوش پدری گذراند که در حال یک مبارزه‌ی عظیم جهانی فراموش‌نشده بود. آن خانمی که در دوران کودکی سختیهای مبارزه‌ی دوران مکه را چشید، به شعب ایطالب برده شد، گرسنگی و سختی و رعب و انواع و اقسام شدت‌های دوران مبارزه‌ی مکه را لمس نمود و بعد هم که به مدینه هجرت کرد، همسر مردی شد که تمام زندگی‌اش جهاد فی سبیل الله بود و در تمام قریب به یازده سال زندگی مشترک فاطمه‌ی زهرا(سلام الله علیها) و امیرالمؤمنین هیچ سالی بلکه هیچ نیمسالی نگذشت که این شوهر کمر به جهاد فی سبیل الله بسته و به میدان جنگ نرفته باشد و این زن بزرگ و فداکار، همسری شایسته‌ی یک مرد مجاهد و یک سرباز و سردار دائمی میدان جنگ را نکرده باشد. پس، زندگی فاطمه‌ی زهرا(سلام الله علیها) اگرچه کوتاه بود و حدود بیست سال بیشتر طول نکشید، اما این زندگی، از جهت جهاد و مبارزه و تلاش و کار انقلابی و صبر انقلابی و درس و فراگیری و آموزش به این و آن و سخنرانی و دفاع از نبوت و امامت و نظام اسلامی، دریای پهناوری از تلاش و مبارزه و کار است و در نهایت هم شهادت است. این زندگی جهادی فاطمه‌ی زهرا(سلام الله علیها) است که بسیار عظیم و فوق‌العاده و حقیقتاً بی‌نظیر است و یقیناً در ذهن بشر، چه امروز و چه در آینده، یک نقطه‌ی درخشان و استثنایی است.^۲

۱. در دیدار با مدآحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه(س) (۱۳۸۹/۳/۱۳)

۲. در دیدار با جمع کثیری از زنان کشور (۶۸/۱۰/۲۶)

دختر مبارز در مکه و مدینه

در دوران اختناق، آن وقتی که هنوز حکومتی وجود ندارد فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) یکی از زنان مبارز، از دختران مبارز در مکه است. در سن فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) در هنگام هجرت اختلاف است، بعضی ۹ ساله دانستند که حدّ اقلش این است، ۸ ساله مثلاً ۹ ساله، بعضی بیشتر از این دانستند آن حضرت را ۱۴، ۱۵ ساله میدانند در هنگام هجرت پیغمبر از مکه به مدینه. در مکه این نقش را، بعد در مدینه بعنوان دختر رهبر مسلمین و والی مسلمانها و کسی که همه‌ی چشمها به اوست، زندگی فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها)، یک زندگی فوق‌العاده جالب و درس‌آموزی است. قناعت فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها)، چون قناعت در این رابطه معنا پیدا میکند و ارزش پیدا میکند.^۱

مجاهدت و تلاش در راه خدا

عمر کوتاه و پربرکت خود را به مجاهدت و تلاش در راه خدا گذرانند و در سنین جوانی برترین زنان سراسر تاریخ بشر شد و این نبود مگر به برکت همان مجاهدت و تلاش و کارکردن برای خدا و گذشتن از لذات دنیا و شناخت حق، و با همه‌ی توان به دنبال آن رفت.^۲

چهره‌ی شاخص در تمام صحنه‌های انقلاب اسلامی

فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) هجده سال یا به هر حال کمتر از بیست سال در دنیا زندگی کرده. در طول مدّت کوتاه دوران جوانی این بانوی بزرگوار آنقدر درس و حادثه‌های عبرت‌آموز و الهامبخش وجود دارد که هر کدام آنها محتاج یک شرح جداگانه است. فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) در طول دوران زندگی یکی از چهره‌های برجسته‌ی حاضر در صحنه‌ی انقلاب اسلامی بوده. بعنوان یک بانوی طراز اول اسلام از هیچیک از مسائل مهمّی که در

۱. سمینار نقش زن در جامعه در دانشگاه تربیت معلّم (۶۴/۱۲/۱۰)

۲. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۶۶/۱۰/۱۱)

دوران بعثت و رسالت و سپس هجرت بر مسلمانها میگذشته است فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) فارغ نبوده است، و در همه‌ی آنها نقش داشته.

در آزمایش بسیار دشوار بعد از رحلت پیغمبر هم فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) بعنوان شخصیت درجه‌ی یک در آن حوادث ظهور کرد.^۱

دقت در اوامر الهی

این خانمی که آن همه امتیازات طبیعی دارد، موقعیت دارد، در عمل علم‌آموز است، جهادگر است، ایثارکننده است. انسانی است که به لذتها و شهوتها و خواهشهای دنیایی با چشم تحقیر نگاه میکند، اصلاً تحقیر میکند. خطا و لغزش از او سر نمیزند. از لحاظ رعایت حجابی که برای زن در اسلام مقرر شده آنجور است که وقتی مرد نابینایی وارد میشود در محضر پیغمبر، او خودش را جمع میکند و میپوشاند، به او گفته میشود که اینکه نابیناست میگوید بله لکن من بینا هستم. تا این حد، رعایت عفت و حجاب اسلامی زن، تا این حد مواظب و دقیق و با وسواس.^۲

دفاع از اسلام، امامت و ولایت

جهاد آن بزرگوار در میدانهای مختلف، یک جهاد نمونه است. در دفاع از اسلام، در دفاع از امامت و ولایت، در حمایت از پیغمبر، در نگهداری بزرگترین سردار اسلام یعنی امیرالمؤمنین که شوهر او بود.^۳

فاطمه‌ی زهرا (س) تسلی بخش پیامبر (ص)؛ مدافع حق ولایت

حدیث از طرق شیعه است که پیغمبر به فاطمه (سلام‌الله‌علیها) فرمود: «یا

۱. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۶۴/۱۱/۴)

۲. در دیدار با گروهی از بانوان کشور (۶۳/۱۲/۲۱)

۳. در دیدار جمعی از زنان (۷۱/۹/۲۵)

فاطمه انی لم اغنی عنك من الله شیئا؛ یعنی ای عزیز من! ای فاطمه‌ی من! نمیتوانم پیش خدا تو را از چیزی بی‌نیاز کنم. یعنی خودت باید به فکر خودت باشی، و او از دوران کودکی تا پایان عمر کوتاهش به فکر خود بود. شما ببینید آن حضرت چگونه زندگی کرده است! تا قبل از ازدواج که دخترکی بود، با آن پدر به این عظمت کاری کرد که کنیه‌اش را ام‌ایها - مادر پدر - گذاشتند. در آن زمان، پیامبر رحمت و نور، پدیدآورنده‌ی دنیای نو و رهبر و فرمانده‌ی عظیم آن انقلاب جهانی - انقلابی که باید تا ابد بماند - در حال برافراشتن پرچم اسلام بود. بیخود که نمیگویند ام‌ایها! نامیدن آن حضرت به این کنیه، به دلیل خدمت و کار و مجاهدت و تلاش اوست. آن حضرت چه در دوران مکه، چه در دوران شعب ابیطالب - با آن همه سختیها که داشت - و چه آن هنگام که مادرش خدیجه از دنیا رفت و پیغمبر را تنها گذاشت، در کنار و غمخوار پدر بود. دل پیغمبر در مدت کوتاهی با دو حادثه‌ی وفات خدیجه و وفات ابیطالب شکست. به فاصله‌ی کمی این دو شخصیت از دست پیغمبر رفتند و پیغمبر احساس تنهایی کرد. فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) در آن روزها قد برافراشت و با دستهای کوچک خود غبار محنت را از چهره‌ی پیغمبر (صلی الله علیه وآله) زدود. ام‌ایها؛ تسلی بخش پیغمبر. این کنیه از آن ایام نشأت گرفت. شما ببینید این دریای شخصیت و مجاهدت چه دریای عظیمی است! بعد رسید به دوران اسلام. بعد رسید به ازدواج با علی بن ابیطالب (علیه السلام)؛ همان علی بن ابیطالب (علیه السلام) که مصداق کامل یک بسیجی فداکار انقلاب است.

امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) هیچ مایه‌ای برای شخص خود نگذاشت. در آن ۱۰ سال - ۱۰ سال حیات پیغمبر - امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) هر کاری که کرد، برای پیشرفت اسلام بود. اینکه میبینید میگفتند فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فرزندان شان گرسنه ماندند، علتش همین است. والا این جوان اگر به فکر کاسبی بود، میتواندست بهتر از هر کاسب، به کسب پردازد. این همان علی است که بعدها در دوران پیری اش چاه میکند؛ چاهی

که مثل گردن شتر، آب از آن بیرون میزد. آن وقت، هنوز دست و رویش را از گرد و غبار کار نشسته، مینشست و وقفنامه‌ی چاه را مینوشت! آن حضرت از این کارها زیاد کرده است. چقدر نخلستانها آباد کرده بود. چرا باید امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام)، در جوانی گرسنه بماند؟ در روایت است که فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) خدمت پیغمبر رفت. آنقدر گرسنگی کشیده بود که پیغمبر زردی گرسنگی را در صورت او مشاهده کرد؛ دل پیغمبر سوخت و برای دخترش دعا فرمود. همه‌ی تلاش امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) در راه خدا و برای پیشرفت اسلام بود. آن حضرت برای خودش کاری نمیکرد. این، همان مصداق کامل بسیجی است. فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) از بین آن همه خواستگار، این جوان پاک‌باخته‌ی همه چیز در راه خدا داده را انتخاب کرد که دائم در میدانهای جنگ بود. شوخی که نیست! دختر رهبر با عظمت اسلام و حاکم مقتدر زمان است؛ این همه خواستگار دارد؛ در بین این خواستگاراها، پولدار هست، شخصیتدار هم هست. اما خدا از بین این همه، علی را برای فاطمه (سلام الله علیها) انتخاب کرده بود و فاطمه (سلام الله علیها) هم به انتخاب الهی راضی و از آن خشنود بود. بعد، چنان با امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) زندگی کرد که آن حضرت با همه‌ی وجود از او راضی بود. کلماتی که این بزرگوار در روزهای آخر عمر خود به امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) فرمود، شاهد و حاکی از این معناست. دیگر نمیخواهم آن کلمات حزن‌آور را در این روز عید بخوانم. صبر کرد؛ آن فرزندان را تربیت نمود؛ به آن دفاع جانانه از حق ولایت پرداخت؛ در راهش آن زجر و شکنجه را متحمل شد و بعد هم با آغوش باز به استقبال آن شهادت بزرگ رفت.^۱

تعامل دو بزرگ خارج از ابعاد انسان

زندگی فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) بخاطر عظمت و شگفتیهای فراوانی که در آن هست، شبیه اسطوره‌های تاریخ است. حقیقتاً چشم ما نمیتواند

۱. در دیدار مداحان به مناسبت ولادت حضرت زهرا (س) (۷۳/۹/۳)

مقامات معنوی آن بزرگوار را ببیند - «تو بزرگی و در آینه کوچک نمایی» - ما نمی‌توانیم آن قامت رسا و آن عظمت را حتی در چشم کوتاه‌بین ذهن خودمان تصویر کنیم؛ لیکن همان چیزی که چشمان سطحی نگر ما می‌بیند، خیلی باعظمت است. یعنی آن زندگی کوتاه چه در دوران کودکی، چه در دوران نوجوانی و چه در دوران تأهل و ازدواج و خانه‌داری اینقدر پُر مغز است! مگر هر کسی میتواند همسر امیرالمؤمنین باشد؟ عظمت علی چگونه است که کوه‌های عظیم را در مقابل خود آب میکند. نفس همسری امیرالمؤمنین، یک نشانه‌ی بزرگ عظمت است؛ لیکن شما ببینید تعامل این زن و شوهر چگونه است و دو بزرگ خارج از ابعاد ذهن انسان، چگونه با هم حرف می‌زنند؛ چگونه زندگی می‌کنند؛ چگونه این زندگی الگو و نمونه‌ی تاریخ را اداره می‌کنند و چگونه هر کدام نقشی به عهده می‌گیرند! اینها تصادفی نیست. نقش آن شوهر در دوران مبارزات و جنگها این است که نفر اول و خط‌شکن درجه یک و گره‌گشای اول و آخر باشد. در دوران بعد از رحلت پیغمبر، این نقش تغییر پیدا میکند. همان شجاعت، همان قدرت و همان عظمت وجود دارد؛ منتها در نقش دیگری ظهور میکند. مگر هرکسی میتواند آن حادثه‌ی عظیم بعد از پیغمبر را تحمّل کند؟ اما علی تحمّل کرد و این همان شجاعت خبیر و همان قدرت احد است که در اینجا طاقت می‌آورد. بعد، دوران خلافت است که هر کلمه کلمه و هر قدم به قدم آن، اثری در تاریخ اسلام و تاریخ بشر گذاشته است. آنگاه نقش همخوان با این شخص، نقش فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) است. اگر آن مظلومیت عظیم و جانسوز در تاریخ خود را نشان نمیداد، حقایق اسلام آنچنان که بعداً آشکار شد، آشکار نمیشد. اینها تصادفی نیست. همه‌ی اینها طراحی شده با تدبیر الهی است؛ منتها کسانی برای این میدانها و این نقشهای دشوار انتخاب میشوند که جوهر آنها، جوهر برگزیده‌ی خداست.^۱

۱. در دیدار مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) (۷۷/۷/۱۹)

در رأس مبارزات بعد از پیامبر(س)

شکی نیست که بعد از رحلت پیامبر یک جمعی که در رأس آنها فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) بوده، تلاش می‌کرده است. در همان روزهای اوّل در ماجرای خانه و آتش گرفتن در خانه، مجروح شده و بعد در عین حال این مبارزه را ادامه داده و به مسجد رفته و سخنرانی کرده و در معرض افکار و انظار مسلمانان آن زمان قرار گرفته. دختر پیغمبر، یک دختر جوان ۱۸ ساله، دختر، توی مسجد در مقابل انبوه مهاجرین و انصار، آن سخنرانی عجیب را که کلمه به کلمه‌اش ضبط شده و موجود است در تاریخ، در اسناد ما ایراد کرده است.^۱

تحمل لطمات و زحمات مبارزه

وقتی نگاه می‌کنید می‌بینید اصلاً در ابعاد زندگی مبارزاتی یک موجود خستگی‌ناپذیر، یک مبارز دائمی با همه‌ی لطمات و زحمات می‌سازد و مبارزه را ادامه می‌دهد. یک چنین موجودی است فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها).^۲

دفاع از حق تا سرحدّ جان

از لحاظ شهادت و شجاعت و قدرت نفس، بعد از رحلت پیغمبر این خانم یک تنه راه افتاد برای اینکه حقی را که معتقد بود متعلق به همسرش هست - یعنی متعلق به جانشین پیغمبر هست، اگر همسرش هم نبود همین فعّالیت را میکرد - این حق را استغاث کند. با انواع و اقسام شیوه‌های مجاهدت این مجاهدت را کرد. حتی با جان خودش هم بازی کرد و جان خودش را مایه گذاشت و بالاخره هم بر سر این کار گذاشت جانش را.^۳

۱. در سمینار بررسی نقش زن در جامعه و دانشگاه تربیت معلّم (۶۴/۱۲/۱۰)

۲. همان

۳. دردیدار با گروهی از بانوان کشور (۶۳/۱۲/۲۱)

شهادت در راه دفاع از حق

به مناسبت ایام رحلت دختر مطهر پیامبر، فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها)، درود و رحمت فراوان این جمع را به تربت پاک این بانوی معصوم مجاهد شهید نثار میکنیم. «امْتَحَنَكَ اللهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً»^۱. مورد آزمون و آزمایش پروردگار عالم قرار گرفت این بنده‌ی شایسته‌ی برگزیده‌ی خدا و در تمام دوران زندگی کوتاه هجده‌ساله‌اش نموداری از یک انسان مؤمن و فداکار را در معرض دید همگان و در معرض قضاوت تاریخ نهاد و در راه دفاع از حقیقت و در راه روشنگری اذهان مردم مسلمان، جان خود را از دست داد. سلام و رحمت خدا بر تربت پاک او باد.^۲

عبور از حصار کتمان و اخفا

شهیدان ما نیز مانند بانوی بزرگوار اسلام در راه حق درخشانی به شهادت رسیدند که برای کتمان و اخفای آن از همه‌ی ابزارها و وسایل زمان استفاده میشد. سنت لایتغیر الهی نگذاشت که زهرای مرضیه در پشت حجاب اوهام پنهان بماند و آن ستاره‌ی درخشان خونین در گذشت زمان، به خورشیدی تابان بدل شد، و امروز نام او و یاد مظلومیت او، از همه‌ی حصارهای کتمان عبور کرده است و به اعماق دلها و جانها رسیده است و این درخشندگی و فزاینده‌ی ادامه خواهد داشت: انا اعطيناك الكوثر.^۳

روح جهاد فی سبیل الله در توسل زیاد فاطمه‌ی زهرا (س)

بحمدالله دلهای جوانان ما با یاد فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) روشن و منور است. من این را احساس میکنم. انسان احساس میکند که در این ده پانزده سال اخیر، جوشش عشق به فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) در دل این امت مؤمن

۱. التذہیب، ج ۶، ص ۱۱۰

۲. در خطبه‌های نماز جمعه (۵۹/۱/۸)

۳. در پیام به مناسبت بزرگداشت روز شهیدان در دهه‌ی فجر انقلاب اسلامی (۷۷/۷/۲)

و انقلابی و مخلص و حزب‌الله، بسیار زیاد شده است. نام آن بزرگوار و توسل به آن، در جبهه‌ها بود، در دوران جنگ بود، در دوران صلح و سازندگی هم هست، در آمادگی در مقابله با دشمنان هم بحمدالله هست. این توسل، توسل خوب و باارزشی است و این روح جهاد فی سبیل‌الله، به هر شکلی که ممکن شود، همانی است که فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) آن را دوست میدارد. این، مژده‌ای به جوانان بسیجی کشور است که هم فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) را دوست میدارند، و هم برطبق خواست و میل او حرکت میکنند و هم راه او را میروند که راه خدا و راه عبودیت است. «وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۲.

۵- حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) و عرصه‌ی معرفتی عرفانی

قله‌ی توصیف ناپذیر معرفت و آگاهی از حقیقت

واقعاً دختر پیامبر، معمای ناگشوده‌ی ذهن بشر و معارف بشری است. همه‌ی انسانها را یک طرف بگذارید، اولیا را هم در طرف دیگر بگذارید. با اینکه تعداد اولیا کم است، اما وزنه‌ی آنها از همه بشریت سنگینتر است. اگر ملاک وزانت و عظمت را معرفت و آگاهی از حقیقت عالم و نزدیکی به خدا یعنی سرچشمه‌ی همه‌ی وجودها بدانیم، یکی از اولیای خدا، از ماسوای همه‌ی اولیا و از همه‌ی وجود منهای اولیا، عظیمتر و وزینتر و باشکوه‌تر است. وقتی به صف اولیا و عبادالله الصالحین نگاه میکنید، قله‌هایی وجود دارد که نسبت آن قله‌ها به بقیه‌ی انسانهای بزرگ عالم معنا، یک نسبت غیرقابل تصور و فوق‌العاده عظیمی است. اختلاف، اختلاف فاحشی است. این قله‌ها، همان کسانی هستند که در تاریخ نبوتها هم هر جا چشم

۱. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۶۱

۲. در دیدار مداحان به مناسبت ولادت حضرت زهرا(س) (۷۳/۹/۳)

بدوزید، از هر طرف آنها را میبینید؛ مثل انبیای اولوالعزم و بزرگانی از این دست و در این حد. اما در مجموعه‌ی این عظمتها و شکوهها و در بین این برجسته‌ترینها که ذکرشان برای ما فقط لقلقه لسان است و امثال من، دل و روح و جانشان، بسیار کوچکتر و خردتر و حقیرتر از آن است که بخواهند این معنویتها را درک کنند و همینطور از دور تصویری در ذهنشان دارند و آن را بر زبان می‌آورند که باز این تصویر هم، از کلمات خودشان است چند نمونه‌ی بسیار نادر وجود دارد که از حدّ توصیف و بیان بالاترند و یکی از اینها، فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) است. فقط با پیامبر و با امیرالمؤمنین (علیهما السلام) میشود او را مقایسه کرد.^۱

قصور زبان، دل و ذهن در تعریف و تجلیل از مقام بلند فاطمه‌ی زهرا(س)

من حقیقتاً، نه بعنوان تعارف، نه بعنوان یک حرفِ هزاران بار تکرار شده، واقعاً قاصرم؛ زبان قاصر است، دل قاصر است، ذهن قاصر است که بخواهد از این مقام بلند تعریف و تجلیل کند؛ این موجود انسانی، این دختر جوان، این همه فضیلت، این همه درخشندگی، این همه کبریا و عظمت؛ که کسی مثل پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) وقتی فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) بر او وارد میشد، «قام الیها»^۲؛ نه فقط بلند میشد، بلکه بلند میشد و به سمت او میرفت. یک وقت یکی وارد اتاق میشد، شما به احترامش بلند میشوید؛ یک وقت کسی وارد اتاق میشد، شما با اشتیاق به طرفش میروید. اینها مگر شوخی است؟ این بحثِ پدر - فرزندی نیست. پیغمبر خدا اینجور از فاطمه‌ی زهرا تجلیل میکند؛ رضای او را رضای خود، رضای خود را رضای خدا؛ سخط او را سخط خود، سخط خود را سخط خدا اعلام میکند؛ اینها مقامات فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) است. آن زندگی با امیرالمؤمنین (علیه السلام)،

۱. در دیدار با مدّاحان به مناسبت میلاد مبارک حضرت فاطمه(س) (۶۹/۱۰/۱۷)

۲. فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۱۲۷

آن تربیت آن فرزندان. خب، مگر میشود درباره‌ی این بزرگوار، امثال ما حرف بزنیم؟^۱

صحیفه‌ی فاطمیّه؛ حاوی تمام دانشهای معنوی

از امیرالمؤمنین نقل شده است که فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) به ایشان میگوید: ملائکه می آیند با من سخن میگویند و مطالبی را به من میگویند. امیرالمؤمنین به ایشان میگویند: «وقتی صدای ملک را شنیدی به من بگو تا من بنویسم آنچه را که تو میشنوی و امیرالمؤمنین نوشت آنچه را که ملائکه به فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) املاء میکردند و این یک کتابی شد که در نزد ائمه (علیه السلام) بوده و هست. نام این کتاب «مُصْحَف فاطمه» یا «صحیفه‌ی فاطمه» است. در روایات متعدّد آمده که ائمه (علیه السلام) برای مسائل گوناگون خود به «مصحف فاطمه» مراجعه میکردند. بعد امام میفرمایند: «انّه و لیس فیها حلالٌ و حرامٌ» در این کتاب احکام نیست، حلال و حرام نیست، «فیها علمٌ ما یكون» اما همه‌ی حوادث جاری بشری در دورانهای آینده در این کتاب هست. این چه دانش والایی است؟ این چه معرفت و حکمت بی نظیری است که خدای متعال به یک زن در سنین جوانی میبخشد؟ این مقام معنوی حضرت زهرا است.^۲

صحیفه‌ی فاطمیّه؛ علم ماکان و مایکون

با کسانی که با او معاشرت دارند مینشیند از اسرار معنوی در صحیفه‌ی فاطمه (سلام الله علیها) چیزها میگوید، مینویسند و یک کتاب سر به مهر درست میکند که در نزد ائمه مثل یک میراث ارزشمندی وجود داشته و آن را دست به دست میگرداندند که میگفتند این میراث فاطمه (سلام الله علیها) است. یکی از مواردی حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، صحیفه‌ی فاطمه است، که در او آنطور

۱. در دیدار با مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) (۲۳/ ۲/ ۹۱)

۲. در دیدار جمعی از زنان (۲۵/ ۹/ ۷۱)

که در بعضی از روایات من دیدم از امام صادق و بعضی دیگر از ائمه (علیهم السلام) هست که علم ماکان و مایکون، تمام دانشهای معنوی مربوط به انسان در این کتاب هست، در آن نوشته‌ی فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) هست. این هم مقام معنویّت و معرفت اوست، دانش اوست یک موجود چندین بعدی و در همه‌ی ابعاد به حدّ کمال^۱.

خطبه‌ای از معلّم بزرگ

فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) اولاً یک زن جوان هست؛ یعنی طبق روایات مشهور در ۱۸ سالگی ایشان از دنیا رفته؛ یعنی این خانمی که آوازه‌ی این همه کمالات او دنیا را پر کرده و همه‌ی زنهای عالم باید از او یاد بگیرند، در آن وقتی که همه‌ی خواهشهای بشری در زن زنده است، یک خانم مسن سرد و گرم چشیده‌ی دنیا را پشت سر گذرانده نیست که به خواهشهای دنیا حالا بی‌رغبت شده باشد، نخیر؛ اول زندگی، اول عمر و در عنفوان جوانی است. آن وقت یک زن بی‌نام و نشان هم نیست، دختر بزرگترین شخصیت زمان خودش و همه‌ی زمانهاست - یعنی رسول خدا - حالا اگر در همان زمان هم با معیارهای مادی نگاه کنیم خب دختر بزرگترین فرد قدرتمند آن جامعه هست دیگر. کی به قدر پیغمبر اکرم اقتدار داشت؟ - چه اقتدار سیاسی، چه اقتدار انسانی، چه اقتدار اجتماعی - خب، دختر چنین شخصی است. کسی بود که اگر گوشه‌ی چشمی نشان میداد، کوچکترین اشاره‌ی میکرد تمام مردانی که در دنیای آن روز سرشان به تنشان می‌ارزید داوطلب ازدواج با او بودند؛ نه فقط در دنیای اسلام. خب شخصیتی که انقلاب او، حرکت او، رزمندگان او دارد تمام تمدن‌ها و فرهنگهای ریشه‌دار و کهن را به مبارزه می‌طلبد، با روم، با ایران، اگر میدانستند که میشود با وصلت، با همسری با این شخص مقتدر حتماً داوطلب بودند، یک چنین خانمی است، یک خانم بی‌نام و نشان بی‌شخصیتی هم نیست. آن وقت از لحاظ

۱. در سمینار نقش زن در جامعه در دانشگاه تربیت معلّم (۱۰/۱۲/۶۴)

معرفت، ببینید این شخصیت عظیم این زن یک انسان بامعرفتی است، یک آدم بی اطلاع و ناآگاه و یک زن ساده‌ی عامی نیست، یک کسی است که وقتی در مسجد پیغمبر در مقابل تمام صحابه‌ی بزرگ پیغمبر ظاهر شد و صدایش بلند شد - بعد از رحلت پیغمبر - و بنا کرد خطبه خواندن، این خطبه مثل درس یک معلّم بزرگ که گوش شاگردها را و دل آنها را به سمت خود جذب میکند تمام حضار این مسجد را - که اصحاب درجه‌ی یک پیغمبر آنجا جمع بودند - به خودش جذب کرد. استادها، محدّثها، کسانی که سالیان درازی از پیغمبر آموخته بودند، کسانی که مسلمانها امور خودشان و معارفشان را فکر میکردند از آنها باید یاد بگیرند، همه در مسجد بودند، این دختر خانم ۱۸ ساله آنجا ایستاد و یک خطبه‌ای خواند که آن خطبه تا الان هم باقی است، ما هم که نگاه میکنیم عظمت آن خطبه را در میابیم؛ مثل خطبه‌های امیرالمؤمنین، مثل خطبه‌های نهج البلاغه، مثل کلمات خود پیغمبر در یک چنین شرایطی، سرشار از معارف اسلامی و اینها همه نشستند گوش کردند، هیچکس نگفت که خانم این حرفها چیه؟ اینها که چیز مهمی نیست؟ نخیر، همه مثل شاگردانی آهنگ و طنین صدای زهرای اطهر (سلام الله علیها) را نوشیدند و از آن بهره بردند؛ معرفتش این بود.^۱

سخنرانی شگفت‌انگیز

بعد از قضیه‌ی وفات پیامبر، آمدن به مسجد و آن خطبه‌ی عجیب را خواندن، خیلی شگفت‌انگیز است. اصلاً ما که اهل سخنرانی و حرف زدن ارتجالی هستیم، میفهمیم که چقدر این سخنان عظیم است یک دختر هجده ساله، بیست ساله و حداکثر بیست و چهار ساله که البته سن دقیق آن حضرت مسلم نیست؛ چون تاریخ ولادت آن بزرگوار مسلم نیست و در آن اختلاف است آن هم با آن مصیبتها و سختیها به مسجد می‌آید، در مقابل

۱. در دیدار با گروهی از خواهران (۶۳/۱۲/۲۱)

انبوه جمعیت، با حجاب سخنرانی میکند؛ که آن سخنرانی، کلمه به کلمه‌اش در تاریخ میماند.^۱

خطبه‌ای پر مغز مانند نهج البلاغه

آن خطبه‌ای که فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) در مسجد مدینه بعد از رحلت پیامبر ایراد کرده است، خطبه‌ای است که به گفته‌ی علامه مجلسی، بزرگان فصحا و بلغا و دانشمندان باید بنشینند کلمات و عبارات این خطبه را معنا کنند. اینقدر پرمغز است. از لحاظ زیبایی هنری این سخن فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) مثل زیباترین و بلندترین کلمات نهج‌البلاغه و در حدّ سخنان امیرالمؤمنین است. فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) می‌رود در مسجد مدینه می‌ایستد در مقابل مردم و ارتجالا حرف میزند. شاید ایشان یک ساعت صحبت کرده است با بهترین و زیباترین عبارات و زبده‌ترین و گزیده‌ترین معانی.^۲

تعجب بزرگان فصحا و بلغا از خطبه‌ی فاطمه (س)

دفاعش از علی و از ولایت و آن خطبه‌ی غرّاء، که علامه‌ی مجلسی (رضوان الله‌علیه) میگوید «بزرگان فصحا و بلغا، از فصاحت و علو کلمات و معانی و ظاهر و باطن آن، انگشت تعجب به دندان گزیده‌اند». علامه‌ی مجلسی که آن همه روایت از این دست از ائمه (علیهم‌السلام) گرفته و نقل کرده و در اختیار ما گذاشته، در مقابل این خطبه، خودش را میبازد. این خطبه، خطبه‌ی عجیبی است! مثل زیباترین و بلندترین خطبه‌های نهج‌البلاغه است. خطبه‌ای که با آن حال غم و اندوه، در مسجد، خطاب به مسلمانان، ارتجالا و بدون اینکه قبلاً آن را درست کرده باشد و درباره‌ی آن فکر کرده باشد، بر زبان جاری کرده است! آن بیان، آن حکمت، آن ارتباط با غیب، آن ظرفیت والا و بالا، آن نورانیت قلب، آن نورانیت بیان و زبان، همه‌ی اینها را یکسره

۱. در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان (۷۷/۲/۷)

۲. در دیدار جمعی از زنان (۷۱/۹/۲۵)



در راه خدا خرج کرده است. و حال، سرمایه‌ی ما چه ارزشی دارد، اگر بخواهیم همه‌اش را در راه خدا خرج کنیم؟! سرمایه‌های ما چه قابلی دارد؟! سرمایه‌ی ما در مقایسه با آن سرمایه‌ی عظیمی که زهرای اطهر و شوهر و پدر و فرزندان او در راه خدا خرج کردند، قابل مقایسه است؟! این مختصر علمی که من و شما داریم؛ مختصر زبانی که داریم؛ مختصر پولی که داریم؛ مختصر نفوذی که داریم؛ مختصر طبع شعری که داریم؛ مختصر معرفتی که داریم، در جنب آن اندوخته‌ی عظیم بی‌نظیری که خدای متعال در آن وجود ملکوتی گرد آورده و مجتمع کرده، چه اهمیتی دارد؟! ما چه داریم، تا در راه خدا بخل کنیم!'^۱

خطبه‌ی فدکیه؛ خطبه‌ای یکپارچه حکمت و معرفت

آنچه در زندگی ظاهری آن بزرگوار وجود دارد، از یک سو علم و حکمت و معرفت است، که حتی در خطبه‌ای مثل خطبه‌ی فدکیه‌ی معروف آن بزرگوار که هم شیعه آن را نقل کرده است، هم اهل سنت لااقل بعضی از فقرات آن را نقل کرده‌اند - بعضی هم همه‌ی آن خطبه را نقل کرده‌اند - وقتی نگاه میکنید در حمد و ثنای این خطبه، در مقدمات این خطبه، میبینید یکپارچه حکمت و معرفت از زبان دُرربار آن بزرگوار در فضا منتشر شده و امروز بحمدالله برای ما باقی مانده - در آنچنان موقعیتی که بحث تعلیم نبود، خطاب مربوط به علم و معرفت نبود؛ در واقع یک محاجّه‌ی سیاسی بود - در عالیترین سطحی که برای ما قابل درک است، در این خطبه‌ی مبارکه، معارف الهی و معارف اسلامی ذکر شده است.^۲

خزانه‌ی تمام نشدنی از معارف، روحیه و درس برای جوانان

تاریخ ما به برکت حوادث دویست و پنجاه ساله‌ی اول اسلام، پر از

۱. همان

۲. در دیدار با مدّاحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) (۱۳/۳/۱۳۸۹)

درس و عبرت است. اگر به چشم عبرت‌بین و درس‌گیر و درس‌آموز نگاه شود، برای انسانی که می‌خواهد در راه خدا همان راهی که آن بزرگواران پیمودند حرکت کند، یک خزان‌هی تمام نشدنی از معارف و روحیه و درس است. در قضیه‌ی حضرت صدیقه‌ی طاهره (سلام‌الله‌علیها) نکات خیلی مهمی وجود دارد؛ لیکن یک نکته که با وضع شما جوانان مؤمن و انقلابی تطبیق میکند این است که همه‌ی این افتخارات و کارهای بزرگ و مقامات عالی معنوی و دست‌نیافتنی آن انسان والا و آن زن بی‌نظیر تاریخ بشر و سیده‌ی زنان عالم و ضمناً همه‌ی آن صبرها و ایستادگیها و موقع‌شناسیها و کلمات پرباری که در این زمانها از ایشان صادر شده است، همه‌ی این حوادث بزرگ در دوران کوتاه جوانی این بزرگوار اتفاق افتاده است، یک وقت این قضیه را بعنوان یک موضوع مرثیه‌سرایی مطرح میکنیم و میگوییم که این بزرگوار سنّ کمی داشتند یا جوان بودند که این موضوع مصیبت‌خوانی و مرثیه‌سرایی میشود. یک وقت این را بعنوان یک امر قابل تدبّر و حاوی یک درس نه یک درس، بلکه درسها میدانیم و با این چشم نگاه میکنیم؛ آن وقت اهمیت ویژه‌ای پیدا میکند. چگونه یک انسان در دوران کوتاه زندگی، از مبدأ کودکی به بعد تا زمان شهادت که معروف این است که آن بزرگوار هجده ساله بودند و بعضی هم تا سن ۲۲ و ۲۴ سال گفته‌اند این همه معارف و این همه علوّ مقامات معنوی را در این مدّت کوتاه به دست بیاورد. این حاکی از یک تربیت فوق‌العاده فوق بشری است.^۱

۶- حضرت فاطمه‌ی زهرا (س)

و عرصه‌ی عبادی

عبودیت و بندگی؛ منشاء سایر ارزشها و مقامات الهی
مطلب دیگر این است که ما این بزرگوار را با زبانهای ناقص خودمان توصیف میکنیم. امروز هم شعرای عزیز ما همین مضمون را بارها تکرار

۱. در دیدار با فرماندهان و مسؤولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۷۶/۲/۲۶)

کردند، که ما با این بیان ناقص و با این دید قاصر، فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) را توصیف میکنیم. این دید، ناظر به آن مقامات معنوی نیست. چون به آنها دسترسی نداریم، آنها را نمیفهمیم و درک نمیکنیم. گاهی تعبیراتی گفته میشود که خیلی هم دقیق نیست. مثلاً «عرش خدا زیر پای تو» یعنی چه؟ عرش خدا چیست؟ اینها خیلی روشن نیست؛ همینطور یک تعبیری است؛ چون میخواهند تکریم و تعظیم کنند، اما واقعیت مطلب در ذهن کوچک ما نمیگنجد، از چنین تعبیراتی استفاده میشود؛ گاهی خوب است، گاهی هم خوب نیست؛ گاهی درست است، گاهی هم درست نیست. بخشی از قضیه برای ما قابل فهم است. من میخواهم روی نکته‌ی کوتاهی از این بخش تکیه کنم. میخواهم عرض کنم که ارزش فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) به عبودیت و بندگی خداست. اگر بندگی خدا در فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) نبود، او صدیقه‌ی کبری نبود. صدیق یعنی چه؟ صدیق کسی است که آنچه را می‌اندیشد و میگوید، صادقانه در عمل آن را نشان دهد. هرچه این صدق بیشتر باشد، ارزش انسان بیشتر است؛ میشود صدیق؛ «فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»^۱. «صدیقین» پشت سر «نبیین» اند. این بزرگوار صدیقه‌ی کبری است؛ یعنی برترین زن صدیق. این صدیق بودن به بندگی خداست. اگر بندگی خدا نمیکرد، صدیقه‌ی کبری نمیشد. اساس، بندگی خداست. نه فقط فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها)، بلکه پدر فاطمه (سلام‌الله‌علیها) هم - که مبدأ و سرچشمه‌ی فضائل همه‌ی معصومین اوست و امیرالمؤمنین و فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) قطره‌هایی هستند از دریای وجود پیغمبر - ارزشش پیش خدا بخاطر عبودیت است؛ «اشهد ان محمداً عبده و رسوله»؛ اول، عبودیت اوست؛ بعد رسالت او. اصلاً رسالت - این منصب والا - به او داده شد، بخاطر عبودیت؛ چون خدا صنیع دست و مخلوق خود را میشناسد. مگر در زیارت حضرت زهرا عرض نمیکنیم: «امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ»^۲

۱. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۶۹

۲. التذهیب، ج ۶، ص ۱۱۰

در علم خدای متعال معلوم است که عمل من و شما چیست. ما در مقابل گناه و هوس و پول و نام نیک قرار میگیریم؛ آیا بخاطر به دست آوردن اینها حاضریم از شرف و ایمان و تکلیف خود و امر و نهی الهی درباره‌ی خود صرف نظر کنیم یا نه؟ این اختیار ماست. چه راهی را انتخاب خواهیم کرد؟ وقتی گفتن سخنی برای انسان ضرر مادی دارد، وقتی حرکتی هوسهای گناه‌آلود انسان را برآورده میکند، ما سر دو راهی قرار میگیریم. کدام راه را انتخاب خواهیم کرد؟ راه هوس و گناه و پول را، یا راه پاکدامنی و تقوا و بندگی خدا را؛ یکی از این دو را انتخاب خواهیم کرد. انتخاب و اختیار ماست، اما خدای متعال میداند که ما چه راهی را اختیار خواهیم کرد؛ این در علم الهی هست. اگر شما انسانی هستید که این قدرت در شما وجود دارد که در مقابل کوهی از ارزشهای مادی و برآورنده‌ی هوسها محکم بایستید و تکان نخورید، خداوند برای شما شایستگیهایی در نظر میگیرد. «و مَرِيْمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا»؛ خدای متعال بیهوده به مریم اینقدر لطف نمیکند. این، کلام قرآن است. او باهمه‌ی وجود پاکدامنی خود را حفظ کرد، لذا شایسته‌ی این شد که مادر عیسی شود. حضرت یوسف در عین جمال و جوانی و برخورداری از عزت مادی در خانه‌ی عزیز مصر، روی هوس خود پا گذاشت؛ لذا شایسته‌ی مقام والایی شد که خدا به او داد؛ یعنی پیغمبری. خدا این را میداند که این بنده چنین جوهری دارد و اینچنین اراده‌ی خود را صرف راه او خواهد کرد؛ لذا برای او مسؤولیتهای بزرگ و سنگین دیگری - که هر کدام باز به نوبه‌ی خود اجرهای بزرگی دارد - در نظر میگیرد.^۲

امتحان قبل از خلقت

«امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً»^۳؛ خدای

۱. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۲

۲. در دیدار با جمعی از مداحان و ستایشگران اهل بیت (ع) (۸۴/۵/۵)

۳. التذہیب، ج ۶، ص ۱۱۰

متعال میدانند که فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) در دوران زندگی چگونه انتخاب و اختیار خواهد کرد و چگونه قدم خواهد برداشت. عبودیت خدا معیار است. این شد برای ما خط روشن.^۱

خمیره‌ی فاطمه (س) بخاطر سربلندی او در امتحان بندگی

عزیزان من! این ستاره‌ی درخشان عالم خلقت، فقط همان نیست که به چشم ما می‌آید. فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) بسیار بالاتر از این حرفهاست. ما فقط درخشندگی‌ای میبینیم؛ ولی بسیار بزرگتر از این حرفهاست. اما من و شما چه استفاده‌ای می‌کنیم؟ همینقدر که بدانیم او زهراست، کافی است؟ در روایتی خواندم که درخشندگی فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) باعث میشود تا چشمان کروبیان ملاءعلی خیره شود: «زَهْرَ نُورُهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ»^۲. برای آنها میدرخشد. ما از این درخشندگی چه استفاده‌ای بکنیم؟ ما باید از این ستاره‌ی درخشان، راه به‌سوی خدا و راه بندگی را که راه راست است و فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) پیمود و به آن مدارج عالی رسید، پیدا کنیم. اگر میبینید خدا خمیره‌ی او را هم خمیره‌ی متعالی قرار داده است، به این دلیل است که میدانست این موجود در عالم ماده و عالم ناسوت، خوب از امتحان بیرون خواهد آمد؛ «امْتَحَنَكَ اللهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً»^۳؛ قضیه این است. خدای متعال حتی اگر لطف ویژه‌ای درباره‌ی آن خمیره میکند، بخشی مربوط به این است که میدانند او از عهده‌ی امتحان چگونه برخوردار خواهد آمد؛ والا بسیار کسان خمیره‌ی خوب داشتند. مگر همه توانستند از عهده برآیند؟ این بخش از زندگی فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها)، آنی است که ما برای نجات خودمان به آن احتیاج داریم.^۴

۱. در دیدار با مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) (۸۴/۵/۵)

۲. بحار، ج ۴۳، ص ۱۲

۳. التذهیب، ج ۶، ص ۱۱۰

۴. در دیدار مداحان به مناسبت ولادت حضرت زهرا (س) (۷۳/۹/۳)

تأثیر اعمال فاطمه (س) در احراز مقام معنوی

این مسائل معنوی تا حدود زیادی به فضائل عملی ارتباط پیدا میکند. ارتباط پیدا میکند به آنچه که از تلاش حضرت فاطمه (سلام الله علیها) ناشی میشود. این مقام را مفت نمیدهند و بدون دلیل نمیبخشند. عمل انسان در حدّ بالایی در احراز فضائل و مناقب معنوی تأثیر دارد.^۱

همراهی علمی و معنوی با عفاف و طهارت در الگوی فاطمی (س)

سیدهای زنان عالم آن بانوی باعظمتی است که دانشمندان و متفکران باید تأمل کنند تا به بخشی از عمق سخنان پر مغز او در زمینه‌های گوناگون پی ببرند و در عین حال همان کسی است، که در محراب عبادت در مقام خضوع در مقابل پروردگار برای معنویت آن منش استثنایی را از خود بروز داده است، شب تا به صبح عبادت کرده است. الگوی عفاف و حجاب و ستر بوده است یعنی معنویت و طهارت و تقوای زن نه فقط با علم او و دانش او منافاتی ندارد بلکه این دو برای تکمیل شخصیت او به یکدیگر کمک هم میکنند امروز خوشبختانه در سایه‌ی نظام اسلامی حرکت زنان کشور به همین سمت است؛ یعنی به سمت جمع کردن میان شخصیت علمی یا اجتماعی یا سیاسی از یک طرف و شخصیت دینی و اهتمام به ارزشهای اسلامی از طرف دیگر.^۲

عبادت و سلوک طولانی فاطمه‌ی زهرا (س)

در محراب عبادت، ایشان ساعتهای متمادی با خدا راز و نیاز میکردند. عبادت و سلوک ایشان برای ما قابل تصوّر و درک نیست.^۳

۱. در دیدار جمعی از زنان (۷۱/۹/۲۵)

۲. در دیدار با خواهران طلبه و فرهنگی در مصلای شهر قم (۷۴/۹/۱۶)

۳. در سمینار نقش زن در جامعه (۶۴/۱۲/۱۰)

عبادت مصرّانه

از لحاظ عبادت آنچنان در محراب عبادت مصرّانه می‌ایستاد و در پیشگاه پروردگار دعا میکرد و عبادت میکرد و گریه میکرد که از کثرت ایستادن پای او ورم کرد. شما ببینید چقدر این دلباختگی در مقابل خدا وجود دارد.^۱

کثرت در عبادت

«حسن بصری» که یکی از عباد و زهاد دنیای اسلام است، درباره‌ی فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) میگوید: «بقدری دختر پیغمبر عبادت کرد و در محراب عبادت ایستاد که «تَوَرَّمَتْ قَدَمَاهَا»^۲؛ پاهای آن بزرگوار از ایستادن در محراب عبادت ورم کرد».^۳

دعای شبانه در حقّ دیگران

امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) می‌فرماید: یک شب جمعه‌ای تا صبح مادرم به عبادت ایستاد؛ تا صبح عبادت کرد «حَتَّى اتَّضَحَ عَمُودُ الصُّبْحِ» تا وقتی که فجر طلوع کرد. مادر من از سر شب تا صبح مشغول عبادت بود و دعا کرد و تضرّع کرد. امام حسن (علیه‌السلام) می‌گوید: شنیدم که دائم مؤمنین و مؤمنات را دعا کرد، مردم را دعا کرد، برای مسائل عمومی دنیای اسلام دعا کرد. صبح که شد گفتم: «يَا أُمَّاهُ لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ»، «مادرم یک دعا برای خودت نکردی، شب تا صبح برای دیگران دعا کردی». در جواب فرمود: «يَا بُنَيَّ الْجَارَ ثُمَّ الدَّارَ»^۴؛ «اول دیگران بعد خود ما». این، آن روحیه‌ی والاست.^۵

۱. در دیدار با گروهی از بانوان کشور (۶۳/۱۲/۲۱)

۲. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴۱

۳. در دیدار جمعی از زنان (۷۱/۹/۲۵)

۴. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۳

۵. در دیدار جمعی از زنان (۷۱/۹/۲۵)

۷- عظمت و کمالات حضرت زهرا(س)

شخصیت ناشناخته‌ی حضرت زهرا(س)

ما از حضرت زهرا خیلی چیز شنیدیم و خواندیم و گفتیم همه‌مان - شما زنها و دیگران، گویندگان، نویسندگان - اما واقعاً ابعاد شخصیت حضرت زهرا ناشناخته است.^۱

شخصیت غیرقابل توصیف

البته من از جنبه‌های معنوی و روحی و الهی آن بزرگوار^۲ حرفی نمیتوانم بزنم. من کوچکتر از این هستم که آن چیزها را درک کنم. حتی اگر کسی هم بتواند درک بکند، نمیتواند آنچنانکه حق اوست، او را توصیف و بیان کند.^۳

تعظیم و ستایش ائمه، نشاندهنده‌ی مقام توصیف‌ناشدنی حضرت زهرا(س)

وقتی انسان به روایاتی که مربوط به فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) میباشد و از ائمه(علیهم‌السلام) صادر شده است، مراجعه میکند، میبیند زبان معصومین(علیهم‌السلام) نسبت به این بزرگوار، آنچنان زبان ستایش و خضوع و خشوع است که برای کسی که مقام والای فاطمه‌ی زهرا(علیها‌السلام) را ندانسته باشد، ممکن است مایه‌ی تعجب بشود. از خود پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) که پدر و مربی این مخدّره‌ی بزرگوار بود، تا امیرالمؤمنین که همسر او بود و تا فرزندان او - ائمه(علیهم‌السلام) - هر کدام راجع به زهرا(س) اظهار، جمله‌ای سخن گفته‌اند و آن را با زبان تعظیم و ستایش بیان کرده‌اند. این، نشاندهنده‌ی آن مقام والا و توصیف‌ناشدنی است که حقیقتاً برای ذهن قاصر ما، آن علو

۱. در دیدار با گروهی از بانوان کشور (۶۳/۱۲/۲۱)

۲. فاطمه‌ی زهرا(س)

۳. در دیدار جمعی از زنان (۷۱/۹/۲۵)

درجه‌ی معنوی و ملکوتی «أُمُّ الْأَئِمَّةِ النَّجَبَاءِ» (سلام‌الله علیها) قابل درک نیست و ما بقدر فهم خود، ممکن است رشحه‌ای از رشحات را درک کنیم.^۱

کوشش فراوان عقول برجسته و زبانهای فصیح برای درک گوشه‌ای از مناقب فاطمه‌ی زهرا(س)

باید عقول برجسته و زبانهای فصیح کوشش فراوان کنند تا شاید بتوانیم گوشه‌ای از فضایل و مناقب فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله علیها) را درک کنیم. مقام فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله علیها) در خور آن است که عقول برجسته‌ی انسانهای بزرگ، در اصلیت‌ترین رشته‌های تفکرشان بیندیشند و زبانهای فصیحترین و بلیغترین گویندگان و شعرا و سرایندگان، آن اندیشه‌ها را در قالب کلمات بیاورند و سرشارترین ذوقها و جوشانترین طبعهای فیاض و سیال هنرمندان و شاعران، آنها را بصورت شعر و سخن منظوم، با بهترین گویشها و حنجره‌ها بیان کنند. اگر اینطور بشود، شاید ذهن بشر متوسط امروز و ما که از معارف حقیقی الهی دوریم و کشش نداریم که در ذهن و دل و روحمان، حقایق والا و متعالی را درک بکنیم، بتوانیم گوشه‌ای از فضایل و مدایح و مناقب و محامد این بزرگوار را بفهمیم و درک کنیم.^۲

فاطمه‌ی زهرا(س)؛ شخصیتی درک‌ناشدنی و بی‌پایان

درباره‌ی فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها)، هرچه بگوییم، کم گفته‌ایم و حقیقتاً نمیدانیم که چه باید بگوییم و چه باید بیندیشیم. به قدری ابعاد وجود این انسیه‌ی حوراء، این روح مجرد و این خلاصه‌ی نبوت و ولایت برای ما پهناور و بی‌پایان و درک‌ناشدنی است که حقیقتاً متحیر میمانیم.^۳

۱. در دیدار با مدّاحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه(س) (۶۸/۱۰/۲۸)

۲. همان

۳. در دیدار مدّاحان به مناسبت ولادت حضرت زهرا(س) (۷۳/۹/۳)

خشم و غضب فاطمه (س): خشم و غضب خدا

پیامبر اکرم دختری به نام فاطمه (سلام الله علیها) دارد که همه‌ی مردم مسلمان در آن روز میدانند که پیامبر فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا»؛ اگر کسی فاطمه (سلام الله علیها) را خشمگین کند، خدا را خشمگین کرده است. «و یرضی لرضاهها»؛ اگر کسی او را خشنود کند، خدا را خشنود کرده است. ببینید، این دختر چقدر عظیم‌المنزله است که پیامبر اکرم در مقابل مردم و در ملاء عام، راجع به او اینگونه حرف میزند. این مسأله‌ای عادی نیست.^۲

قرنها تلاش شیعیان برای معرفت نسبت به حضرت زهرا (س)

عزیزان من! عظمت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها)، در سیره‌ی آن بزرگوار آشکار است. یک مسأله این است که ما چه شناختی از فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) داریم؟ این یک حرف است. بالاخره دوستان اهل بیت (علیهم السلام)، در طول زمان، تا آنجا که توانستند سعی کردند به حقّ دختر پیغمبر، فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) معرفت پیدا کنند. چنین هم نیست که کسی خیال کند همانطور که در زمان ما، این بزرگوار اینقدر در دلها عزیز و در چشمها شیرین است، همیشه همینطور بوده است. امروز بحمدالله دوران اسلامی است، دوران حکومت قرآن است، دوران حکومت علوی و حکومت اهل بیت (علیهم السلام) است و آنچه در دلهاست، بر زبانها جاری میشود. قدیمترین دانشگاه اسلامی در دنیای اسلام - مربوط به قرن سوم و چهارم - به نام فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است. نام دانشگاه معروف «الازهر» در مصر از نام فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) گرفته شده است. در گذشته بنام فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) دانشگاه تأسیس میکردند. حتی خلفای فاطمی که بر مصر حکومت میکردند، شیعه بودند. قرنهاست که شیعه سعی کرده به حقّ این بزرگوار معرفت پیدا کند.^۳

۱. بحار، ج ۴۳، ص ۱۹

۲. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۷۷/۲/۱۸)

۳. در دیدار با مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) (۷۳/۹/۳)

خلاصه نبوت و ولایت

حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) خلاصه‌ی نبوت و ولایت و دارای چنان شخصیت و الایی است که انسانها از درک عظمت و وسعت آن ناتوان هستند. مقام و مرتبه‌ی آن حضرت تا حدی بود که حتی کسانی که رابطه‌ی صمیمی با آن بزرگوار نداشتند، زبان به مدح او گشوده‌اند.^۱

گوهر صدف نبوت و ولایت

فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) که میان همه‌ی این خاندان باعظمت، عزیز است، خیلی ارزش دارد. حقیقتاً روز ولادت این بزرگوار - که گوهر صدف نبوت و ولایت است - برای شیعیان، محبان و فرزندان معنوی و جسمانی آن بزرگوار عید بزرگی است.^۲

درخشش خورشید امامت و ولایت و نبوت از فجر درخشان فاطمه (س)

اگر شخصیت فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) برای ذهنهای ساده و چشمهای نزدیک‌بین ما آشکار میشد، ما هم تصدیق میکردیم که فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) سرور همه‌ی زنان عالم است؛ بانویی که در سنین کم و در عمر کوتاه، به مقامات معنوی و علمی و معرفتی و به مرتبه‌ای برسد که برابر مرتبه‌ی انبیا و اولیاست. در واقع فاطمه‌ی زهرا، فجر درخشانی است که از گریبان او، خورشید امامت و ولایت و نبوت درخشیده است؛ آسمان بلند و رفیعی است که در آغوش آن، ستاره‌های فروزان ولایت قرار گرفته است. همه‌ی ائمه (علیهم‌السلام) برای مادر بزرگوار خود تکریم و تجلیلی قائل بودند که برای کمتر کسی این همه احترام و تجلیل را از آن بزرگواران میشود دید.^۳

۱. همان

۲. در دیدار با مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) (۸۳/۵/۱۷)

۳. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

جلوه‌های ملکوتی حضرت زهرا(س)

برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز همینطور بود. روایت دارد: «سمیت فاطمه، زهراء» «فاطمه را زهرا نامیدند»، چون روزی سه بار در چشم علی (علیه السلام) میدرخشید. زن اگر در هر میدانی پشتیبان مرد باشد، نیروی مرد به چندین برابر میرسد. این زن حکیم، این زن عالم، این زن محدث، این زنی که با عوالم غیب ارتباط داشت، این زنی که فرشتگان با او حرف میزدند، این زنی که قلب او همچون قلب علی و پیغمبر، روشن به عوالم ملک و ملکوت بود، با همه‌ی این ظرفیت، با همه‌ی این مقام شامخ، در همه‌ی مراحل زندگی و تا زمانی که زنده بود، پشت سر امیرالمؤمنین (علیه السلام) مثل کوه ایستاد.^۱

فاطمه‌ی زهرا(س)؛ اوج قلّه‌ی معنویت و تکامل بشری

ما در تعریف مقامات معنوی آن بزرگوار وارد نمیشویم و قادر هم نیستیم که مقامات معنوی فاطمه‌ی اطهر (سلام الله علیها) را بفهمیم و درک کنیم. حقیقتاً در اوج قلّه‌ی معنویت انسانی و تکامل بشری، فقط خداوند است که چنین بندگان را - و کسانی که هم‌تراز آنها باشند - میشناسد و مقام آنها را میبیند. لذا فاطمه‌ی زهرا را امیرالمؤمنین و پدر بزرگوار و اولاد معصومینش میشناختند. مردم آن زمان و زمانهای بعد و ما نیز در این روزگار نمیتوانیم آن درخشندگی و تالّو معنویت را در آن بزرگوار تشخیص بدهیم. نور درخشان معنوی، به چشم همه‌کس نمی‌آید و چشمهای نزدیک‌بین و ضعیف ما قادر نیست که آن جلوه‌ی درخشان انسانیت را در وجود این بزرگواران ببیند. بنابراین، در صحنه‌ی تعریف معنوی فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) وارد نمیشویم.^۲

۱. در دیدار جمعی از زنان (۷۱/۹/۲۵)

۲. در دیدار با هیأت نظارت و هیأت اجرایی انتخابات (۶۸/۹/۲۲)

اعجاب از کمالات معنوی و مادی حضرت فاطمه (س) و مکتب سازنده‌ی او درباره زهرای اطهر هرچه انسان بیشتر فکر کند و در حالات آن بزرگوار بیشتر تدبّر کند، بیشتر دچار شگفتی خواهد شد. تعجب انسان نه فقط از این جهت است که چطور یک موجود انسانی در سنین جوانی میتواند به این رتبه از کمالات معنوی و مادی نائل بشود (که البته این خود هم یک حقیقت شگفت‌انگیز است) بلکه بیشتر از این جهت است که اسلام با چه قدرت عجیبی توانسته است تربیت والای خود را بحدی برساند که یک زن جوان، در آن شرایط دشوار بتواند این منزلت عالی را کسب کند! هم عظمت این موجود و این انسان والا تعجب‌آور و شگفت‌انگیز است و هم عظمت مکتبی که این موجود عظیم‌القدر و جلیل‌المنزله را پدید آورده است.^۱

ژرف‌پیمایی در اقیانوس نور و معنویت به کمک احادیث

حقاً عرصه‌ی محبت اهل‌بیت، عرصه‌ی شایسته‌ای برای هنرنمایی است و در میان این مجموعه‌ی نور، محبت فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) جای ابراز هنر، ابراز ذوق و ظرافت طبع حقاً و انصافاً همین‌جاست. فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) کلمه‌الله پرمضمون و مانند یک دریای ژرف و عمیق است. هر چه فکر انسان، ذوق انسان، طبع ظریف صاحبان طبع در این زمینه کنکاش بیشتری کند، تدبّر و تأمل بیشتری کند، گوهرهای بیشتری به دست خواهد آورد. البته توصیه‌ی همیشگی ما این است که ژرف‌پیمایی در این اقیانوس نور و معنویت به کمک احادیث اهل‌بیت باشد. همانطوری که در یکی از اشعاری که آقایان خواندند، این مضمون بود، که معرفت این خاندان هم در اختیار خود این خاندان است؛ از آنها فرا بگیریم. آنها را معرف خودشان قرار بدهیم. تأمل کنیم، دقت کنیم تا بصورت عمیق و ژرفی این کلمات و این معانی را بفهمیم. شعرای عزیز ما، مدّاحان و ستایشگران اهل‌بیت (علیه السلام) که این افتخار را دارند که به کلمات و به روایات اهل بیت مراجعه

۱. در دیدار گروهی از زنان به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) (۷۱/۹/۲۵)

کنند، تأمل کنند، تدبّر کنند، از اهل بصیرت و معرفت برای ژرف‌یابی کمک بگیرند، آن وقت ذوق، طبع لطیف، دقت نظر و کنکاش، صوت خوب و حنجره‌ی توانا را در خدمت اینها قرار دهند. این یکی از بهترین و شریفترین کارهاست.

محتواها را محتوایی قرار بدهید که مخاطب شما استفاده کند؛ یا یک منقبت قابل فهمی، یا یک فضیلت برانگیزاننده‌ای از اهل بیت (علیه السلام) باشد که اعتقاد و ایمان انسان را محکم کند. شما ببینید مدّاحان اهل بیت (علیهم السلام) در دوران حیات معصومین (علیهم السلام) بر روی چه چیزهایی تکیه میکردند. شعر دعبل، شعر کمیت، شعر فرزدق - این شعرهایی که ائمه (علیهم السلام) اینها را تشویق کردند - بر روی چه چیزهایی تکیه میکردند. شما نگاه کنید ببینید محتوای این اشعار یا عبارات است از اثبات حقانیت اهل بیت با دلیل، با استدلال - استدلالی که در کسوت زیبا و لطیف شعر خودش را نشان میدهد. شعر دعبل را نگاه کنید - یا بیان فضائل اهل بیت (علیهم السلام)؛ همینی که امروز در شعر این خوانندگان عزیز ما هم چند بار تکرار شد. اشاره‌ی به ماجرای هل اتی، اشاره‌ی به ماجرای مباهله، اشاره‌ی به تعبیرات پیامبر مکرّم نسبت به فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها)، یا بیان درسهایی که از زندگی آن بزرگواران میشود گرفت که نمونه‌ی شیرین کامل نزدیک به زمان خودمان، شعرهایی است که در دوره‌ی انقلاب - دوره‌ی اوج نهضت در سال ۵۶ و ۵۷ - در محرّم، دسته‌جات سینه‌زنی، به ابتکار خود مدّاحان، خود مرثیه‌سرایان، خود را نشان داد. دسته‌ی سینه‌زنی توی بازار، توی خیابان سینه میزد، نوحه میخواند، لیکن هر کسی میشنید، میفهمید که امروز باید چه کار کند؛ امروز باید در کدام جهت حرکت کند.^۱

۱. در دیدار با مدّاحان و ستایشگران اهل بیت (ع) (۸۷/۴/۴)

معنای بوسیدن دست حضرت فاطمه (س)

آنوقت در چنین دنیایی، پیامبر اکرم دختری تربیت میکند که این دختر، شایستگی آن را پیدا میکند که پیامبر خدا بیاید دست او را ببوسد! بوسه بر دست فاطمه‌ی زهرا از طرف پیامبر را، هرگز نباید حمل بر یک معنای عاطفی کرد. این خیلی غلط و خیلی حقیر است اگر ما خیال کنیم که چون دخترش بود و دوستش میداشت، دستش را میبوسید. مگر شخصیتی به آن ارجمندی، آن هم با آن عدل و حکمتی که در پیامبر هست و اتکایش به وحی و الهام الهی است، خم میشود و دست دخترش را میبوسد! نه، این یک چیز دیگر و یک معنای دیگری است؛ این حاکی از آن است که این دختر جوان، این زنی که وقتی از دنیا رفته، بین هجده سال تا بیست و پنج سال سن داشته هجده سال هم گفته‌اند، بیست و پنج سال هم گفته‌اند در اوج ملکوت انسانی قرار داشته و یک شخص فوق‌العاده بوده است. این نگرش اسلام به زن است.^۱

علاقه‌ای توأم با تکریم و احترام بخاطر مقام معنوی و اوج پرواز

روحانی

فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) یک خانم فقیر بود؛ خانمی که از امکانات مادی زندگی بهره‌برداری نمیکرد. خانمی بود که همسرش در طول هشت، نه سال زندگی مشترک زناشویی‌شان در اغلب سالها یا همه‌ی سالها بارها او را در خانه میگذاشت و به میدان جنگ میرفت و به استقبال خطر و این خانم این زندگی را شیرین و مطلوب میشمارد و از آن استقبال میکرد. خانمی بود که در داخل خانه علاوه بر کار خانه به زندگی مشترک هم کمک میکرد و آن وقتی که باید در صحنه‌ی جامعه‌ی حاضر و ظاهر میشد و به وجود او نیازی بود، آن چنان محکم و قوی وارد میشد که هیچ مردی با آن استحکام و قدرت وارد میدان نشد. خانمی بود که از لحاظ عبادت و توجه به خدا تا

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (۷۰/۱۰/۴)

به آنجا پیش رفت که قدسین و صدیقین هم آنجور خدا را عبادت نکردند، و مقام معنوی او و اوج پرواز روحانی او به آنجا رسید که پیغمبر دست او را میبوسید. پیغمبر محبتش به فاطمه صرفاً محبت دختری و فرزندی نبود، فرزندان دیگر هم پیغمبر داشت. دختران پیغمبر بودند، بزرگ شدند ازدواج کردند، خواهرهای فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها). البته در زمان زندگی پیغمبر همه‌شان از دنیا رفتند. اما پیغمبر به هیچکدام از این دخترها علاقه‌ای را که به فاطمه‌ی زهرا داشت، نداشت آن هم اینجور علاقه، علاقه‌ای توأم با تکریم و احترام، کدام پدری دست دختر بزرگ خودش را با احترام میبوسد. هر وقت به سفر میرفت آخرین کسی که با او خداحافظی میکرد فاطمه‌ی زهرا بود، هر وقت از سفر برمیگشت اولین کسی که با او سخن میگفت فاطمه‌ی زهرا بود؛ اینها بنخاطر مقامات معنوی است.

داستان عروسی آن حضرت را همه‌تان میدانید، جهیزی‌ی این بزرگوار را همه‌تان میدانید، دادن پیراهن نو در شب عروسی به یک زن مستمند را همه‌تان شنیدید، دو تا پیراهن در شب عروسی دارد، یکی پیراهن معمولی‌اش است، یکی هم پیراهنی است که برای عروسی او درست کردند؛ آن نو را میدهد به سائل، این گذشتها، این انفاقها، این بی‌اعتناییهای به زخارف دنیوی، این همان چیزهایی است که شخصیت یک قدیس را، یک صدیق را، یک ولی بزرگ از اولیاءالله را میسازد و فاطمه‌ی زهرا اینجوری بود. معرفت او نسبت به دین و اسلام در خطبه‌ی او و در سخنان او آشکار بود.^۱

فاطمه‌ی زهرا (س)؛ مرکز فیوضات الهی

شما ملاحظه کنید، این بزرگواری که ما امروز ساعتی با شما پای استماع مدایح و فضایلش نشستیم - که آنچه گفته شد، قطره‌ای از دریاست - در چه سنی این همه فضایل را حائز شد؟ در چه مدّت عمری این همه

۱. در مراسم بزرگداشت روز زن در استادیوم آزادی (۶۷/۱۱/۸)

درخشندگی را از خود بروز داد؟ در عمری کوتاه؛ هجده سال، بیست سال، بیست و پنج سال؛ نقلها متفاوت است. این همه فضایل، بیهوده به دست نمی آید؛ «امْتَحَنَكَ اللهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً»^۱. خدای متعال، زهرای اطهر - این بنده‌ی برگزیده - را آزمود. دستگاه خدای متعال، دستگاه حساب و کتاب است؛ آنچه میبخشد، با حساب و کتاب میبخشد. او، گذشت و ایثار و معرفت و فدا شدن این بنده‌ی خاص خود را در راه اهداف الهی میدانند؛ لذا او را مرکز فیوضات خود قرار میدهد.^۲

فاطمه‌ی زهرا(س)؛ شخصیتی طراز اول در طول تاریخ بشر

ولادت باسعادت کوثر نور و معرفت، حضرت صدیقه‌ی طاهره‌ی مرضیه‌ی مطهره، فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) را به همه‌ی شما حضار گرامی و به همه‌ی مردم مسلمان، به خصوص بانوان کشور اسلامی تبریک عرض میکنم. این ولادت بزرگ، یکی از بزرگترین عیدهای اسلامی است؛ چون فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) یک شخصیت برجسته و بزرگ و طراز اول اسلامی است؛ در حقیقت یک شخصیت طراز اول در طول تاریخ بشر است. همچنانکه از قول نبی اکرم (علیه و علی آله الصلوة والسلام) گفته شده است که به فاطمه‌ی زهرا فرمودند: «أَمَّا مَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»؛ تو سیده و بانوی همه‌ی زنان جهان در طول تاریخ هستی. خود فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) سؤال میکند: «فکیف مریم»؛ چگونه مریم سیده‌ی نساء است، که در قرآن هم تصریح شده است؟ حضرت میفرمایند مریم سیده‌ی زنان زمان خود بود و تو سیده‌ی زنان همه‌ی تاریخ هستی.^۳

فاطمه‌ی زهرا(س)؛ عدل، همپایه و همسنگ امیرالمؤمنین در ایمان

مقام معنوی این بزرگوار، نسبت به مقام جهادی و انقلابی و اجتماعی

۱. التذهیب، ج ۶، ص ۱۱۰

۲. در دیدار با مداحان اهل بیت (ع) (۷۰/۱۰/۵)

۳. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

او، باز بمراتب بالاتر است. فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) به صورت، یک بشر و یک زن، آن هم زنی جوان است؛ اما در معنا، یک حقیقت عظیم و یک نور درخشان الهی و یک بنده‌ی صالح و یک انسان ممتاز و برگزیده است. کسی است که رسول اکرم به امیرالمؤمنین (علیهما السلام) فرمود: «يَا عَلِيُّ ... أَنْتَ قَائِدُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى الْجَنَّةِ ... فَاطِمَةَ قَدْ أَقْبَلْتَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ... تَقُودُ مُؤْمِنَاتِ أُمَّتِي إِلَى الْجَنَّةِ»^۱. یعنی در روز قیامت، امیرالمؤمنین (علیه السلام) مردان مؤمن را و فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) زنان مؤمن را به بهشت الهی راهنمایی میکنند. او، عدل و همپایه و همسنگ امیرالمؤمنین است. آن کسی که وقتی در محراب عبادت می‌ایستاد، هزاران فرشته‌ی مقرب خدا، به او خطاب و سلام میکردند و تهنیت میگفتند و همان سخنی را بیان میکردند که فرشتگان، قبلاً به مریم اطهر گفته بودند؛ عرض میکردند: «يَا فَاطِمَةُ اللَّهُ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»^۲. این، مقام معنوی فاطمه‌ی زهراست. زنی، آن هم در سنین جوانی، از لحاظ مقام معنوی به جایی میرسد که بنابر آنچه که در بعضی از روایات است، فرشتگان با او سخن میگویند و حقایق را به او ارائه میدهند. محدثه است؛ یعنی کسی است که فرشتگان با او حدیث میکنند و حرف میزنند. این مقام معنوی و میدان وسیع و قلّه‌ی رفیع، در مقابل همه‌ی زنهای آفرینش و عالم است. فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) در قلّه‌ی این بلندای عظیم ایستاده و به همه‌ی زنان عالم خطاب میکند و آنها را به پیمودن این راه دعوت مینماید.^۳

انس و همسخنی با فرشتگان؛ به اعتقاد شیعه و سنی

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است: «إِنَّ فَاطِمَةَ كَانَتْ مُحَدِّثَةً» یعنی آن بزرگوار محدثه بود. یعنی فرشتگان بر او فرود می‌آمدند، با او مانوس میشدند و سخن میگفتند. در این مورد روایات متعددی در دست است.

۱. امالی صدوق، صص ۴۸۶ و ۴۸۷

۲. بحار، ج ۴۳، ص ۷۸

۳. در دیدار با جمع کثیری از زنان کشور (۶۸/۱۰/۲۶)

محدثه بودن ایشان مخصوص شیعه هم نیست. شیعه و سنی معتقدند که کسانی در دوران اسلام بوده‌اند (یا ممکن است کسانی وجود داشته باشند) که فرشتگان با آنها سخن بگویند. مصداق این کس در روایات ما فاطمه‌ی زهرا است. در این روایت امام صادق (علیه السلام) بیان شده که فرشتگان الهی می‌آمدند نزد فاطمه‌ی زهرا و با او حرف می‌زدند و آیات الهی را بر او می‌خواندند و همان تعبیراتی را که نسبت به مریم در قرآن هست که «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»^۱، فرشتگان به فاطمه‌ی زهرا خطاب می‌کردند و می‌گفتند: «يَا فَاطِمَةُ اللَّهُ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ» خدا تو را برگزیده است، خدا تو را پاک قرار داده است «واصطفيك على نساء العالمين» و تو را بر زنان عالم برتری داده است. بعد امام صادق (علیه السلام) در همین روایت می‌فرماید: یک شبی که ملائکه با آن حضرت مشغول صحبت بودند و این تعبیرات را می‌کردند، فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) به آنها فرمود: «أَلَيْسَتِ الْمُفَضَّلَةُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرِيَمٌ»^۲ یعنی آن زنی که خدای متعال فرمود که «وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» آیا او مریم نیست که خدا او را بر زنان عالم برگزید؟ ملائکه در جواب به فاطمه‌ی زهرا عرض کردند که: «مریم برگزیده بود نسبت به زنان دوران خودش و تو برگزیده هستی نسبت به زنان همه‌ی دورانها از اولین و آخرین.» این چه مقام والایی است. انسان عادی مثل ما نمیتواند این عظمت و رتبه را، حتی بدرستی در ذهن خود تصور بکند.^۳

دستیابی به اوج عظمت با محنت و مجاهدت

روایات مستند بوضوح نشان می‌دهد که صدیقیه‌ی طاهره در مقامات و مراتب بسیار بالایی سیر و عروج کرده بود تا حدی که جبرئیل امین که با عظمت‌ترین و مقرب‌ترین فرشته الهی است، برای تسلای خاطر آن حضرت بر وی نازل میشد و این حقیقت گویایی از ارزش، عظمت و اوج

۱. بحار، ج ۴۳، ص ۷۸

۲. همان

۳. در دیدار جمعی از زنان (۷۱/۹/۲۵)

یک انسان در منطق اسلام و در معیار اسلامی است. زهرای اطهر با محنت و مجاهدت به اوج عظمت دست یافت و تا آنجا پیش رفت که خداوند متعال برای خشنود کردن او جبرئیل امین را بر وی نازل کرد.^۱

نزدیکی به مرکز نور فاطمه‌ی زهرا(س) با عمل، نه با محبت خالی

این خیر کثیری که خداوند متعال در سوره‌ی مبارکه‌ی کوثر مژده‌ی آن را به پیامبر اکرم داد و فرمود: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» - که تأویل آن، فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) است - درحقیقت مجمع همه‌ی خیراتی است که روزبه‌روز از سرچشمه‌ی دین نبوی، بر همه‌ی بشریت و بر همه‌ی خلائق فرو میریزد. خپلیها سعی کردند آن را پوشیده بدارند و انکار کنند، اما نتوانستند؛ «وَاللَّهُ مَتَمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»^۲ ما باید خودمان را به این مرکز نور نزدیک کنیم؛ و نزدیک شدن به مرکز نور، لازمه و خاصیتش، نورانی شدن است. باید با عمل، و نه با محبت خالی، نورانی بشویم؛ عملی که همان محبت و همان ولایت و همان ایمان، آن را به ما املاء میکند و از ما میخواهد. با این عمل، باید جزو این خاندان و وابسته‌ی به این خاندان بشویم. اینطور نیست که قنبر در خانه‌ی علی(علیه‌السلام) شدن، کار آسانی باشد. اینگونه نیست که «سَلْمَانٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ»^۳ شدن، کار آسانی باشد. ما جامعه‌ی موالیان و شیعیان اهل‌بیت(علیهم‌السلام)، از آن بزرگواران توقع داریم که ما را جزو خودشان و از حاشیه‌نشینان خودشان بدانند؛ «فلان ز گوشه‌نشینان خاک درگه ماست». دلمان میخواهد که اهل‌بیت درباره‌ی ما اینطور قضاوت کنند؛ اما این آسان نیست؛ این فقط با ادعا به دست نمی‌آید؛ این، عمل و گذشت و ایثار و تشبّه و تخلّق به اخلاق آنان را لازم دارد.^۴

۱. در دیدار مداحان به مناسبت ولادت حضرت زهرا(س) (۷۲/۹/۱۴)

۲. سوره‌ی صف، آیه‌ی ۸

۳. بحار، ج ۱۰، ص ۱۲۳

۴. در دیدار با مداحان اهل‌بیت(ع) (۷۰/۱۰/۵)

درک وظیفه در قبال محبت به سیدة نساء العالمین

چیزی که بعد از این مراحل محبت و مجذوبیت نسبت به این بزرگوار باید متوجه باشیم، این است که هرچه به این منبع نور و معدن فضیلت، محبت بورزیم، زیاد نیست و کم است. باید ببینیم حال وظیفه‌مان در قبال این ارتباط عاطفی و قلبی چیست؟ والا، اگر این را ملاحظه و دنبال نکنیم، ممکن است خدای نکرده، این محبت، آن نتیجه‌ای را که انتظار داریم به ما ندهد. چون فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) یک موجود معمولی نیست. او یکی از برترینها در همه‌ی تاریخ بشر است. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «یا سیده نساء العالمین». بعد راوی پرسید: «هی سیده نساء عالمها؟» «آیا مادر شما، سرور زنان زمان خودش بود؟» فرمود: «ذَکَ مَرِیْمُ.» «او مریم بود که سرور زنان زمان خودش بود.» «هِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ»؛ «او سرور زنان اولین و آخرین است و منحصر به زمان خودش نیست.» یعنی اگر شما در همه‌ی خلقت عالم، بین همه‌ی این میلیاردها انسان که در طول زمان آفریده شده‌اند، یک تعداد انگشت شمار - برترینها را - بخواهید پیدا کنید، یکی همین مطهره‌ی منوره است که اسم و یاد او، ارزانی ما شده است و خدای متعال تفضل کرده است که بخشی از عمرمان را به یاد او بگذرانیم و از او بگوییم و از او بشنویم.^۲

پیروی از فاطمه‌ی زهرا(س) در عمل

ما باید این راه را برویم. ما هم باید گذشت کنیم، ایثار کنیم، اطاعت خدا کنیم، عبادت کنیم. مگر نمیگوییم که «حَتَّى تَتَوَرَّمَ قَدَمَاهَا»^۳؟ اینقدر در محراب عبادت خدا ایستاد! ما هم باید در محراب عبادت بایستیم. ما هم باید ذکر خدا بگوییم. ما هم باید محبت الهی را در دلمان روزبه‌روز زیاد کنیم. مگر نمیگوییم که با حال ناتوانی به مسجد رفت، تا حقی را احقاق

۱. امالی صدوق، ص ۱۲۵

۲. در دیدار جمعی از زنان (۷۱/۹/۲۵)

۳. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴۱

کند؟ ما هم باید در همه‌ی حالات تلاش کنیم، تا حق را احقاق کنیم. ما هم باید از کسی نترسیم. مگر نمیگوییم که یک‌تنه در مقابل جامعه‌ی بزرگ زمان خود ایستاد؟ ما هم باید همچنان که همسر بزرگوارش فرمود «لا تستوحشوا فی طریق الهدی لقلّة أهله»^۱، از کم بودن تعدادمان در مقابل دنیای ظلم و استکبار نترسیم و تلاش کنیم. مگر نمیگوییم که آن بزرگوار کاری کرد که سوره‌ی دهر درباره‌ی او و شوهر و فرزندان‌ش نازل شد؟ ایثار نسبت به فقرا و کمک به محرومان، به قیمت گرسنگی کشیدن خود؛ «يُؤْتِرُونَ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»^۲ ما هم باید همین کارها را بکنیم. این نمیشود که ما دم از محبت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) بزنیم، در حالی که آن بزرگوار برای خاطر گرسنگان، نان را از گلوی خود و عزیزانش - مثل حسن و حسین (علیهم السلام) و شوهر بزرگوارشان (علیه السلام) - برید و به آن فقیر داد؛ نه یک روز، نه دو روز؛ سه روز! ما میگوییم پیرو چنین کسی هستیم؛ ولی ما نه فقط نان را از گلوی خود نمیبریم که به فقرا بدهیم، اگر بتوانیم، نان را از گلوی فقرا هم میبریم! این روایاتی که در «کافی» شریف و بعضی از کتب دیگر در باب علامات شیعه هست، ناظر به همین است؛ یعنی شیعه بایستی آنطوری عمل کند. ما باید زندگی آنها را در زندگی خود - ولو بصورت ضعیف - نمایش بدهیم. ما و از ما بزرگترها کجا، آن آستان بلند کجا؟ معلوم است که ما حتی به حدود دوردست او هم نمی‌رسیم؛ اما باید تشبّه کنیم. نمیشود در نقطه‌ی مقابل زندگی اهل بیت حرکت کنیم، ولی ادعا کنیم که ما جزو موالیان اهل بیتیم! چنین چیزی ممکن است؟ فرض بفرمایید کسی در زمان امام بزرگوار ما، از دشمنان این ملت - که امام دائم علیه آنها حرف میزد - تبعیت میکرد؛ آیا او میتوانست بگوید من تابع امامم؟! اگر چنین چیزی از زبان کسی صادر میشد، آیا شماها نمی‌خندیدید؟! همین قضیه در باب اهل بیت (علیهم السلام) هم هست.^۳

۱. بحار ج ۲ ص ۲۶۶

۲. سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۹

۳. در دیدار با مداحان اهل بیت (ع) (۷۰/۱۰/۵)

کوثر فزاینده‌ی پیامبر

قال الله الحكيم في كتابه: «بسم الله الرحمن الرحيم، اَنَا أَعْطَيْتَاكَ الْكَوْثَرَ، فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ، إِنَّ شَانِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ». دشمن پیامبر، پیامبر را تنها و تمام‌شدنی گمان می‌کردند. چون پیغمبر اکرم فرزند پسر نداشت، با خود می‌اندیشیدند دشمنان اسلام، که پیغمبر از دنیا می‌رود و کسی ندارد که جای او را بگیرد، دلخوش بودند که نسل پیغمبر خواهد افتاد. خدای متعال به پیغمبر فرمود: «أَنَا أَعْطَيْتَاكَ الْكَوْثَرَ». یعنی ما به تو چیزی عطا کردیم که فزاینده است، روز به روز رو به گسترش و توسعه است. آن چیز اگر قرآن است و اگر اسلام است و اگر دختر با برکت پیغمبر یعنی حضرت صدیقه‌ی طاهره (سلام‌الله‌علیها) است به راستی فزاینده و رو به توسعه بود. همان نقطه‌ای که دشمن پیغمبر آن را وسیله نابودی و زوال‌پذیری پیغمبر میدانست، درست همان نقطه، وسیله‌ی توسعه و گسترش پیغمبر شد. فرزندان فاطمه جهان اسلام را پر کردند. امامان، بحق، پرچم اسلام را برافراشتند. شهیدان بزرگ، نام‌آوران تاریخ اسلام از نسل پیغمبر، فرزندان فاطمه دنیا را از نام و آوازه‌ی اسلام انباشتند.^۱

حضرت زهرا(س)؛ تأویل کوثر

این تعبیر کوثر که در آیه‌ی شریفه، به حضرت زهرا(سلام‌الله‌علیها) تأویل شده است، به معنای واقعی کلمه از هر طرفی که نگاه کنیم این بزرگوار، کوثرند و کوثر یعنی همینطور فزاینده، خیر کثیری که دائم دارد افزایش پیدا میکند. شما خودتان جزو شاخه‌های آن کوثرید. هر کسی که آن پیام و آن معنویّت را بنحوی پیش ببرد و اشاعه بدهد، جزو همان کوثر است؛ یعنی جزو قطرات همین کوثری است که دارد بر سر و روی مردم میریزد و نازل میشود. تا امروز ادامه داشته و باز هم ادامه خواهد داشت.^۲

۱. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۵۹/۸/۲۳)

۲. در دیدار با جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان (۷۷/۲/۷)

دنباله‌ی معنوی و مادی پیامبر(ص) در وجود فاطمه

وقتی که پسران نبی اکرم در مکه یکی پس از دیگری از دنیا رفتند، دشمنان شمت‌تگر اسلام و پیامبر - که ارزشهایشان منحصر در مال و ثروت و فرزند و جاه و جلال دنیایی بود - پیامبر را شمت‌ت کردند و گفتند تو ابر هستی - یعنی بی‌دنباله - و با مرگ تو، همه چیز از آثار و نشانه‌های وجود تو تمام خواهد شد! خداوند متعال این سوره را بر پیامبر نازل کرد، تا هم قلب پیامبر را تسلی دهد، هم حقیقتی را برای آن بزرگوار و برای مسلمانان روشن کند؛ لذا فرمود: «أَنَا أَعْطَيْتَكَ الْكُوْثَرَ»؛ ما به تو کوثر بخشیدیم؛ آن حقیقت عظیم و کثیر و فزاینده.

مصدق کوثر برای نبی اکرم، چیزهای گوناگون است. یکی از برجسته‌ترین مصادیق کوثر، وجود مقدس فاطمه‌ی زهراست که خداوند متعال در این وجود مبارک، دنباله‌ی معنوی و مادی پیامبر را قرار داد. برخلاف تصوّر دشمنان ملامتگر، این دختر بابرکت و این وجود ذی‌جود، آنچنان مایه‌ی بقای نام و یاد و مکتب و معارف پیامبر شد که از هیچ فرزند برجسته و باعظمتی، چنین چیزی مشاهده نشده است. اولاً از نسل او یازده امام و یازده خورشید فروزان، معارف اسلامی را بر دلهای آحاد بشر تابانیدند؛ اسلام را زنده کردند، قرآن را تبیین کردند، معارف را گسترانیدند، تحریفها را از دامن اسلام زدودند و راه سوء استفاده‌ها را بستند. یکی از این یازده امام، حسین بن علی (علیه‌السلام) است که پیامبر طبق روایت فرمود: «انا من حسین^۱ و حسین سفینه النجاة و مصباح الهدی»^۲. با آن همه آثار و برکاتی که در آن شخصیت، در آن شهادت و بر آن قیام در تاریخ اسلام مترتب شده است، او یکی از ذراره‌های فاطمه‌ی زهراست. یکی از این خورشیدهای فروزان، امام باقر و یکی دیگر امام صادق (علیهما السلام) است که معارف اسلامی، مرهون

۱. کامل الزیارات، ص ۳۵

۲. در بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۵۰۲، تعبیر بدین گونه است: «ان الحسین بن علی فی السماء اکبر منه فی الارض، فانه مکتوب عن یمین عرش الله: مصباح هدی و سفینه النجاة و امام غیر و هن و»

زحمات آنهاست. نه فقط معارف شیعی که ائمه‌ی معروف اهل سنت، یا بی‌واسطه، یا باواسطه، بهره‌مندان از فیض دانش آنها هستند. این کوثر فزاینده‌ی روزبه‌روز درخشانده‌تر، نسل عظیم پیامبر را در تمام اقطار اسلامی پراکند و امروز هزاران، بلکه هزاران هزار خاندانهای مشخص شناخته شده در همه‌ی دنیای اسلام، نمودار بقای نسل جسمانی آن بزرگوارند؛ همچنانکه هزاران مشعل هدایت در دنیا نمودار بقای معنوی آن مکتب و آن وجود مقدّسند. این کوثر، فاطمه‌ی زهراست. سلام خدا بر او، درود همه‌ی انبیا و اولیا و فرشتگان و آفریدگان پروردگار بر او تا روز قیامت.^۱

حضرت فاطمه(س)؛ عمده‌ترین عامل بقای اسلام

با میلاد حضرت فاطمه‌ی زهرا اسلام تداوم یافت و نفوذ اسلام به برکت وجود حضرت فاطمه در تاریخ و از طریق اولاد زهرا باقی ماند و عمده‌ترین بقای اسلام از طریق فاطمه است.^۲

فاطمه‌ی زهرا(س)؛ افتخار اسلام در رتبه‌ی پیغمبر و امام

فاطمه‌ی زهرا، صدّیقه‌ی کبری(سلام‌الله‌علیها)، بزرگترین بانوی تاریخ بشر، افتخار اسلام، افتخار این دین و افتخار این امت است. مقام فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) از جمله‌ی آن مقاماتی است که تصور آن برای انسانهای معمولی، انسانهای متعارف - امثال ماها - یا ممکن نیست، یا دشوار است؛ معصوم است دیگر. نه به حسب مسؤولیت رسمی، پیغمبر است؛ نه به حسب مسؤولیت رسمی، امام و جانشین پیغمبر است؛ اما در رتبه، در حدّ پیغمبر و امام است. ائمه‌ی هدی(علیهم‌السلام) نام مبارک فاطمه‌ی زهرا را با عظمت و با تجلیل میبردند؛ از معارف صحیفه‌ی فاطمی نقل میکردند؛ اینها چیزهای بسیار عظیمی است. فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) این است.^۳

۱. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۷۸/۷/۹)

۲. در مراسم گرامیداشت میلاد حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) (۶۶/۱۱/۲۰)

۳. در دیدار با مدّاحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه(س) (۸۹/۳/۱۳)

شَطّ خروشان ائمه؛ سرازیر از چشمه‌ی کوثر و چشمه‌ی جوشان فاطمه (س)

درباره‌ی مقامات صدّیقه‌ی طاهره (سلام الله علیها) زبان و گفتار ما یارای بیان ندارد؛ نمیشود توصیف کرد؛ وصف او از حدّ این قالبهای معمولی بیانی ما بالاتر است؛ اما با زبان هنر تا حدودی میشود ذهنها را نزدیک برد؛ اینکه بنده روی مدّاحی و شعر و سرودهای اسلامی تکیه میکنم، به همین خاطر است. با بال و پر هنر میشود مقداری ذهن را نزدیک کرد، ولی به حقیقت آنها در مقام توصیف نمیشود رسید. البتّه کسانی که دلها و عملشان را پاک کنند، جسم و جان خودشان را تطهیر کنند، تقوا و پرهیزکاری و پاکدامنی را پیشه‌ی خودشان کنند و خودشان را تربیت کنند و مقداری از این آلودگی‌ای که بنده و امثال بنده دچارش هستیم، خودشان را بیرون بیاورند، چشمهایشان میتواند ببیند؛ اما باز آنها هم نمیتوانند توصیف کنند، لیکن دلهای پاک و چشم دل بینای آنها میتواند انوار قدسیه‌ی اهل بیت و از جمله صدّیقه‌ی کبری (سلام الله علیها) را تا حدودی از نزدیک ببیند و مقامات آنها را درک کند. ما نشانه‌هایی داریم. اینکه از قول پیغمبر اکرم نقل شده است که: «فداها ابوها»، خودش یک نشانه است. اینکه در روایت دارد که وقتی فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) وارد خانه‌ی پیغمبر میشد، یا آنجایی که پیغمبر نشسته بودند وارد میشد، «قام الیها» - حضرت پیش پای او بلند میشد؛ به طرف او میرفت - این یک نشانه است؛ اینها عظمت است. اینکه همه‌ی دنیای اسلام از آن روز تا امروز - شیعه و سنی فرقی ندارد - این بانوی بزرگوار را با چشم عظمت و جلالت نگاه میکنند، این هم خودش یکی از آن نشانه‌ها و علامتهاست. امکان ندارد که همه‌ی عقلا، علما و متفکران با نحله‌ها و عقاید مختلف در همه‌ی تاریخ یک امت و ملت، بر مدح و ستایش یک مرکز متفق‌القول باشند. این نیست مگر عظمت توصیف‌ناپذیر آن مرکز؛ این خودش یک علامت است. همه‌ی این عظمتها مربوط به یک بانوی هجده ساله؛ یک دختر جوان است! بیشترین سنی که برای فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) طبق تواریخ مختلف گفته میشود، از هجده سال است تا



بیست و دو سال. از آن تکریمی که امیرالمؤمنین برای ایشان قائل است، و از آن تکریمی که در روایات و کلمات همه‌ی ائمه (علیهم السلام) درباره‌ی فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) آمده، انسان میفهمد که چه عظمت و شیفتگی‌ای در کلمات ائمه نسبت به فاطمه‌ی زهرا موج میزند. هر یک از ائمه شطّ خروشان‌ی هستند که فضای معرفت و استعدادهای بشری را سیراب و بارور کرده‌اند و همه‌ی این جویبارها از این چشمه سرازیر میشوند؛ چشمه‌ی جوشان فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها). روایات صادقین (علیهم السلام)، عظمت حضرت رضا و موسی بن جعفر و ائمه‌ی بعدی، مقام والای حضرت بقیّة الله (ارواحنا فداه)، همه جویبارهای آن کوثرند؛ آن کوثر تمام نشدنی، آن چشمه‌ی جوشان؛ برکات فاطمه‌ی زهرا اینهاست.^۱

بشریّت، مرهون فاطمه‌ی زهرا (س)

فیوضات فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها)، به مجموعه‌ی کوچکی که در مقابل مجموعه‌ی انسانیت، جمع محدودی بحساب می‌آید، منحصر نمیشود. اگر با یک دید واقع‌بین و منطقی نگاه کنیم، بشریّت یکجا مرهون فاطمه‌ی زهرا است و این گزاف نیست؛ حقیقتی است همچنان که بشریّت مرهون اسلام، مرهون قرآن، مرهون تعلیمات انبیا و پیامبر خاتم است. در همیشه تاریخ اینطور بوده، امروز هم همینطور است و روز به روز اسلام و معنویّت فاطمه‌ی زهرا آشکارتر خواهد شد و بشریّت آن را لمس خواهد کرد.^۲

بالا تر بودن شخصیّت فاطمه‌ی زهرا (س) از حضرت مریم، هاجر و

ساره

مثال زن مؤمن را ما میبینیم زن فرعون در قرآن آورده، یکی دو تا زن دیگر هم در قرآن مطرح میشوند مثل حضرت مریم، مثل جناب هاجر،

۱. در دیدار با مدّاحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) (۸۳/۵/۱۷)

۲. در دیدار با مدّاحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) (۷۰/۱۰/۵)

مثل جناب سارا یا ساره، اوّلی مادر اسماعیل و دوّمی مادر اسحاق، همسر ابراهیم. اینها مطرح میشوند بعنوان زنهای برجسته امّا ما اگر چه از زندگی آنها چیز زیادی نمیدانیم امّا با آن مقدار معرفتی که دربارهی آنها داریم وقتی آنها را مقایسه میکنیم با فاطمه‌ی زهرا دختر پیغمبر میبینیم فاطمه‌ی زهرا از همه‌ی آن زنها به مراتب بالاتر است، هم از جهت معنویّت و دانش الهی و عرفان الهی، هم از جهت مبارزه و تحمّل زحمات و سختیها و هم از جهت اداره‌ی یک خانواده به شکل کاملاً مطلوب، یک زندگی فقیرانه را اینجور شاد، این جور پرهیجان، اینجور سرشار از حیویت و نشاط اداره کردن، این هنر خاصّ فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است، آنجور فرزندان را از این خانواده صادر کرده.^۱

بانوی بزرگ تاریخ بشر

می‌لاد بانوی بزرگ تاریخ بشر و برجسته‌ترین زن شناخته شده در همه‌ی عمر انسانیت، حضرت زهرا را به شما خانمها و همه‌ی زنان کشورمان و به زنان مسلمان و همه‌ی امّت اسلامی تبریک عرض میکنم. خداوند - إن شاء الله - به همه ما توفیق بدهد که بتوانیم پیروان خوبی برای آن بزرگوار و خاندان پاک ایشان باشیم. اولاد آن حضرت، ائمه و پیشوایان ما هستند؛ ان شاء الله که ما مأمومان خوبی برای آن بزرگوار باشیم.^۲

۸- الگوی عاشورایی زن

خصوصیّات حضرت زینب(س)؛ الگوی تاریخی زن مسلمان

زینب کبری (سلام الله علیها) برای زنان ما در طول تاریخ یک الگوست؛ عقل و متانت، قدرت و شجاعت، شور و احساس عاطفی، صراحت زبان، متانت دل، استواری روح؛ درعین حال، مادرانه، خواهرانه، با همه‌ی انسانها برخورد

۱. در سمینار نقش زن در جامعه در دانشگاه تربیت معلّم (۶۴/۱۲/۱۰)

۲. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (۶۹/۱۰/۱۶)

کردن، در محیط خانه شمع محبت را روشن نگه داشتن، همسر و فرزندان را بر سر سفره‌ی محبت و عاطفه‌ی خود دور هم جمع کردن؛ اینها خصوصیات زن مسلمان است.^۱

الگوی زن مسلمان برای حضور در همه‌ی میدانها

زن مسلمان در میدان سیاست قدم میگذارد، در میدان علم قدم میگذارد، در میدان جهاد قدم میگذارد، بر منبر تدریس مینشیند، گاهی سخن او و ندای علمانه او قرن‌ها را دینوردد فاصله‌ها را طی میکند و به نسل‌های بعد میرسد کما اینکه شما امروز سخن زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) را درس بزرگ مشاهده میکنید در همه‌ی زمینه‌ها، درس ایستادگی، درس شجاعت، درس قدرت معنوی و روحی. این چه قدرتی است که این بزرگوار که گویا این ایام، ایام شهادت آن بزرگوار هم هست در مقابل طاغوت‌های بیرحم بی‌ملاحظه‌ی گستاخ زمان خود با آن قدرت می‌ایستد و حرف خود را میزند و این حرف را ماندگار میکند در تاریخ «لَا تَمُحُو ذِكْرَنَا»^۲ یا زنان دیگر اهل بیت (سلام‌الله‌علیها) که هر کدام یک الگویی هستند، حتی در میدان جهاد هم همین‌جور است، در میدان مبارزات هم همین‌جور است و ما این را در کشور خودمان در میدان‌های مختلف مشاهده کردیم. رشحه‌ای از آن معنویت بر سر این ملت پاشیده شد و آن حرکت عظیم زن ایرانی را در انقلاب، در جنگ، در عرصه‌های مختلف پدید آورد و نشان داد این است رسالت زنان که امروز کار میکنند. حمل این روحیه، پروردن این فکر در ذهن، هم خانم‌هایی که مشغول تحصیل علوم دینی هستند، هم خانم‌هایی که در بخش‌های دیگر مشغولند و از تربیت دینی و ارزش‌های دینی پایبندی‌های دینی بشدت پاسداری میکنند و حراست میکنند.^۳

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم (۸۴/۳/۲۵)

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۰

۳. در دیدار با خواهران طلبه و فرهنگی قم (۷۴/۹/۱۶)

الگوی رهبران، دانشمندان و قهرمانان تاریخ

حضرت زینب (سلام الله علیها) برای زنان ما یک الگوست. نه اینکه فقط زنان باید از حضرت زینب یاد بگیرند؛ چون شخصیتی مثل زینب کبری (سلام الله علیها)، با این عظمت و برجستگی، مال یک جنس و قشر خاص نیست. او الگوست تا همه‌ی برجستگان دنیا از وی درس بگیرند. شخصیت‌های بزرگ، قهرمان‌های تاریخی، دانشمندان برجسته و همه‌ی رهبران جوامع بشری باید از زینب کبری (سلام الله علیها) درس بگیرند. شخصیت او بالاتر از این حرف‌هاست.^۱

نقش تاریخساز حضرت زینب (س)

زینب کبری (سلام الله علیها) یک نمونه‌ی برجسته‌ی تاریخ است که عظمت حضور یک زن را در یکی از مهم‌ترین مسائل تاریخ نشان می‌دهد. اینکه گفته میشود در عاشورا، در حادثه‌ی کربلا، خون بر شمشیر پیروز شد - که واقعاً پیروز شد - عامل این پیروزی، حضرت زینب بود؛ و الا خون در کربلا تمام شد. حادثه‌ی نظامی با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصه‌ی عاشورا به پایان رسید؛ اما آن چیزی که موجب شد این شکست نظامی ظاهری، تبدیل به یک پیروزی قطعی دائمی شود، عبارت بود از منش زینب کبری؛ نقشی که حضرت زینب بر عهده گرفت؛ این خیلی چیز مهمی است. این حادثه نشان داد که زن در حاشیه‌ی تاریخ نیست؛ زن در متن حوادث مهم تاریخی قرار دارد. قرآن هم در موارد متعددی به این نکته ناطق است؛ لیکن این مربوط به تاریخ نزدیک است، مربوط به امم گذشته نیست؛ یک حادثه‌ی زنده و ملموس است که انسان زینب کبری (سلام الله علیها) را مشاهده میکند که با یک عظمت خیره‌کننده و درخشنده‌ای در عرصه ظاهر میشود؛ کاری میکند که دشمنی که به حسب ظاهر در کارزار نظامی پیروز شده است و مخالفین خود را قلع و قمع کرده است و بر تخت پیروزی تکیه زده است،

۱. در دیدار جمعی از پرستاران (۷۴/۷/۱۲)

در مقرر قدرت خود، در کاخ ریاست خود، تحقیر و تذلیل داغ ننگ ابدی را به پیشانی او میزند و پیروزی او را تبدیل میکند به یک شکست؛ این کار زینب کبری (سلام الله علیها) است. زینب (سلام الله علیها) نشان داد که میتوان حجب و عفاف زنانه را تبدیل کرد به عزت مجاهدانه، به یک جهاد بزرگ.^۱

لزوم درک شرایط زمانه و کار حضرت زینب (س) برای فهم عظمت او

شخصیت حضرت زینب (صلی الله علیه وآله) را نمیشود در چند جمله ترسیم کرد، حتی حکایت آن در جملات فراوان، در شعرهای طولانی واقعاً باز ممکن نیست، کسی باید آن شرایط را ببیند، لمس کند، اوضاع و احوال جامعه را هم بداند، کاری را هم که زینب کرد آن را هم درک کند تا بفهمد زینب چقدر عظمت داشته. از دور و با زبان و با اشاره و با این حرفها حق زینب کبری (سلام الله علیها) واقعاً ادا شدنی نیست.^۲

عظمت حضرت زینب (س) بخاطر نوع تصمیم و حرکت او

زینب کبری (سلام الله علیها) یک زن بزرگ است. عظمتی که این زن بزرگ در چشم ملت‌های اسلامی دارد، از چیست؟ نمیشود گفت بخاطر این است که دختر علی بن ابیطالب (علیه السلام)، یا خواهر حسین بن علی و حسن بن علی (علیهم السلام) است. نسبتها هرگز نمیتوانند چنین عظمتی را خلق کنند. همه‌ی ائمه‌ی ما، دختران و مادران و خواهرانی داشتند؛ اما کو یک نفر مثل زینب کبری؟

ارزش و عظمت زینب کبری، بخاطر موضع و حرکت عظیم انسانی و اسلامی او بر اساس تکلیف الهی است. کار او، تصمیم او، نوع حرکت او، به او اینطور عظمت بخشید. هر کس چنین کاری بکند، ولو دختر امیرالمؤمنین هم نباشد، عظمت پیدا میکند. بخش عمده‌ی این عظمت از اینجاست که

۱. در دیدار با گروه کثیری از پرستاران نمونه‌ی کشور (۸۹/۲/۱)

۲. در دیدار با عده‌ای از پرستاران و گروههایی از خواهران (۶۵/۱۰/۱۵)

اولاً موقعیت را شناخت؛ هم موقعیت قبل از رفتن امام حسین (علیه السلام) به کربلا، هم موقعیت لحظات بحرانی روز عاشورا، هم موقعیت حوادث کشنده بعد از شهادت امام حسین را؛ و ثانیاً طبق هر موقعیت، یک انتخاب کرد. این انتخابها زینب را ساخت. قبل از حرکت به کربلا، بزرگانی مثل ابن عباس و ابن جعفر و چهره‌های نامدار صدر اسلام، که ادعای فقاقت و شهادت و ریاست و آقازادگی و امثال اینها را داشتند، گنج شدند و نفهمیدند چه کار باید بکنند؛ ولی زینب کبری (سلام الله علیها) گنج نشد و فهمید که باید این راه را برود و امام خود را تنها نگذارد؛ و رفت. نه اینکه نمیفهمید راه سختی است؛ او بهتر از دیگران حس میکرد. او یک زن بود؛ زنی که برای مأموریت، از شوهر و خانواده‌اش جدا میشود؛ و به همین دلیل هم بود که بچه‌های خردسال و نوباوگان خود را هم به همراه برد؛ حس میکرد که حادثه چگونه است. در آن ساعتهای بحرانی که قویترین انسانها نمیتوانند بفهمند چه باید بکنند، او فهمید و امام خود را پشتیبانی کرد و او را برای شهید شدن تجهیز نمود. بعد از شهادت حسین بن علی هم که دنیا ظلمانی شد و دلها و جانها و آفاق عالم تاریک گردید، این زن بزرگ یک نوری شد و درخشید. زینب (سلام الله علیها) به جایی رسید که فقط والاترین انسانهای تاریخ بشریت یعنی پیامبران میتوانند به آنجا برسند.^۱

معرفت حضرت زینب (س)؛ دلیل عظمت او نسبت به زنان دیگر

عظمت و ارزش زینب کبری (سلام الله علیها) به صبر و تحملش نیست. در آن اردوگاه خانمها هر کس بود صبر کرد، صبر نمیکردند چه کار میکردند. ارزش و اهمیت زینب کبری (سلام الله علیها) به معرفتش بود، به آگاهی‌اش بود، به این بود که میفهمید دارد چه کار میکند، میفهمید چه عمل عظیمی را دارد با این حضور خودش، با این صبر خودش انجام میدهد این مهم است. بعضی خانمهای دیگر هم شاید در آن روز بودند که فرزندشان، شوهرشان

۱. در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت روز پرستار (۷۰/۸/۲۲)

هم شهید شده بود، مگر تحملش کار آسانی است، تحمل هم میکردند اما نمیفهمیدند این صبر چه نقشی در تاریخ اسلام دارد. شما ببینید زینب (سلام الله علیها) چه کرد. اگر زینب (سلام الله علیها) نبود قضیه‌ی کربلا ماستمالی شده بود، از بین رفته بود، سکوت بود، ظلمات تبلیغاتی بود، آن کسی که این ظلمات را برطرف کرد، آن برقی که در آن تاریکی درخشید، بیان زینب (سلام الله علیها) بود، زینب (سلام الله علیها) میفهمید دارد چه کار میکند.^۱

عظمت زینب (س) در ارائه‌ی تحلیل و آسیب‌شناسی جامعه‌ی کوفه

آنچه که از بیانات زینب کبری (سلام الله علیها) باقی مانده است و امروز در دسترس ماست، عظمت حرکت زینب کبری (سلام الله علیها) را نشان میدهد. خطبه‌ی فراموش‌نشدنی زینب کبری (سلام الله علیها) در بازار کوفه یک حرف زدن معمولی نیست، اظهارنظر معمولی یک شخصیت بزرگ نیست؛ یک تحلیل عظیم از وضع جامعه‌ی اسلامی در آن دوره است که با زیباترین کلمات و با عمیقترین و غنیترین مفاهیم در آن شرایط بیان شده است. قوت شخصیت را ببینید؛ چقدر این شخصیت قوی است. دو روز قبل در یک بیابان، برادر او را، امام او را، رهبر او را با این همه عزیزان و جوانان و فرزندان و اینها از بین برده‌اند، این جمع چند ده نفره‌ی زنان و کودکان را اسیر کرده‌اند، آورده‌اند در مقابل چشم مردم، روی شتر اسارت، مردم آمده‌اند دارند تماشا میکنند، بعضی هلله می‌کنند، بعضی هم گریه میکنند؛ در یک چنین شرایط بحرانی، ناگهان این خورشید عظمت طلوع میکند؛ همان لحنی را به کار میبرد که پدرش امیرالمؤمنین بر روی منبر خلافت در مقابل امت خود به کار میبرد؛ همانجور حرف میزند؛ با همانجور کلمات، با همان فصاحت و بلاغت، با همان بلندی مضمون و معنا: «يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، يَا أَهْلَ الْغَدْرِ وَالْحَتْلِ»^۲؛ ای خدعه‌گرها، ای کسانی که تظاهر کردید! شاید خودتان باور هم کردید که دنباله‌رو اسلام و اهل بیت هستید؛ اما در امتحان

۱. در دیدار با جامعه‌ی حضرت زینب (س) (۶۶/۱۱/۲۷)

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۳۰۴

اینجور کم آوردید، در فتنه اینجور کوری نشان دادید. «هَلْ فِيكُمْ إِلَّا الصَّلْفُ وَالْعُجْبُ وَالشَّنْفُ وَالْكَذِبُ وَمَلَقُ الْإِمَاءِ وَغَمَزُ الْأَعْدَاءِ»^۱ شما رفتارتان، زبانتان با دلتان یکسان نبود. به خودتان مغرور شدید، خیال کردید ایمان دارید، خیال کردید همچنان انقلابی هستید، خیال کردید همچنان پیرو امیرالمؤمنین هستید؛ در حالیکه واقع قضیه این نبود. نتوانستید از عهده‌ی مقابله‌ی با فتنه بر بیایید، نتوانستید خودتان را نجات دهید. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَصَتْ غَزَاهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا»^۲؛ مثل آن کسی شدید که پشم را میریسد، تبدیل به نخ میکند، بعد نخها را دوباره باز میکند، تبدیل میکند به همان پشم یا پنبه‌ی نریسیده. با بی‌بصیرتی، با نشناختن فضا، با تشخیص ندادن حق و باطل، کرده‌های خودتان را، گذشته‌ی خودتان را باطل کردید. ظاهر، ظاهر ایمان، دهان پر از ادعای انقلابیگری؛ اما باطن، باطن پوچ، باطن بی‌مقاومت در مقابل بادهای مخالف. این، آسیب‌شناسی است.

با این بیان قوی، با این کلمات رسا، آن هم در آن شرایط دشوار، اینگونه صحبت میکرد. اینجور نبود که یک عده مستمع جلوی حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) نشسته باشند، گوش فرا داده باشند، او هم مثل یک خطیبی برای اینها خطبه بخواند؛ نه، یک عده دشمن، نیزه‌داران دشمن دور و برشان را گرفته‌اند؛ یک عده هم مردم مختلف‌الحال حضور داشتند؛ همانهایی که مسلم را به دست ابن‌زیاد دادند، همانهایی که به امام حسین نامه نوشتند و تخلف کردند، همانهایی که آن روزی که باید با ابن‌زیاد در می‌افتادند، توی خانه‌هایشان مخفی شدند - اینها بودند توی بازار کوفه - یک عده هم کسانی بودند که ضعف نفس نشان دادند، حالا هم نگاه میکنند، دختر امیرالمؤمنین را میبینند، گریه میکنند. حضرت زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) با این عده‌ی ناهمگون و غیر قابل اعتماد مواجه است، اما اینجور محکم حرف میزند. او زن تاریخ است؛ این زن، دیگر ضعیفه نیست. نمیشود زن را ضعیفه دانست. این جوهر زنانه‌ی مؤمن، اینجور خودش را در شرایط دشوار نشان

۱. همان

۲. همان

میدهد. این زن است که الگوست؛ الگو برای همه‌ی مردان بزرگ عالم و زنان بزرگ عالم. انقلاب نبوی و انقلاب علوی را آسیب‌شناسی میکند؛ میگوید شماها نتوانستید در فتنه، حق را تشخیص بدهید؛ نتوانستید به وظیفه‌تان عمل کنید؛ نتیجه این شد که جگرگوشه‌ی پیغمبر سرش بر روی نیزه رفت. عظمت زینب (سلام‌الله‌علیها) را اینجا میشود فهمید.^۱

عظمت و شکوه معنوی زینب در برابر حوادث بزرگ

البته شخصیت زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) منحصر در بُعد غمگساری و پرستاری آن بزرگوار نیست. زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) یک نمونه‌ی کامل از زن مسلمان است؛ یعنی الگویی که اسلام برای تربیت زنان، آن را در مقابل چشم مردم دنیا قرار داده است. زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) دارای شخصیت چند بُعدی است؛ دانا و خبیر و دارای معرفت والا و یک انسان برجسته است که هر کس با آن بزرگوار مواجه میشود، در مقابل عظمت دانی و روحی و معرفت او احساس خضوع میکند. شاید مهم‌ترین بُعدی که شخصیت زن اسلامی میتواند آن را در مقابل چشم همه قرار دهد - تأثیری که از اسلام پذیرفته - این بُعد است. شخصیت زن اسلامی به برکت ایمان و دل سپردن به رحمت و عظمت الهی، آنچنان سعه و عظمتی پیدا میکند که حوادث بزرگ در مقابل او، حقیر و ناچیز میشود. در زندگی زینب کبری، این بُعد از همه بارزتر و برجسته‌تر است. حادثه‌ای مثل روز عاشورا نمیتواند زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) را خرد کند. شکوه و حشمت ظاهری دستگاه ستمگر جباری مثل یزید و عبیدالله بن زیاد نمیتواند زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) را تحقیر کند. زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) در مدینه - که محل استقرار شخصیت باعظمت اوست - و در کربلا - که کانون محنتهای اوست - و در کاخ جبارانی مثل یزید و عبیدالله بن زیاد، همان عظمت و شکوه معنوی را با خود حفظ میکند و شخصیت‌های دیگر در مقابل او تحقیر میشوند. یزید و عبیدالله بن زیاد - این

۱. در دیدار با گروه کثیری از پرستاران (۸۹/۲/۱)

مغروران ستمگر زمان خود - در مقابل این زن اسیر و دست‌بسته، تحقیر میشوند. زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) شور عاطفهی زنانه را همراه کرده است با عظمت و استقرار و متانت قلب یک انسان مؤمن و زبان صریح و روشن یک مجاهد فی سبیل‌الله و زلال معرفتی که از زبان و دل او بیرون می‌تراود و شنوندگان و حاضران را مبهوت میکند. عظمت زنانه‌اش، بزرگان دروغین ظاهری را در مقابل او حقیر و کوچک میکند. عظمت زنانه، یعنی این؛ یعنی مخلوطی از شور و عاطفهی انسانی، که در هیچ مردی نمیتوان این عاطفهی شورانگیز را سراغ داد؛ همراه با متانت شخصیت و استواری روح که همهی حوادث بزرگ و خطیر را در خود هضم میکند و روی آتشیهای گداخته، شجاعانه قدم میگذارد و عبور میکند؛ درعین حال، درس میدهد و مردم را آگاهی میبخشد؛ درعین حال، امام زمان خود - یعنی امام سجّاد (علیه السلام) - را مانند یک مادر مهربان آرامش و تسلاً میبخشد؛ درعین حال، با کودکان برادر و بچه‌های پدر از دست داده‌ی آن حادثهی عظیم، در میان آن طوفان شدید، مثل سدّ مستحکمی برای آنها امنیت و آرامش و تسلاً ایجاد میکند. بنابراین زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) یک شخصیت همه‌جانبه بود. اسلام زن را به این طرف سوق میدهد.^۱

اداره‌ی عظیمترین حوادث با حکیمانه ترین روش در سخت‌ترین

شرایط

مادر شهید عزیزانش را در راه خدا داده اما میلیونها انسان، میلیونها چشم با تحسین به او نگاه میکنند، جامعه او را در اوج افتخار مینشانند، زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) اینجوری نبود. در یک جامعه‌ای که یک نفر در سرتاسر این جامعه نبود که جرأت داشته باشد به او بگوید آفرین.

در یک چنین دنیای سختی همانقدر که شهادت حسین (علیه‌السلام) در آن

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم (۸۴/۳/۲۵)

دنیای کذایی و در آن جامعه ممتاز بود و با همه‌ی شهادتها تا امروز، همانقدر هم حرکت زینب (سلام‌الله‌علیها) عظمت داشت. یک چنین غم بزرگ، یک چنین حادثه‌ی سنگین و کوبنده که انسانهای بزرگ را در هم میپيچد.

■ آن وقت دهها حادثه‌ی آنچنان سنگین و تلخ برای یک خانم پیش می‌آید و او نه فقط خرد نمیشود، له نمیشود، ناتوان از تصمیمگیری نمیشود بلکه به بهترین وجه، اوضاع و احوال را اداره میکند و این کشتی را که تکه پاره شده، در تلاطم امواج خرد شده، این را با کمال قدرت و مهارت هدایت میکند، حفظ میکند، کنترل میکند و به سرمنزل میرساند، این عظمت زینب (سلام‌الله‌علیها) است.

عظمت زینب (سلام‌الله‌علیها) صبرش فقط نیست. عظمت زینب (سلام‌الله‌علیها) در جمع شدن تمام خصوصیات برجسته‌ی یک انسان بزرگ، شخصیت‌های عظیم تاریخ در این خانم است که در طول این چند روز از روزهای آخر دهه‌ی محرم تا برگشتن به مدینه، که خب رسید مدینه و بار را تحویل داد و تمام شد مسؤلیت او، شاید مثلاً یک ماه، دو ماه طول کشیده؛ در این یکی، دو ماه عظیم‌ترین حوادث را با بهترین و حکیمانه‌ترین وجهی اداره کرده، زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) یک انسان ممتاز است، اصلاً در بین رهبران عالم، در بین این شخصیت‌های بزرگ تاریخ، در بین زنان بزرگ تاریخ، شما چه کسی را پیدا میکنید اینقدر عظمت از خودش نشان داده باشد؟^۱

نقش حکیم شجاع و قدرتمند، با ظرفیتی مثل حضرت امیرالمؤمنین (ع)

در میدانهای پیچیده

شما اوج شخصیت یک زن را ببینید، یک زنی است که میدانند این جمعی که دارند میروند، برای یک جهاد بی‌فرجام میروند، بدون یک فرجام

۱. در دیدار با عده‌ای از پرستاران به مناسبت روز پرستار (۱۵/۱۰/۶۵)

دنیاپی و ظاهری، این را حضرت زینب (سلام الله علیها) میداند، درعین حال با اینها حرکت میکند یعنی از خطر استقبال میکند؛ در این سفر هر چه هست خطر و دشواری است، علاوه بر خطر و دشواری یک چیز مهمتر هست که او از زحمتهای شخصی خیلی بیشتر است و آن عبارتست از مسؤولیت. میداند زینب (سلام الله علیها) که اگر برادرش حسین بن علی (علیه السلام) را از میان این جمع بردارند، دیگر کسی نیست که شایسته‌ی رهبری و سرپرستی و اداره‌ی این جمعی باشد که یک سرنوشت بسیار تلخ و دشوار و پیچیده‌ای در انتظار آنهاست. درعین حال دل به دریا میزند و با ظرفیت علوی، نه حتی مثل یک زن برجسته، مثل یک مرد سرآمد، مثل امیرالمؤمنین (علیه السلام)، مثل پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، مثل خود امام حسین (علیه السلام)، در این حدّ یک ظرفیتی نشان میدهد و وارد این میدان بسیار بسیار پیچیده و دشوار میشود. بعد از آن در تمام مراحل، نقش یک حکیم شجاع قدرتمند پرجذبه‌ی قاطع را تا آخر ایفا میکند، برنامه‌ای را گویی در ذهنش از پیش طراحی کرده و قدم به قدم بر طبق این برنامه دارد حرکت میکند، با حوادث بصورت غافلگیر مواجه نمیشود. حوادث را گویی از پیش همه را پیش بینی کرده، دیده، برنامه‌ریزی کرده، میدانسته و برای هر حادثه‌ای پاسخش را و عمل مناسبش را از پیش میدانسته و بر طبق آن هم عمل میکرده. مثلاً شب عاشورا، صبح عاشورا، عصر عاشورا، شب یازدهم، هنگام آتش گرفتن خیمه‌ها، هنگام خروج از کربلا با یک مشت بچه و زن بی سرپرست و یک امام بیمار ناتوان از نشستن و ایستادن. در تمام این حالات یکدانه از این تجربه‌هایی که زینب (علیها السلام) در طول یک شبانه‌روز برایش پیش آمد؛ اگر در زندگی یک انسان یکی از اینها پیش بیاید و انسان بتواند بموقع تصمیم بگیرد و بجا عمل بکند و درست عمل بکند، جا دارد که آن را لوحه‌ی افتخار کنند توی تاریخ ثبت کنند. چند تا از این حوادث مهم در زندگی این خانم پیش می‌آید در ظرف مدت کوتاهی و همه‌ی اینها را آنچنان علاجگرانه و حکیمانه و قوی علاج میکند، با آن برخورد میکند، که انسان تعجب میکند.^۱

درخشش بی نظیر زینب(س) بعنوان یک ولی الهی

زینب(سلام الله علیها)، هم در حرکت به سمت کربلا، همراه امام حسین؛ هم در حادثه‌ی روز عاشورا، آن سختیها و آن محنتها؛ هم در حادثه‌ی بعد از شهادت حسین بن علی(علیه السلام)، بی سرپناهی این مجموعه‌ی به جا مانده‌ی کودک و زن، بعنوان یک ولی الهی آنچنان درخشید که نظیر او را نمیشود پیدا کرد؛ در طول تاریخ نمیشود نظیری برای این پیدا کرد. بعد هم در حوادث پی در پی، در دوران اسارت زینب، در کوفه، در شام، تا این روزها که روز پایان آن حوادث است و شروع یک سرآغاز دیگری است برای حرکت اسلامی و پیشرفت تفکر اسلامی و پیش بردن جامعه‌ی اسلامی. برای خاطر همین مجاهدت بزرگ، زینب کبری(سلام الله علیها) در نزد خداوند متعال یک مقامی یافته است که برای ما قابل توصیف نیست.^۱

رها کردن خانه، شوهر و زندگی برای حفظ حیات اسلام

حضرت زینب، خانه، شوهر، زندگی و همه چیز را برای انجام دادن این تکلیف بزرگ و فداکارانه که حیات اسلام به آن وابسته بود و بایستی انجام میگرفت، رها کرد. اینها، آن شاخصهای برجسته‌اند. زن مسلمان، همه‌ی وظایف مهم زن را میتواند در عرض هم انجام دهد؛ و همه را از زینب کبری(سلام الله علیها) یاد بگیرد. هم طهارت و تقوا را - که بزرگترین خصوصیت یک زن است - و هم عزت و کبریای مخصوص زنان را در وادی ایمان و تقوا.^۲

اسارت زینب(س) برای حفظ اسلام

جان بهترین مردمان که اصحاب امام حسین(علیه السلام) بودند، اگر قربانی شود، برای امام حسین(علیه السلام) بهای گرانی محسوب نمیشود. اسارت آل

۱. در دیدار با فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران (۸۸/۱۱/۱۹)

۲. در دیدار با جمعی از پرستاران (۷۴/۷/۱۲)

الله، حرم پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، شخصیتی مثل زینب که در دست بیگانگان اسیر بشود - حسین بن علی (علیه السلام) می دانست وقتی در این بیابان کشته شود، آنها این زن و بچه را اسیر میکنند - این اسارت و پرداختن این بهای سنگین به نظر امام حسین (علیه السلام)، برای مقصود سنگین نبود. بهایی که ما میپردازیم، باید ملاحظه شود با آن چیزی که با این پرداخت، برای اسلام، برای مسلمین، برای امت اسلامی و برای جامعه‌ی به دست می‌آید. گاهی صد تومان انسان خرج کند، اسراف کرده؛ گاهی صد میلیارد اگر خرج کند، اسراف نکرده. باید دید چه در مقابلش میگیریم.^۱

نقش طاقت فرسای حضرت زینب (س) برای ماندگاری عاشورا

واقعاً کربلا بدون زینب (سلام الله علیها)، کربلا نبود. عاشورا بدون زینب کبری (سلام الله علیها) آن حادثه‌ی تاریخی ماندنی نمیشد. آنچنان شخصیت دختر علی (علیه السلام) در این حادثه از اول تا آخر، بارز و آشکار است که انسان احساس میکند یک حسین دوم است در پوشش یک زن، در لباس دختر علی. غیر از اینکه اگر زینب (سلام الله علیها) نبود بعد از عاشورا چه میشد، شاید امام سجاد (علیه السلام) هم کشته میشد، شاید پیام امام حسین (علیه السلام) به هیچکس نمیرسید. در همان دورانی که قبل از شهادت حسین بن علی (علیه السلام) هم بود، زینب (سلام الله علیها) مثل یک غمخوار صدیق، کسی که با بودن او امام حسین احساس تنهایی نمیکرد، احساس خستگی نمیکرد. یک چنین نقشی را انسان در چهره‌ی زینب (سلام الله علیها) و در کلمات و حرکات زینب (سلام الله علیها) مشاهده میکند. دو بار زینب (سلام الله علیها) احساس اضطراب کرد و به امام حسین این اضطراب را ذکر کرد. یکبار در یکی از منازل بود، بعد از ماجرای خبر شهادت جناب مسلم بود که حضرت آمدند و چیزهایی را نقل کردند و خبرهای گوناگونی میرسید، حضرت زینب (سلام الله علیها) بالاخره هم یک زن هست با عواطف جوشان زنانه، با احساسات لطیف یک زن - مظهر

۱. در دیدار با مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی (۸۷/۱۰/۱۹)

جوشش احساسات هم، همین خاندان پیغمبرند در عین صلابت، در عین قدرت، در عین شجاعت، در عین مقاومت در مصائب، مظهر چشمه‌ی جوشان و زلال لطافت انسانی، ترحم انسانی هم باز همین خانواده هست - زینب (سلام الله علیها) یک زن با عواطف جوشان، با احساسات، آن وقت، نه یک زن معمولی، خواهر امام حسین، خواهری که عاشقانه امام حسین را دوست میدارد؛ خواهری که شوهرش را رها کرد، خانواده‌اش را رها کرد با امام حسین آمد؛ تنها هم نیامد، عون و محمد پسرهایش را هم آورد.

من تصوّر میکنم وضعیتی که آن روز برای زینب (سلام الله علیها) وجود داشته یک وضعیّت استثنائی است. هیچکدام از زنها را و حتی امام سجّاد را نمیتوانیم با وضع زینب (سلام الله علیها) مقایسه کنیم، وضعشان را. بسیار وضع زینب (سلام الله علیها) وضع سخت و طاقت‌فرسایی بوده. تمام مردها در روز عاشورا به شهادت رسیدند. عصر عاشورا یک نفر مرد توی تمام این خیمه‌گاه نبود مگر امام سجّاد، که او هم مریض بود، آنجا افتاده بود و شاید در حالت اغما به سر میبرد. حالا شما ببینید این خیمه‌گاه و اردوگاهی که در او هشتاد نفر، هشتاد و چهار نفر زن و بچه هستند و در میان یک دریای دشمن محاصره‌اند، اینها چقدر کار دارند.

یک نفر باید این جمعیت را جمع کند. آن یک نفر زینب (سلام الله علیها) است. زینب (سلام الله علیها) فقط این نبود که برادرش را از دست داده بود، یا دو فرزندش را، یا برادرهای دیگرش را، یا این همه عزیزان را و هجده نفر جوانان بنی‌هاشم و اصحاب وفادار را. این هم بود و شاید این اهمیتش کمتر از آن هم نبود. که در میان این همه دشمن، بار سنگین اداره، حراست و مدیریت این خرگاه شکست‌خورده‌ی پراکنده‌شده و متفرق‌شده را به عهده دارد، حتی امام سجّاد (علیه السلام) را هم بایستی او اداره کند، لذا زینب در آن چند ساعتی که بعد از حادثه اتفاق افتاد تا آن ساعتی که حرکت کردند و رفتند و دشمنها مشخص شد که با اینها چه کار خواهند کرد. در آن چند



ساعت که یک شب تاریک، ظلمانی و سخت هم در میان این چند ساعت بوده، خدا میداند که به این زینب کبری (سلام الله علیها) چه گذشته است، لذا بود که زینب (سلام الله علیها) در این چند ساعت دائما در حال حرکت، در حال دوندگی پیش این بیچه، پیش آن زن، پیش این مادر داغدیده، پیش آن خواهر برادر از دست داده، پیش آن بیچه‌ی کوچک، دائما بین این افراد حرکت میکند، اینها را جمع میکند، اینها را دلداری میدهد.^۱

درس آموزی از زینب کبری (س): حماسه‌ساز عاشورا

امیدوارم روح مطهر حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) که بخش عمده‌ای از حماسه‌ی بزرگ ماندگار عاشورا متعلق به آن بزرگوار است نه فقط در میان بانوان جامعه، بلکه در میان همه افراد - زنده و حاضر و درس‌آموز باشد.^۲

معرفت و صبر زنان ایران، ناشی از بینش اسلامی حضرت زینب (س)
زنان ما باید بدانند که همین آگاهی و معرفت و صبر و تحمل آنان ناشی از بینش اسلامی حضرت زینب (سلام الله علیها) بود که توانست حادثه‌ی کربلا را اینچنین بزرگ و ماندگار در تاریخ نگهدارد و دستاوردهای عظیم معنوی و تاریخی این حادثه را ماندگار سازد.^۳

تأسی به حضرت زینب (س) در انجام تکالیف و وظایف

زن مسلمان برای انجام تمامی وظایف مهمی که یک زن میتواند انجام دهد، باید از حضرت زینب (سلام الله علیها) تعلیم بگیرد. طهارت و تقوا که بزرگترین خصوصیت یک زن است، اهمیت دادن به ارزشهای اصیل بیش از هر چیز دیگری در زندگی، توجه به علم و معرفت، انجام فعالیت‌های سیاسی و امدادسانی به انسانها و کیفیت دادن به محیط خانه و خانواده

۱. در خطبه‌های نماز جمعه (۶۳/۷/۲۰)

۲. در دیدار با پرستاران و جانبازان به مناسبت روز پرستار (۷۶/۶/۱۹)

۳. در بیانات در دیدار با اعضای دفتر مرکزی جامعه‌ی حضرت زینب (س) (۶۶/۱۱/۲۷)

از ویژگیهای زینب کبری (سلام الله علیها) محسوب میشود. زن مسلمان از درون خانواده تا درون جامعه و تا مسائل علمی و سیاسی و ارزشهای اخلاقی و نیز نشان دادن منشهای بزرگ انقلابی میتواند به زندگی آن حضرت تأسی جویید.^۱

زینب عالمه (س)؛ الگوی کبریایی در برابر نامحرم

در روایات است که تکبر از همه کس بد است، مگر از زن در مقابل مرد بیگانه. زن باید حالت کبریا داشته باشد و نباید حالت خضوع و تسلیم بر او مستولی شود. این هم نمونه‌ی بزرگ دیگر، که زینب کبری (سلام الله علیها) است. زن مسلمان، از هر طرف که ملاحظه کند، زینب کبری (سلام الله علیها) را شاخص میبیند. زینب کبری (سلام الله علیها) از لحاظ علمی، یک عالمه‌ی معروف به علم در جامعه‌ی اسلامی آن روز بود.^۲

برخورد زینب کبری (س) با سلطان ظالم

زینب کبری (سلام الله علیها) دختر فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) به مقتدرترین سلاطین زمان خودش در وقتی که خود او اسیر در دست آن سلطان ظالم و سفاک است، میگوید که هر کار میتوانی بکنی، بکن؛ اما نخواهی توانست ما را از صحنه‌ی تاریخ بیرون ببری و راه ما را محو و پاک کنی تا بشریت نتواند این راه را برود. اگر اقتدار مادی میتوانست، این کار را میکرد؛ آنها هم میکردند.^۳

نگاه زیبای زینب (س) به سختیها

وقتی که دشمن میخواهد زینب کبری (سلام الله علیها) را به آنچه که برایش

۱. در بیانات در دیدار با جمعی از پرستاران (۷۴/۷/۱۲)

۲. در دیدار با جمعی از پرستاران (۷۴/۷/۱۲)

۳. در دیدار با مسؤولان و فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۷۶/۶/۲۶)

پیش آمده، شماتت کند، میفرماید: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً»؛ جز زیبایی، چیزی ندیدم. برادرانش، فرزندان، عزیزانش، نزدیکترین یارانش، اینها در مقابل چشمش قطعه قطعه شدند، به خاک و خون تپیدند، خونشان ریخته است، سرهایشان بالای نیزه رفته است؛ میگوید جمیل، زیبا! این چه جور زیبایی ای است؟ این زیبایی را همراه کنید با آنچه که نقل شده است که زینب کبری (سلام الله علیها) حتی در شب یازدهم نماز شبش ترک نشد. در طول دوران اسارت، انقطاع الی الله اش، دل بستگی اش به خدای متعال، رابطه اش با خدای متعال سست نشد، کم نشد، بلکه بیشتر شد. این زن، الگوست!

شخصیت برجسته‌ی علمی، معنوی و اخلاقی زینب (س)

قبل از کربلا زینب کبری (سلام الله علیها)، نقش همسر، نقش مادر و نقش یک زن برجسته و ممتاز در خاندان پیغمبر را، در مدینه به بهترین وجه ایفا کرده است. شخصیت آن بزرگوار در مدینه - قبل از حادثه‌ی کربلا - یک شخصیت برجسته، معروف و ممتاز بوده است. همچنانکه بعد از حادثه‌ی کربلا هم - منهای آن مدت کوتاه مربوط به شام و قضایای کربلا - باز نقش آن بزرگوار، یک نقش خیلی برجسته و ممتاز است. اگر فرض میکردیم که حادثه‌ی کربلا اصلاً نبود - که ما آنچه درباره‌ی زینب کبری (سلام الله علیها) میگوییم و میشنویم مربوط به ماجرای کربلاست - باز زینب کبری (سلام الله علیها)، یک شخصیت برجسته، یک انسان بزرگ و یک زن قابل تبعیت و پیروی محسوب میشد. از لحاظ علمی، از لحاظ تقوا، از لحاظ پاکدامنی و طهارت، از لحاظ برجستگی اخلاقی، از جهت محور بودن برای همه‌ی کسانی که به مسائل معنوی و اخلاقی و دینی توجهی دارند و از جهات گوناگون، یک استاد، معلم معنویت، معلم اخلاق و معلم رفتار اسلامی زن محسوب میشد. با این حال، زنی در این حد و با این شخصیت، ناگهان در مقابل یک تکلیف بزرگ آنی و خطرناک قرار گرفت که آن عبارت بود از

رفتن به سمت کربلا. همه چیز تحت الشعاع این قضیه قرار گرفت.^۱

انتخاب سالروز میلاد حضرت زینب(س)؛ گوهر درخشنده‌ای بر پیشانی

پرستاران

بسیار کار بجایی شد که روز پنجم جمادی‌الاولی بعنوان روز پرستار نام گرفت و نام حضرت زینب(سلام‌الله‌علیها) نیز گوهر درخشنده‌ای شد بر پیشانی بخشی از زنان ایرانی. ان‌شاءالله که همه‌تان موفق باشید، مؤید باشید، بتوانید وظایفتان را هر جا هستید انجام بدهید و بتوانید با تلاش خودتان، با مجاهدت خودتان، با صبر خودتان، با دلباختگی خودتان به ارزشهای معنوی بصورت هر چه بیشتر یک گام، زن ایرانی را به آن هدفهای بلند و زیبا ان‌شاءالله - نزدیک کنید.^۲

ایستادگی زینب(س) در دنیای ظلم و بدی و پرستاری از جامعه‌ی

اسلامی

تلاش حضرت زینب(سلام‌الله‌علیها) فقط این نیست که از امام بیماری در کربلا حراست و پرستاری کرده است. حضرت زینب(سلام‌الله‌علیها) از روح کلی اسلام و جامعه‌ی آن روز مسلمین پرستاری کرد؛ پرستاری بزرگ او آنجاست. حضرت زینب(سلام‌الله‌علیها) در مقابل یک دنیا بدی، ظلم، بی‌انصافی، حیوان‌صفتی و قساوت، یک‌تنه ایستاد. و با این ایستادگی، توانست از روح کلی اسلام حراست و پرستاری کند. همچنان که می‌گوییم امام حسین (علیه‌السلام) اسلام را حفظ کرد، میتوانیم دقیقاً ادعا کنیم که حضرت زینب(سلام‌الله‌علیها) هم با ایستادگی خود، اسلام را حفظ کرد. این ایستادگی، یک رمز و راز و یک عامل اصلی است.^۳

۱. در دیدار با جمعی از پرستاران (۷۴/۷/۱۲)

۲. در دیدار با خواهران پرستار واحد بسیج (۶۱/۱۱/۳۰)

۳. در دیدار با پرستاران (۸۰/۵/۳)

مقایسه‌ی برخوردار زینب(س) و نوع مصائبشان با همسر فرعون

یک مقایسه‌ی کوتاه بین زینب کبری(سلام‌الله‌علیها) و بین همسر فرعون، عظمت مقام زینب کبری(سلام‌الله‌علیها) را نشان می‌دهد. در قرآن کریم، زن فرعون نمونه‌ی ایمان شناخته شده است، برای مرد و زن در طول زمان تا آخر دنیا. آن وقت مقایسه کنید زن فرعون را که به موسی ایمان آورده بود و دل‌بسته‌ی آن هدایتی شده بود که موسی عرضه می‌کرد، وقتی در زیر فشار شکنجه‌ی فرعون‌نی قرار گرفت، که با همان شکنجه هم - طبق نقل تواریخ و روایات - از دنیا رفت، شکنجه‌ی جسمانی او، او را به فغان آورد: «إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ»^۱ از خدای متعال درخواست کرد که پروردگارا! برای من در بهشت خانه‌ای بنا کن. در واقع، طلب مرگ می‌کرد؛ میخواست که از دنیا برود. «وَ نَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ»؛ من را از دست فرعون و عمل گمراه‌کننده‌ی فرعون نجات بده. در حالی که جناب آسیه - همسر فرعون - مشگلش، شکنجه‌اش، درد و رنجش، درد و رنج جسمانی بود؛ مثل حضرت زینب(سلام‌الله‌علیها)، چند برادر، دو فرزند، تعداد زیادی از نزدیکان و برادرزادگان را از دست نداده بود و در مقابل چشم خودش به قربانگاه نرفته بودند. این رنجهای روحی که برای زینب کبری(سلام‌الله‌علیها) پیش آمد، اینها برای جناب آسیه - همسر فرعون - پیش نیامده بود. در روز عاشورا زینب کبری(سلام‌الله‌علیها) این همه عزیزان را در مقابل چشم خود دید که به قربانگاه رفته‌اند و شهید شده‌اند: حسین بن علی(علیه‌السلام) - سیدالشهداء - را دید، عباس را دید، علی اکبر را دید، قاسم را دید، فرزندان خودش را دید، دیگر برادران را دید. بعد از شهادت، آن همه محتتها را دید: تهاجم دشمن را، هتک احترام را، مسؤولیت حفظ کودکان را، زنان را. عظمت این مصیبتها را مگر میشود مقایسه کرد با مصائب جسمانی؟ اما در مقابل همه‌ی این مصائب، زینب(سلام‌الله‌علیها) به پروردگار عالم عرض نکرد: «رَبِّ نَجِّنِي»؛ نگفت پروردگارا! من را نجات بده. در روز عاشورا عرض

۱. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۱

کرد: پروردگارا! از ما قبول کن. بدن پاره پاره‌ی برادرش در مقابل دست، در مقابل چشم؛ دل به سمت پروردگار عالم، عرض میکند: پروردگارا! این قربانی را از ما قبول کن. وقتی از او سؤال میشود که چگونه دیدی؟ میفرماید: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً». این همه مصیبت در چشم زینب کبری (سلام الله علیها) زیباست؛ چون از سوی خداست، چون برای اوست، چون در راه اوست، در راه اعتلای کلمه‌ی اوست. ببینید این مقام، مقام چنین صدی، چنین دلدادگی نسبت به حق و حقیقت، چقدر متفاوت است با آن مقامی که قرآن کریم از جناب آسیه نقل میکند. این، عظمت مقام زینب (سلام الله علیها) را نشان میدهد. کار برای خدا اینگونه است. لذا نام زینب (سلام الله علیها) و کار زینب (سلام الله علیها) امروز الگوست و در دنیا ماندگار است. بقای دین اسلام، بقای راه خدا، ادامه‌ی پیمودن این راه به وسیله‌ی بندگان خدا، متکی شده است، مدد و نیرو گرفته است از کاری که حسین بن علی (علیه السلام) کرد و کاری که زینب کبری (سلام الله علیها) کرد. یعنی آن صبر عظیم، آن ایستادگی، آن تحمل مصائب و مشکلات موجب شد که امروز شما میبینید ارزشهای دینی در دنیا، ارزشهای رایج است. همه‌ی این ارزشهای انسانی که در مکاتب گوناگون، مطبّق با وجدان بشری است، ارزشهایی است که از دین برخاسته است؛ اینها را دین تحویل داده است. کار برای خدا خاصیتش این است.^۱

فهمیدگی زنان در حادثه‌ی عاشورا

زینب (سلام الله علیها) خوب فهمید، سکینه (سلام الله علیها) خوب فهمید، آن زنها و دخترهای مظلوم خوب فهمیدند چه اتفاقی افتاد؛ این مال روز عاشورا است. اما هر روزی که از روز عاشورا جلوتر رفتیم - روز دوازدهم در کوفه، چند هفته بعد در شام، چند هفته بعد در مدینه و اندکی بعد در همه‌ی دنیای اسلام - این حادثه بسرعت برق، عظمت و اهمیت خودش را نشان داد.^۲

۱. در دیدار با فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران (۸۸/۱۱/۱۹)

۲. در دیدار با جانبازان و ایثارگران و خانواده‌های شهدای استان فارس (۸۷/۲/۱۳)



شرایط سخت اسارت شریفترین زنان جامعه‌ی اسلامی

اسارتی اتفاق افتاد که نظیر آن را دیگر ملت و تاریخ اسلام ندید و به آن عظمت هم نخواهد دید. کسانی اسیر شدند که از خاندان وحی و نبوت و عزیزترین و شریفترین انسانهای تاریخ اسلام بودند. زنانی در هیأت اسارت در کوچه و بازارها گردانده شدند که شأن و شرف آنها در جامعه‌ی اسلامی آن روز نظیر نداشت. کسانی این عزیزان را به اسارت گرفتند که از اسلام بویی نبرده بودند و با اسلام رابطه‌ای نداشتند و خبیث‌ترین و پلیدترین انسانهای زمان خودشان بودند. در روز یازدهم محرّم، خاندان پیامبر(صلی الله علیه و آله) و علی بن ابیطالب(علیه السلام) به اسارت دچار شدند و این خاطره به‌عنوان یکی از تلخترین خاطره‌ها، برای ما تا امروز و تا آخر مانده و خواهد ماند.

البته، اسارت آن روز با اسارت امروز فرق داشت. اسارت امروز همین است که سربازی، افسری، رزمنده‌ای یا - وقتی اسیر گیرنده‌ی رژیم منحوسی مثل رژیم بعث باشد - غیرنظامی‌ای، مدّتی در زندان و اسارتگاه قرار می‌گیرد و از اهل و خاندان خود دور میماند. البته سخت است؛ اما با اسارت آن روز، از زمین تا آسمان فرق دارد. در روز یازدهم محرّم، اسارت دسته جمعی زنان و کودکان و مردانی که باقی مانده بودند، بود؛ اساراتی توأم با تحقیر و اهانت و گرسنگی دادن و سرمادادن و گرمادادن و اذیت کردن و در کوچه و بازار گرداندن و در سخت‌ترین شرایط آنها را نگه داشتن و شماتت کردن و از این قبیل.^۱

مبارزه‌ی معنوی زنان در عاشورا

آنجایی که مردان و زنان مؤمن و فداکار پشت سر حسین بن علی(علیه السلام) راه می‌افتند؛ دنیا و مافیها، لذتها و زیباییهای دنیا، در مقابل احساس و وظیفه از چشم آنها می‌افتد؛ انسانهایی که معنویّت مجسم و متبلور در

۱. در دیدار با جمع کثیری از خانواده‌های معظّم اسرا و مفقودان (۶۸/۵/۲۳)

باطنشان، بر جنود شیطانی - همان جنود عقل و جنود جهلی که در روایات ما هست - غلبه پیدا کرد و بعنوان یک عده انسان نمونه، والا و بزرگ، در تاریخ ماندگار شدند.



آن مادری که جوان خود را با افتخار و خشنودی به طرف این میدان فرستاد؛ آن جوانی که از لذات ظاهری زندگی گذشت و خود را تسلیم میدان جهاد و مبارزه کرد. پیرمردانی مثل «حبيب بن مظاهر» و «مسلم بن عوسجه» که از راحتی دوران پیرمردی و بستر گرم و نرم خانه‌ی خودشان گذشتند و سختی را تحمل کردند؛ آن سردار شجاعی که در میان دشمنان جایگاهی داشت - «حُر بن یزید ریاحی» - و از آن جایگاه صرف نظر کرد و به حسین بن علی پیوست، همه در این مبارزه‌ی باطنی و معنوی پیروز شدند.^۱

سکینه‌ی کبری(س)؛ مشعل معرفت و دانش

سکینه‌ی کبرایی که شما اسمش را در کربلا شنیده‌اید، و دختر امام و برادرزاده و شاگرد زینب (سلام الله علیها) است کسانی که اهل تحقیق و کتابند، نگاه کنند او یکی از مشعلهای معرفت عربی در همه‌ی تاریخ اسلام تا امروز است. کسانی که حتی زینب (سلام الله علیها) و پدر زینب (سلام الله علیها) و پدر سکینه را قبول نداشته‌اند و ندارند، اعتراف میکنند که سکینه (سلام الله علیها) یک مشعل معرفت و دانش است.^۲

۹- الگوهای قرآنی زن

انتخاب الگوی انسانهای خوب و بد در قرآن از بین زنان

فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) در قلّه‌ی بشریت قرار دارد و کسی از او بالاتر نیست و میبینیم که آن بزرگوار به عنوان یک بانوی مسلمان، این فرصت و

۱. در جمع دهها هزار نفر از راهیان نور در یادگان دوکوهه (۸۱/۱/۹)

۲. در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت روز پرستار (۷۰/۸/۲۲)

قدرت را یافت که خودش را به این اوج برساند. پس، فرقی بین زن و مرد نیست و به‌خصوص شاید از همین جهت هم است که خدای متعال در قرآن کریم، آن وقتی که راجع به نمونه‌ی انسانهای خوب و نمونه‌ی انسانهای بد مثال میزند، مثال را در هر دو مورد از زن انتخاب میکند. که در یک مورد همسر فرعون را و در مورد دیگر همسر نوح و لوط را مثال می‌آورد: «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ»^۱ در مقابل وقتی میخواهد در مورد انسان بد و نگونبخت و انسانی که در جهت غلط حرکت میکند نمونه ارائه بدهد، به همسر نوح و لوط مثال میزند. در اینجا شاید جای سؤال باشد که چرا مثال از زن و مرد هر دو نمی‌آورد؟ در همه‌ی قرآن وقتی می‌گوید «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا» یا «كَفَرُوا» در هر دو مثال را از زن می‌آورد و آیا این بدان معنا نیست که ما باید از دیدگاه اسلام پاسخی به برداشت غلط و متأسفانه مستمر در تاریخ بشریت نسبت به جایگاه زن بدهیم؟ اسلام میخواهد در مقابل این برداشت و روش غلط و فهم نادرست که در طول تاریخ از مسأله‌ی زن وجود داشته است بایستد.^۲

معرفی نمونه‌های متعالی و منحطّ زن برای مقابله با نگرش غلط

نسبت به او

درباره‌ی مسأله‌ی زن و مرد، پیام وحی حاوی مسائل مهمّی است. لذا باید ببینیم وحی در این مورد چه می‌گوید؟ وحی فقط به موعظه کردن بسنده نکرده بلکه نمونه‌سازی هم کرده است. وقتی خدای متعال میخواهد برای انسانهای مؤمن یک مثال تاریخی بیاورد، میفرماید: «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ»^۳ خداوند، زن فرعون را مثل میزند. با اینکه در زمان حضرت موسی افراد زیادی بودند که در راه ایمان، تلاش و فداکاری کردند؛

۱. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۱

۲. در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور (۶۸/۱۰/۲۶)

۳. سوره‌ی تحریم آیه‌ی ۱۱

اما خداوند نام زن فرعون را می آورد! این ناشی از چیست؟ آیا خدای متعال خواسته است از زنها جانبداری کند؟ یا مسأله چیز دیگری است؟ مسأله این است که این زن در اوج حرکت معنوی به جایی رسیده که فقط او را میشود مثال زد و لا غیر. موضوع همسر فرعون از نظر تاریخ متعلق به قبل از زمان فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) و مریم کبری (سلام الله علیها) است و او نه پیغمبر است و نه پیغمبرزاده، نه همسر پیغمبر است و نه در خانواده‌ی هیچ پیغمبری بوده ولی تربیت معنوی و رشد و بالندگی او به جایی میرسد که خدای متعال در قرآن، زن فرعون را بعنوان الگو برای مؤمنین مطرح میکند. البته نقطه‌ی مقابل او یعنی نمونه‌ی زن فاسد هم مطرح شده است. خداوند برای اینکه نمونه‌ی بدترین انسانها را مطرح کند، میفرماید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ»^۱ با اینکه در زمان نوح و لوط این همه کفار و افراد بد وجود داشتند، ولی قرآن آنها را مثال نمیزند و زن نوح و لوط را به عنوان نمونه مطرح میکند! این عنایت خداوند نسبت به اوجها و حسیضهای جنس زن به چه علت است؟ شاید به این علت باشد که خداوند میخواهد به نگرش غلط مردم آن روز دنیا (که متأسفانه امروز هم همان نگرش تا حدودی باقی است) اشاره کند، اشاره به رفتار مردم جزیره‌العرب که دختران خود را زیر خاک میکردند و همچنین رفتار مردم امپراطوریهای بزرگ آن روز (مثل روم و ایران) که شما نگرش و رفتار آنها با زنان را میدانید. پایه‌ی تمدن امروز اروپا همان تمدن و فرهنگ امپراطوری روم است.^۲

خیانت اعتقادی با وجود همه‌ی امکانات

قرآن چهار زن را اسم آورده که این چهار زن الگویند؛ دو الگوی نیکان عالم، دو الگوی بدان عالم. «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ»^۳؛ زن نوح و زن لوط. «كَانَتَا تَحْتِ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا»؛ این

۱. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۰

۲. در دیدار جمعی از زنان (۷۱/۹/۲۵)

۳. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۰

دو نمونه‌ی زنانه برای مردمان کافر در طول تاریخ هستند. وقتی خدای متعال در قرآن می‌خواهد کفار - نمونه‌ی وجود کفرآمیز و کفران‌کننده‌ی نعمت خدا - را معرفی کند، به جای فرعون و نمرود و افراد دیگر، دو زن را مثال می‌زند؛ زن نوح و زن لوط، که درهای رحمت الهی به روی اینها باز و همه‌ی امکانات برای عروج و رفعت اینها آماده بود و دو پیغمبر، آن هم پیغمبری مثل نوح و لوط، شوهران اینها بودند که در خانه‌ی آنها زندگی میکردند و حجّت بر آنها تمام بود؛ اما این دو زن قدر این نعمتها را ندانستند و «فَخَانَتْهُمَا»؛ به شوهرهایشان خیانت کردند. این خیانت، لزوماً خیانت جنسی نیست؛ خیانت اعتقادی است؛ خیانت مسلکی است؛ راه را کج کردند. شوهرها با اینکه پیغمبر بودند و مقام عالی داشتند، به درد این زنها نخوردند؛ «فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئاً». خدای متعال رودربایستی و رفاقت و خویشاوندی با کسی ندارد. اگر کسی را مورد محبت و لطف و رحمت قرار میدهد، با حساب و کتاب است؛ با تعریف نیست؛ خدا قوم و خویش کسی نیست. اینها هم با اینکه شوهرهایشان پیغمبر بودند، این شوهرهای پیغمبر نتوانستند این دو زن را از شرّ غضب الهی نجات بدهند؛ اینها شدند نمونه‌ی کافران همه‌ی تاریخ.^۲

چهار زن نمونه برای همه‌ی انسانها، از جهت ناسپاسی و وارستگی

این چهار زن فقط نمونه و نماد برای زنها نیستند، بلکه نمونه و نماد برای همه‌ی زنها و مردها هستند. آن دو زن با اینکه باب رحمت جلوی آنها باز بود، به آن راه نرفتند و از آن استفاده نکردند؛ به معنویت بخاطر چیزهای پست و حقیر - عواملش را قرآن ذکر نکرده، حتماً چیزی است مانند اخلاق بد و یا یک خصلت بد - پشت کردند؛ یک چیز کوچک این دل‌های ضعیف را به خودش جذب میکند و آنها را از راه حق منحرف میکند و میشوند نماد کفار و انسان ناسپاس در مقابل خدا. اما دو زن دیگر، نماد ارزشهایند. او

۱. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۲

۲. در دیدار مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) (۸۳/۵/۱۷)

برایش جاذبه‌ی معنویّت و جاذبه‌ی سخن حقّ آنقدر زیاد است که به همه‌ی بساط و دستگاہ فرعونى پشت‌پا میزند، این یکی هم پاکیزگی و پاکدامنی و وارستگی دارد.^۱

خوبی و بدی زنان در قرآن مربوط به محیط خانواده

در مورد نگاه اسلام به زن بحثهای زیادی شده است، ما هم بارها گفتیم. من مکرراً عرض کردم که نمونه برای انسان مؤمن و مرضی الهی، و انسان کافر و مردود درگاه پروردگار در قرآن، زن مطرح شده؛ این چیز جالبی است. قرآن وقتی میخواهد برای انسان خوب و انسان بد نمونه ذکر کند، هر دو را از زنان انتخاب میکند: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ».^۲ قرآن دو زن را بعنوان «مثل»، یعنی نمونه و نماد زنان بد معرفی میکند؛ همسر نوح و همسر لوط. بعد نقطه‌ی مقابل: «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ».^۳ بعنوان نماد زن خوب، زن برتر و زن مؤمن، دو نفر را معرفی میکند: یکی همسر فرعون است، یکی هم حضرت مریم است؛ «وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا».^۴ جالب این است که هر چهار تای این زنها خوبی و بدی‌شان مربوط به محیط خانواده است. در مورد آن دو زن بد - «امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ» - میفرماید: «كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا».^۵ این دو زن به همسرانشان - که دو پیغمبر عالی شأن و عالی مقام بودند - خیانت کردند. مسأله، مسأله‌ی خانواده است. موضوع آن دو زن دیگر هم مربوط به خانواده است؛ اولی که زن فرعون است، ارزش و اهمیّت او این است که یک پیغمبر اولوالعزم را، یک موسای کلیم‌الله را در آغوش خود پرورش میدهد و به او ایمان می‌آورد و به او کمک میکند؛ لذا

۱. در دیدار مدّاحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) (۸۳/۵/۱۷)

۲. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۰

۳. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۱

۴. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۲

۵. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۰

فرعون از او انتقام میگیرد. مسأله، مسأله‌ی درون خانواده است با این تأثیر و شعاع عظیم کاری که او کرده است، که یک موسایی را تربیت کرده. در مورد حضرت مریم هم همینجور است: «الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا»^۱؛ ناموس خود را حفظ کرد، عفت خود را حفظ کرد. این نشاندهنده‌ی این است که در محیط زندگی حضرت مریم (سلام‌الله‌علیها) عواملی وجود داشته که میتواندسته است تهدیدکننده‌ی عفت و ناموس یک زن عفیف باشد و او توانسته مبارزه کند. بنابراین همه‌اش ناظر به همین جنبه‌های مهمی است که عرض شد؛ جنبه‌ی خانواده و مسأله‌ی شأن زن در جامعه؛ بنابراین مسأله، مسأله‌ی مهمی است.^۲

نمونه های زنان در قرآن خلاف تفکر مارکسیستی

در قرآن دو تا زن را بعنوان نمونه‌ی خوبی و نمونه‌ی بدی خدای متعال مثال زده «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ»^۳ زن نوح و زن لوط را بعنوان نمونه‌ای و مثالی برای کفار ذکر کرده.

همچنین نقطه‌ی مقابلش «(وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ»^۴ برای مؤمنان هم یک نمونه ذکر میکند، یک مثال و آن زن فرعون است که باز اینجا چرا زن فرعون را انتخاب کرده، همان بحثی که گفتم اینجا جریان پیدا میکند و بسیار جالب است که از بحثهای اجتماعی اسلام است و ردکننده‌ی آن تزی است که ذهنیتهای ناشی از موجهای اجتماعی میدانند و گرایش به انقلاب را مربوط به یک طبقه‌های خاصی که در محیطهای خاصی پرورش یافتند می‌دانند یک عده‌ای را ذاتاً انقلابی، یک عده‌ای را ذاتاً ضد انقلاب، تفکرات مادی و مارکسیستی، این رد آنهاست. زن فرعون طبق آن دیدگاهها، طبق آن تحلیلها حتماً بایستی فرعون‌ی باشد، طاغوتی باشد، در حالیکه یک انقلابی

۱. همان

۲. در دیدار جمعی از بانوان نخبه (۹۰/۳/۱)

۳. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۰

۴. همان

است و طرفدار موسی است و معتقد به انقلاب موسی و مبارز در راه موسی است که در این راه هم کشته میشود و زن نوح و زن لوط بخاطر موقعیت استضعافی که نوح و لوط داشتند که همه‌ی پیغمبران مستضعفین بودند دیگر «و کانوا اقواما مستضعفین» باید بخاطر پایگاه اجتماعی و اقتصادی‌اش به قول آن آقایان باید حتماً انقلابی باشد اما زن نوح و زن لوط انقلابی نیست، ضد انقلاب است. یک ضد انقلاب کذا و کذا که هر دوی ایشان هم در ماجرای عذاب الهی دچار انتقام نعمت الهی میشوند و از بین میروند.

نمونه شدن، با دوری از جاذبه‌های دنیوی و پاکدامنی

خدای متعال دو زن را بعنوان نمونه‌ی مؤمنان ذکر میکند: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ»؛ یکی زن فرعون و دیگری، حضرت مریم: «و مریم ابنت عمران». آن زن اول، قصر فرعونى او را مجذوب نکرد؛ زن پرورش یافته در بساط فرعونى، کسی که زن فرعون است و لابد پدر و مادر و خاندانش هم از همین طواغیت بودند، در نهایت راحت و نعمت و رفاه و عزت ظاهری بود و زندگی میکرد؛ اما ایمان موسی دل او را برد و تصرف کرد؛ به موسی ایمان آورد. وقتی ایمان آورد و راه را شناخت، همه‌ی آن راحت و رفاه را کنار گذاشت و دیگر آن قصر باعظمت در مقابل او جاذبه‌ای نداشت؛ گفت: «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»؛ من خانه‌ی بهشتی را ترجیح میدهم؛ زندگی دنیا ارزشی ندارد. حضرت مریم هم: «و مَرِيْمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا»؛ دامن خود را پاک و پاکیزه نگه داشت؛ اینها ارزشهای انسانی است.^۳

۱. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۱

۲. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۲

۳. در دیدار مذاحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) (۸۳/۵/۱۷)

زن فرعون؛ سمبل مرفهین صدیق

آیا ما کسانی را داریم که در مشاغل بالا بودند، از زندگی مرفه برخوردار بودند، جزو صدیقین شده باشد؟ بله، چه کسی؟ زن فرعون. «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ»^۱ خدا یک نمونه می آورد، یک مثال می آورد، یک سمبل بمعنای واقعی انسان معرفی میکند. از چه کسانی؟ از کسانی که ایمان آورده اند. اگر بررسی مؤمن چگونه است، مؤمن را در یک تابلوی روشن و مشخص به تو معرفی میکند، او کیست، او زن فرعون است، شاهزاده خانم دستگاه مصر؛ این یک نفر، ایمان آورده. آنچه او را از فرعون جدا میکند ایمان اوست. آنچه او را به موسی نزدیک میکند ایمان اوست؛ این ایمان را با عمل همراه میکند، در داخل خانه ی فرعون موسایی بودن کار آسانی نیست، نه خیال کنی مثل بقیه ی بنی اسرائیل است، ابداء، درست به او حسن ظن دارد، درست است او را دیر میشناسد، درست است کشف نمیکند که چه میکند، اما بالاخره خواهند فهمید. خبرهایی که برای موسی میرساند، یاران موسی را که نجات میدهد، کمکهای مالی که به بنی اسرائیل میکند، بدخواهان بنی اسرائیل از دستگاه فرعون را که رسوا میکند، کارشان را خنثی میکند، کار میکند، موسایی است.^۲

مریم؛ مظهر پاکی، طهارت و مقاومت در برابر وسوسه ها

ما در تعبیراتمان حضرت مریم را مظهر پاکی و طهارت میبینیم - یک زن کاملاً طاهر - در قرآن، چند جا راجع به حضرت مریم آمده است: «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا»^۳؛ مسأله ی حفظ عصمت زنانه و حفظ طهارت دامن در مورد حضرت مریم، خیلی تأکید شده است. مگر شرایط چگونه بوده است؟ این به نظر من چیز خیلی مهمی است.

۱. سوره ی تحریم، آیه ی ۱۱

۲. در دیدار در دانشگاه فردوسی (۵۷/۸/۸)

۳. سوره ی تحریم، آیه ی ۱۲

خوب؛ دختر بچه‌ای به داخل معبد آمده و تا جوانیه‌هایش هم آنجا بوده است. چه عوامل و انگیزه‌هایی وجود داشته که مریم با همه‌ی وجود، با یک قدرت فوق‌عادی بشری - اگر فوق بشری نبود، قرآن اینقدر روی آن تکیه نمی‌کرد - در مقابل این وسوسه‌ها مقاومت کرده است، که قرآن می‌گوید: «أَحْصَنْتَ فَرْجَهَا»؛ دامان خود را پاک و پاکیزه نگه داشت. این خیلی مهم است؛ برای ما هم درس است.

حضرت مریم در موقعیت حساسی توانسته است با این مقاومت و پاکدامنی خود، آنطور تأثیر بگذارد و تاریخ را عوض کند؛ کمالینکه در یک مورد دیگر هم شبیه همین، در مورد یک مرد جوان - حضرت یوسف - در قرآن هست.^۲

۱۰. الگوی شدن زن مسلمان ایرانی

الگوی سوّم زن؛ «نه شرقی نه غربی» زن مسلمان ایرانی
 زن در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی، و در تعریف غالباً غربی، به مثابه‌ی موجودی که جنسیت او بر انسائیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شود. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدّس نشان دادند که الگوی سوّم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که میتوان زن بود، عفیف بود، محجّبه و شریف بود و درعین حال، در متن و مرکز بود. میتوان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی نیز سنگر‌سازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد. زنانی که اوج احساس و لطف و رحمت زنانه را با روح جهاد و شهادت و مقاومت

۱. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۲

۲. در دیدار با بازیگران فیلم حضرت مریم (س) (۷/۸/۷۸)

درآمیختند و مردانه‌ترین میدانها را با شجاعت و اخلاص و فداکاری خود فتح کردند.^۱

ارائه‌ی تعریف جدید از زن و حضور او در ساحتهای مختلف

در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدّس، زنانی ظهور کردند که میتوانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش، و در ساحت حفظ خانه‌ی سالم و خانواده‌ی متعادل، و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد امر به معروف و نهی از منکر، و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بن‌بستهای بزرگ را در هم بشکنند. اقتدار و جذبه‌ی تازه‌ای به برکت خون این زنان مجاهد در عصر جدید ظهور کرده است که زنان را ابتداء در جهان اسلام تحت تأثیر قرار داد و دیر یا زود در سرنوشت و جایگاه زنان جهان دست خواهد برد.^۲

زن مجاهد ایرانی؛ معلّم ثانی زنان جهان

به خانواده‌ی این شهیدان والامقام تبریک می‌گوییم و امیدوارم که به برکت خون این زنان شریف و مجاهد، رسانه‌ها و هنرمندان و فرزندان و سینماگرانی بتوانند جهاد بزرگ زن ایرانی مسلمان را به دنیا که سخت محتاج شناختن آن است، بنمایانند. زن مجاهد مسلمان ایرانی، معلّم ثانی برای زنان جهان خواهد بود؛ پس از معلّم اوّل که زنان مجاهد صدر اسلام بودند. سلام خدا بر بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه‌ی زهرا و بر همه‌ی زنان بزرگ صدر اسلام و بر بانوان فداکار و از جان گذشته‌ی ایران اسلامی.^۳

موج فزاینده‌ی الگو شناختن زن ایرانی

ولادت جدیدی را که برای زن مسلمان در سایه‌ی انقلاب اسلامی

۱. در پیام به کنگره‌ی «هفت هزار زن شهید کشور» (۹۱/۱۲/۱۶)

۲. همان

۳. همان

به وجود آمده است، واقعاً باید تبریک گفت. شکفتن تازه زنان مسلمان کشورهای دیگر است. در بسیاری از کشورهای اسلامی امروز، چه کشورهای عربی و چه کشورهای غیرعربی مسلمان، دختران دانشگاهی، دانشجویان و مخصوصاً در میان زنان جوان موجی به سمت منش زن ایرانی به وجود آمده است؛ مثلاً حجاب یا فراگیری علوم اسلامی را از زن ایرانی تقلید میکنند که این با مقاومت‌هایی از طرف دولتها روبرو شده است. یک جا آموزش علوم اسلامی را برای دختران دانشجو ممنوع کرده‌اند و در جای دیگر حجابی را که شبیه زنان ایرانی است برای زنان دانشجو ممنوع کرده‌اند. در عین حال موج الگو شناختن زن ایرانی در میان زنان مسلمان کشورهای اسلامی فزاینده است و این آغاز کار است. اما هنوز بسیاری از آنها کاملاً از زن ایرانی شناخت ندارند. این را میدانند که زن ایرانی در میدانهای انقلاب حضور داشته و شعار در تظاهرات داده و مردها و فرزندان را تشویق کرده و خود همه جا حاضر بوده است. اما زنان مسلمان کشورهای دنیا هنوز آن ظرافتها، گذشت و فداکاریهایی را که بحق، ملت ما شهیدپروری نام گذاشته‌اند نمیدانند که البته این نیز کشف خواهد شد و آنچه تلاً و مجاهدت و بزرگواری زنان ما درخشنده است که پنهان نخواهد ماند.^۱

جلوه کردن زن ایرانی در چشم ناظران جهانی

امروز زنهای کشورهای اسلامی، زنهای شمال آفریقا، زنهای الجزایر، زنهای مصر، زنهای عراق، زنهای منطقه‌ی شرقی جهان اسلام، همه از زن ایرانی یک الگو میجویند و میابند، زن ایرانی یکدفعه جلوه کرد در چشم ناظران مسائل جهانی مربوط به جوامع و از جمله مسائل مربوط به زن. شما نباید بگذارید نسل شما، گروه شما، کسانی از شما که مسئولیتی را بر دوشهای خودتان احساس میکنند، نباید بگذارید که دستهایی بخواهند این را عوض کنند.^۲

۱. در دیدار با گروهی از خواهران (۶۳/۱۲/۲۱)

۲. در دیدار با جمعی از خواهران آموزش و پرورش (۶۳/۱۱/۷)

حفظ رتبه و آوازه‌ی جهانی زن مسلمان ایرانی

شما نسل انقلابی امروز به هیچ قیمت نباید اجازه دهید رتبه‌ای که زن در جمهوری اسلامی کسب کرده و آوازه‌ای که برای زن مسلمان در سراسر گیتی به دست آورده، با توطئه‌ی دشمنان خدشه‌دار شود.^۱

ارائه‌ی پیام متعالی در عرصه‌های مختلف به دنیا

زنان مسلمان ایرانی در دنیای امروز رسالتی عظیم برعهده دارند و بعنوان الگوی زنان جهان باید پیام متعالی خود را در عرصه‌های مختلف بشری به گوش جهانیان برسانند.^۲

زنده کردن هویت اسلامی زن در دنیا

زن مسلمان ایرانی در ایران اسلامی، باید کوشش‌اش این باشد که هویت والای زن اسلامی را آنچنان زنده کند که چشم دنیا را به خود جلب کند، این امر وظیفه‌ای است که بر دوش زنان مسلمان است؛ به خصوص زنان جوان و دختران دانش‌آموز و دانشجو.^۳

جلوه‌ی ناشناخته‌ی شخصیت زن

مسئله‌ی زنان در جمهوری اسلامی مسأله‌ی مهمی است و رابطه‌ی زن و فرهنگ و سازندگی فکری و اخلاقی هم یک مسأله‌ی مهم دیگر است.

امروز شما نشاندهنده‌ی یک جلوه‌ی جدیدی از شخصیت زن هستید که ناشناخته است، در دنیا ناشناخته است. شاید بتوانم بگویم در تاریخ ناشناخته است.^۴

۱. همان

۲. در دیدار با خواهران طلبه و فرهنگی قم (۷۴/۹/۱۸)

۳. در دیدار با زنان (۷۹/۶/۳۰)

۴. در دیدار با جمعی از خواهران آموزش و پرورش (۶۳/۱۱/۷)



وظیفه‌ی نشان دادن رشد فرهنگی اسلامی زنان در محیط‌های گوناگون وظیفه‌ی شما خانمهاست که با این تلاش‌های بزرگوارانه و انقلابی‌ای که انجام می‌دهید چه در محیط پرستاری، چه در محیط علمی، چه در محیط پزشکی، چه در محیط دانشجویی، چه در محیط خدمات فرهنگی یا خدمات گوناگون پشتیبانی جبهه، چه در حضور در میدان سیاست، چه در اظهار نظر، چه در هدایت افکار و تنویر افکار مردم، چه در کارهای هنری، زباندار و جهت دار با فعالیت و تلاش خودتان در میدان‌های گوناگون، رشد زن و جست فرهنگی اسلامی زن را به دنیا نشان بدهید و بدانید که دنیا از شما تقلید خواهد کرد، کما اینکه الان دارد تقلید میکند. آن کسانی که میتوانند، چه در کارهای هنری زباندار و جهتدار با فعالیت و تلاش خودتان در میدان‌های گوناگون، رشد زن و جست فرهنگی اسلامی زن را به دنیا نشان بدهید و بدانید که دنیا از شما تقلید خواهد کرد، کما اینکه الان دارد تقلید میکند.^۱

گرداننده‌ی تاریخ؛ مشخصه زن ایرانی

امروز دنیا از شما یاد خواهد گرفت. حرکتی را که زن ایرانی شروع کرده است، از دست ندهید. این حرکت برای دنیا یک پیام جدیدی دارد و ولادت جدید است و مشخصه‌های آن احساس شخصیت زن است و اینکه اوست که گرداننده‌ی تاریخ است و میتواند در جامعه، نقش تعیین‌کننده داشته باشد.^۲

مجاهدت زنان ایران با حفظ حدود، الگوی نسل جوان آگاه کشورهای

اسلامی

در کشورهایی که در فرهنگ غربی غرق بودند، خانمها دارند الگوی شما

۱. در دیدار با عده‌ای از پرستاران به مناسبت روز پرستار (۶۵/۱۰/۱۵)

۲. در دیدار با بانوان کشور (۶۳/۱۲/۲۱)

را عمل میکنند، الگوی زن مسلمان و دختر مسلمان ایرانی را. من در الجزایر نمونه‌اش را دیدم، در مصر نمونه‌اش وجود دارد، در لبنان نمونه‌اش وجود دارد، در ترکیه نمونه‌اش وجود دارد، در همه‌ی کشورهای اسلامی خانمهای آگاه و بیدار و بینا و به‌خصوص نسل جوان دارند از الگوی زن مسلمان جمهوری اسلامی و انقلابی تقلید میکنند، این لازمه‌ی آن پیشروی شماسست، لازمه‌ی اعتقاد و اتکا به نفس شماسست که دارید نشان میدهید که زن میتواند در فعالیت‌های اجتماعی هم فعال باشد و مثل مرد و در مواردی جلوتر از مرد تلاش بکند و مجاهدت بکند و در عین حال حدّ زن اسلامی را و مرزهای موجود بین زن و مرد را بطور کامل حفظ کند کما اینکه شما حفظ میکنید و این الگو در دنیا رواج پیدا خواهد کرد. این را بدانید، نشانه‌ی ایمان شماسست و بر اثر اعتقاد شماسست.

■
 شخصیت زن مسلمان، یک شخصیتی است که دارد بتدریج شکل میگیرد، به‌خصوص در بین نسلهای جوان و امیدواریم که - ان شاء الله - روزبه‌روز هم بیشتر بشود.^۱

اقتباس از چادر زنان ایرانی در کشورهای اسلامی دوردست

در کشورهای اسلامی دوردست که از لحاظ زبان و بسیاری از آداب و سنن هم با ما فرق دارند، به احترام و عشق زن ایرانی، زنانشان و دخترانشان چادر سر میکنند، چادری که آنجا معمول نبوده.

■
 چادر میدانید یک پوشش ایرانی است. زنهای مسلمان دیگر در بعضی جاها عبا سر میکنند، بعضی جاها مقنعه سر میکنند، هر جا یک چیزی دارند دیگر، این چادری که شما سرتان است، این پوشش ایرانی است اما یک جاهایی زنهای بعضی از این کشورها از بس مجذوب حرکت و قهرمانی

۱. در دیدار با عده‌ای از پرستاران به مناسبت روز پرستار (۶۵/۱۰/۱۵)

زنان ایرانی هستند، پوشش خودشان را برداشتند، چادر سرشان کردند یا اگر پوششی نداشتند چادر سرشان کردند، تحت تأثیر قهرمانی، شجاعت، اخلاص و ایمان اسلامی، بی‌اعتنایی کردن به سنتها و اخلاق تحمیلی غربی مصرفی اروپایی استعماری - که شماها الحمدلله این بی‌اعتنایی را داشتید و آن پایبندی را به اخلاق اسلامی داشتید - هستند.^۱

تقلید زنان افریقا از حجاب زن ایرانی

در سفری به همین منطقه‌ی مسلمان‌نشین شمال افریقا، در کشوری دیدم که دخترها و زنهای آن، حجاب خودشان را به تقلید از حجاب زنان ایرانی درست کرده بودند. در شرق دنیای اسلام - تا آنجایی که میتوان از آن خبر گرفت - این حرکت ملت ایران و این نشانه‌ی عظیم و تحقق اسلام انقلابی و ناب و راستین، آثار خودش را در دل مردم گذاشته است.^۲

اقتباس از نحوه‌ی حجاب و تظاهرات زنان ایرانی

من در یکی از کشورهای اسلامی - که حجاب محلی هم دارند، بی‌حجابیهای خیلی بد هم دارند - ناگهان چشمم افتاد به یک زنی، به کسی که با من همراه بود گفتم که این حجاب، حجاب دخترهای ماست. او هم نگاه کرد تصدیق کرد. یعنی چیزی بود که درست از زنهای ما این را گرفته بودند. چادر نبود، اما حجابی به شیوه‌ی حجاب اسلامی‌ای که در بین دخترهای ما و زنهای ما معمول بود، که صادرشده‌ی اینجاست. ممکن است چادر شما هم و چادر مشکی شما هم بتدریج صادر بشود به کشورهای دیگر. البته هر جایی برای خودشان یک چادر گونه‌ای، یک چیزی دارند، یک پوششی دارند در کشورهای اسلامی، حالا ولو به این شکلی که حالا شماها سرتان میکنید مخصوص اینجاست. یا مثلاً فرض کنید در تظاهراتی

۱. در دیدار با وزیر و گروهی از خواهران دانشجوی مراکز تربیت معلم (۶۳/۲/۱۲)

۲. در دیدار بسیجیان و پرسنل سپاه پاسداران استان گیلان (۸۰/۲/۶)

که در کشورهای اسلامی گاهی انجام میگیرد و شما در تلویزیون بعضی از نمونه‌هایش را دیدید، میبینید که زنها بصورت باحجاب، بصورت مسلمانی چطور می‌آیند توی تظاهرات شرکت میکنند؛ اینها از شما یاد گرفتند.^۱

زن ایرانی؛ الگوی زنان در حجاب و حرکتهای اجتماعی

امروز زن ایرانی برای زنهای کشورهای جهان سوّم و بالاخصّ برای کشورهای اسلامی بصورت یک الگو در آمده است؛ یعنی حجابی که شما دارید، در کشورهای دیگر یک حجاب نمونه شناخته شده است. زن مسلمان فریاد زدن و دادن شعارهای اسلامی را بلد نبود و به آن عادت نداشت. حتی اگر در یک محفلی گفته میشد صلوات بفرستید، کسانی که صلوات میفرستادند، مردها بودند و زنها اصلاً صلوات نمیفرستادند. اما حالا شما میبینید که در اجتماعات عظیم اسلامی هم در کشور خودمان و هم در جاهای دیگر، صدای زنها گاهی بر صدای مردها غلبه دارد؛ یعنی زنها احساس نمیکنند که آنها فقط باید شعار بدهند. آنها دارند اجتماع را اداره میکنند. پس موجد این خصوصیات، زن ایرانی است که هم خودش را ساخت و هم الگوسازی کرد.^۲

الگوگیری مادران فلسطینی در صف‌آرایی معنوی از زنان ایران

امروز هم دیگران از شما یاد گرفته‌اند؛ امروز در سرتاسر دنیای اسلام آن کسانی که حاضرند در درون خود و در صف‌آرایی حقّ و باطل، حقّ را بر باطل پیروز کنند و غلبه دهند، کم نیستند. پایداری شما - چه در دوران دفاع مقدّس و چه در بقیّه‌ی آزمایشهای بزرگ این کشور - این فضیلتها را در زمانه‌ی ما ثبت کرد. زمانه‌ی ما زمانه‌ی ارتباطات نزدیک است؛ اما این ارتباطات نزدیک همیشه به سود شیطان و شیطنتها نیست؛ به سود معنویتها

۱. در مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی (۶۳/۱۲/۴)

۲. همان

و اصالتها هم هست. مردم دنیا خیلی چیزها را از شما یاد گرفته‌اند. همین مادری که در فلسطین، جوان خودش را میبوسد و به طرف میدان جنگ میفرستد، یک نمونه است. فلسطین سالهای متمادی، زن و مرد و پیر و جوان داشت؛ اما بر اثر ضعفها و به دلیل آنکه در میدان صف‌آرایی معنوی، جنود عقل نمیتوانست بر جنود جهل پیروز شود، فلسطین دچار ذلت شد و این وضعیّت برایش پیش آمد و دشمنان بر آن مسلط شدند. اما امروز وضعیّت فلسطین، بگونه‌ی دیگری است؛ امروز فلسطین به‌پا خاسته است؛ امروز ملت فلسطین - زن و مرد - در صف‌آرایی معنوی در درون خود توانسته است جانب معنویّت را غلبه دهد و پیروز کند؛ و این ملت پیروز خواهد شد.^۱

تربیت زنان مسلمان نمونه، در جنجال غوغاگرانه غرب

امروز ما میتوانیم امیدوار باشیم که همچنانی که یک روز اسلام توانست در آنچنان فضای فرهنگی فاسد و غلطی زنی مثل زینب (سلام‌الله علیها) را به وجود بیاورد که الگو و نمونه‌ی یک انسان بزرگ است؛ نه فقط یک زن، یک زن برجسته، امروز هم میتواند تعالیم اسلام و فرهنگ اسلامی در میان این جنجال غوغاگرانه‌ی جوّسازانه‌ی غرب، نمونه‌ی یک زن مسلمان کامل و بزرگ را به وجود بیاورد و ما احتیاج به این داریم. امروز دنیا احتیاج دارد به اینکه زن مسلمان هویت و حقیقت فرهنگی خودش را نشان بدهد.^۲

همسران ایثارگران؛ اسوه در استقامت و حفظ خانواده

اینجانب در مقابل عظمت، ایثار و فداکاری همسران جانبازان و همچنین همسران اسرا و آزادگان و رزمندگان اسلام به لحاظ اسوه بودن در صبر و استقامت و حفظ و حراست از حریم امن خانه و خانواده، نیز در برابر

۱. در جمع دهها هزار نفر از راهیان نور در یادگان دوکوهه (۸۱/۱/۹)

۲. در دیدار با عده‌ای از پرستاران به مناسبت روز پرستار (۶۵/۱۰/۱۵)

همسران و مادران فداکاری که فرزندان و همسران خود را تجهیز کرده و به میدان شهادت فرستادند، احساس تواضع میکنم.^۱

مادر شهید؛ نخبه‌ی حقیقی فکری و روحی

گاهی من با خانواده‌ی معظم شهدا در خانه‌هایشان، زیر سقف‌هایشان مینشینم و میبینم گاهی مادر یک شهید، حقیقتاً یک نخبه‌ی فکری و روحی است؛ یک انسان برجسته است. همینجا هم دیدیم؛ در جاهای دیگر هم دیده‌ام. انسان تحت تأثیر قرار میگیرد. نخبه آن کسی است که بتواند برجستگی خودش را بدون ادعا، با شخصیت خود، با هویت خود و با ذات خود، به دیگران تفهیم کند. من این را میبینم.^۲

سپیده کاشانی؛ نمونه‌ی زن مسلمان فرهنگی و هنری

از خواهر عزیزمان خانم سپیده کاشانی هم بخاطر شعرهای بسیار خوب و گفتار صمیمی و صادقانه‌شان تشکر میکنم و امیدوارم که این نمونه‌های زن مسلمان فرهنگی و هنری که ارج بسیار زیادی در انقلاب ما و جامعه‌ی ما و تاریخ ما و شرایط کنونی ما دارند و باید داشته باشند؛ روزبه‌روز در میان قشرهای بافرهنگ، هنرمند و فعال خواهران افزایش پیدا کند و ما شاهد نمونه‌های دیگری هم باشیم.^۳

۱. در دیدار گروه کثیری از زنان مسلمان و انقلابی (۷۲/۹/۱۷)

۲. در دیدار با نخبگان استان سمنان (۸۵/۸/۱۹)

۳. در دیدار با عده‌ای از پرستاران به مناسبت روز پرستار (۶۵/۱۰/۱۵)

فهرست آیات قرآن کریم

صفحه	شماره آیه	سوره	متن آیه
۳۰	۴۲	آل عمران	وَ اضْطَفَاكَ عَلَى نِسَاءٍ...
۷۹	۶۹	نساء	فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ...
۴۸	۶۳	نور	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...
۷۱	۶۱	یس	وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا..
۹۶	۸	صف	وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ...
۹۸	۹	حشر	يُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ..
۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰	۱۰	تحریم	ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ...
۶، ۱۲۲، ۱۲۶	۱۱	تحریم	وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ...
۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۲			
۸۰، ۱۲۹، ۱۳۱	۱۲	تحریم	وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ...
۱۳۲، ۱۳۳			
۵۵	۸	انسان	وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ...
۵۵	۹	انسان	إِنَّمَا نَطْعُمُكُمْ لَوَجْهِ...
۷۰، ۹۶، ۹۹، ۱۰۰		کوثر	أَنَا أَعْطَيْتَاكَ الْكَوْثَرَ....

فهرست روایات

۲۸	امیرالمؤمنین (ع)	أَلَا وَانْكُم لَا تَقْدِرُونَ ...
۹۷، ۸۳، ۴۱	امام صادق (ع)	كَانَتْ تَقُومُ فِي مِحْرَابٍ ...
۵۸، ۷۰، ۷۹، ۸۰	امام باقر (ع)	امْتَحَنَكَ اللهُ الَّذِي خَلَقَكَ...
۹۳، ۸۱		
۵۴	امیرالمؤمنین (ع)	مَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا خَرَجْتَ...
۱۲۷، ۷۲	-	و كَانَ إِذَا دَخَلْتَ إِلَيْهِ، ..
۸۱	امام صادق (ع)	زَهَرَ نُورُهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ
۸۶	پیامبر اسلام (ص)	إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ ...
۸۳	امام حسن (ع)	يَا أُمَّاهُ لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ..
۹۴	پیامبر اسلام (ص)	يَا عَلِيُّ ... أَنْتَ قَائِدُ الْمُؤْمِنِينَ ..
۹۳	امام صادق (ع)	أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةً ..
۹۳	پیامبر اسلام (ص)	سَلْمَانُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ
۹۵	امام صادق (ع)	يَا فَاطِمَةَ اللهُ اصْطَفَاكِ وَ...
۹۸	امیرالمؤمنین (ع)	لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقٍ...
۱۰۰	پیامبر اسلام (ص)	حُسَيْنٌ سَفِينَةُ النَّجَاةِ وَ...
۱۰۰	پیامبر اسلام (ص)	أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ
۱۰۵	حضرت زینب (س)	لَا تَمْحُوا ذِكْرَنَا



- ١٠٩ حضرت زينب (س)
 ١١٠ حضرت زينب (س)
 ١١٠ حضرت زينب (س)
 ١٢٣ حضرت زينب (س)

يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ ، يَا أَهْلَ...
 وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ...
 هَلْ فِيكُمْ إِلَّا الصَّلْفُ وَ...
 مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا



فهرست اسامی اشخاص

حسن بصری: ۸۳	آسیه، همسر فرعون: ۲۶، ۱۰۳، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲
حسن بن علی، امام حسن مجتبی (ع): ۲۹، ۵۵-۵۷، ۸۰، ۹۸، ۱۰۷	ابن شهر آشوب: ۴۱، ۸۳، ۹۷
حسین بن علی، سیدالشهدا (ع): ۳۹، ۵۵-۵۷، ۹۸، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۲	ابوذر غفاری، جنادة بن جندب: ۶۱
۱۱۴-۱۱۷، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴	ابوطالب بن عبدالمطلب: ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۶۶
خدیجه بنت خویلد (س): ۱۹، ۴۰، ۴۴	امّ کلثوم (س): ۵۷
۴۶، ۴۷، ۶۶	پهلوی، رضا: ۲۲، ۲۴
خمینی، سید روح الله مصطفوی: ۲۸، ۹۸	جبرئیل (ع): ۹۵، ۹۶
دعبل خزاعی: ۹۰	جعفر بن محمد، امام صادق (ع): ۷۴، ۹۴
زینب بنت علی (س): ۱۹-۲۱، ۲۸، ۲۹، ۳۸-۴۰، ۴۲، ۵۵-۵۷، ۱۰۴-۱۲۳	۹۵، ۹۷، ۱۰۰
۱۲۵، ۱۴۱	حبیب بن مظاهر اسدی: ۱۲۵
ساره: ۱۰۳، ۱۰۴	حجّت بن الحسن عسگری، امام زمان (عج): ۱۰۳
سکینه بنت حسین (س): ۴۲، ۱۲۳	حذیفه: ۶۱
۱۲۵	حرّ بن یزید ریاحی: ۱۲۵



کاشانی، سپیده: ۱۴۲

کمیت اسدی: ۹۰

لوط(ع): ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱

مجلسی، محمدباقر: ۷۶

محمد بن عبدالله، رسول اکرم(ص): ۳۲،

۳۳، ۳۵، ۳۶، ۴۴-۵۰، ۵۳، ۵۵، ۵۶،

۶۱، ۶۲، ۶۵-۶۹، ۷۲، ۷۴-۷۶، ۷۹،

۸۴، ۸۶، ۹۱، ۹۳، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱،

۱۰۳، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۲۴

محمد بن علی، امام باقر(ع): ۱۰۰

محمد بن جعفر، فرزند حضرت

زینب(س): ۱۱۶

مریم عذرا(س): ۳۰، ۴۰، ۸۰، ۹۳-۹۵،

۱۰۳، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲

مسلم بن عقیل: ۱۱۰، ۱۱۶

مسلم بن عوسجه: ۱۲۵

مقداد بن اسود کندی: ۶۱

موسی بن جعفر، امام کاظم(ع): ۱۰۳

موسی بن عمران(ع): ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۳۱،

۱۳۲

نمرود: ۱۲۸

نوح(ع): ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱

هاجر: ۱۰۳، ۱۰۴

همسر لوط: ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۱

سلمان فارسی: ۶۱

طباطبایی، سید محمدحسین: ۲۷

عبّاس بن علی(ع): ۱۲۲

عبدالله بن جعفر: ۳۲، ۱۰۸

عبدالله بن عباس: ۱۰۸

عبدالله بن زیاد بن ابیه: ۱۱۰، ۱۱۱

عزیز مصر: ۸۰

علی بن ابیطالب، امام علی(ع): ۳۵، ۳۹،

۴۹، ۵۰-۵۲، ۵۴-۵۶، ۶۱، ۶۲،

۶۵-۶۸، ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۷۹، ۸۴،

۸۸، ۹۶، ۱۰۳، ۱۰۹-۱۱۱، ۱۱۴،

۱۲۴

علی بن حسین، امام سجّاد(ع): ۱۱۲،

۱۱۶، ۱۱۷

علی بن حسین، علی اکبر(ع): ۱۲۲

علی بن موسی، امام رضا(ع): ۱۰۳

عمار: ۶۱

عون بن جعفر، فرزند حضرت

زینب(س): ۱۱۶

عیسی بن مریم(ع): ۸۰

فاطمه زهرا(س): در بسیاری از صفحات

فرزدق: ۹۰

فرعون: ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۲

قاسم بن حسن(ع): ۱۲۲

قنبر: ۹۶



همسر نوح: ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۱، یوسف بن یعقوب (ع): ۸۰، ۱۳۳

۱۳۲

یزید: ۱۱۱



فهرست مکانها

فارس: ۱۲۳	آفریقا: ۱۳۵، ۱۳۹
فلسطین: ۱۴۱	اروپا: ۱۲۷
قم: ۱۰۵، ۱۱۶، ۱۳۶	الجزایر: ۱۳۵، ۱۳۸
کربلا: ۲۹، ۳۲، ۵۸، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸	الازهر: ۸۶
۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۵	ایران: ۲۸، ۴۲، ۷۴، ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۳۸
کوفه: ۱۱۵، ۱۲۳	بازار کوفه: ۱۰۹، ۱۱۰
گیلان: ۱۳۹	پادگان دوکوهه: ۱۲۵، ۱۴۱
لبنان: ۱۳۸	جزیره العرب: ۱۲۷
مدینه: ۲۹، ۵۵، ۶۰، ۶۲، ۶۴، ۱۱۱	دانشگاه تربیت معلم: ۲۳، ۳۲، ۵۲
۱۱۳، ۱۲۳	۵۸، ۶۴، ۶۹
مسجد مدینه: ۶۲، ۷۵، ۷۶	دانشگاه فردوسی: ۱۳۲
مصر: ۸۶، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۸	روم: ۷۴، ۱۲۷
مصلاّی شهر قم: ۸۲	سمنان: ۱۴۲
مکه: ۳۲، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۵۳، ۶۲-۶۴	شام: ۳۲، ۱۱۵
۶۶، ۱۰۰	شعب ایطالب: ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۶۲
نماز جمعه‌ی تهران: ۲۷، ۴۸، ۶۴، ۶۵	۶۳، ۶۶
۸۶، ۹۹، ۱۰۱	شیراز: ۲۵، ۲۹، ۶۰
ورزشگاه آزادی: ۹۲	عراق: ۱۳۵
	غرب: ۲۴، ۱۴۱